

متوکل آموزشی طرح هجرت ۲۰۰۱

ره تو شه را همیان نور ویرژه بوستان نماز

(دانش آموزان ابتدایی)

تیابستان ۱۳۷۹

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مرکز آموزش سلفین (طرح هجرت)

رہ توشه راهیان نور: ویژه بوستان نماز (دانش آموزان ابتدایی)، تابستان ۱۳۷۹ / تهیه
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت آموزش [برای] مرکز آموزش مبلغین (طرح
هجرت) ... قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات، ۱۳۷۹ .
هجرت) ... قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات، ۱۳۷۹ .
ص: جدول، نسودار ... (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،
مرکز انتشارات؛ ۸۷۳ : متوسط آموزشی طرح هجرت؛ ۲۰ .
ISBN: 964 - 424 - 774 - 4

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. اسلام- مسائل متفرقه . ۲. اسلام- به زبان ساده . ۳. کودکان- تعلیمات دینی .
الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات . ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه
علمیه قم، معاونت آموزش، مرکز آموزش مبلغین . چ. طرح هجرت، تابستان ۱۳۷۹ .

۲۹۷/۰۷ BP ۸/۳ ۹۶۸۳ ۱۳۷۹

۷۷-۱۷۲۲۳

کتابخانه ملی ایران

۱۵۰۷ مسلسل انتشار:

ISBN: 964 - 424 - 774 - 4 / ۹۶۴ - ۷۷۱ - ۱۵۰۷



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه
مرکز انتشارات

رہ توشه راهیان نور (تابستان ۱۳۷۹)
ویژه بوستان نماز (دانش آموزان ابتدایی)

تهیه، حروف نگاری، صفحه آرایی: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مرکز آموزش مبلغین (طرح هجرت)

همکار فنی نشر: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۷۹

شمارگان: ۳۵۰۰

بهای: ۹۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، خیابان شهدا (صفا) مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،

ص: ۹۱۷، تلفن: ۷۴۲۱۵۵-۷، نسیم: ۷۴۲۱۵۴، پخش: ۷۴۳۴۲۶

نشانی الکترونیک: <http://www.hawzah.net/M/M.htm>

E-mail: Bustan-e-Ketab@noornet.net

Printed in the Islamic Republic of Iran

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۱	مقدمه
۳	اعتقادی
۵	مولود کعبه
۱۰	دیده بان
۲۳	کتاب هدایت
۳۳	حضرت ابراهیم
۴۱	ارزشها و پیامبران
۵۳	احکام
۶۰	محرم و نامحرم
۷۰	ایستگاه غذا
۷۵	بهداشت تن و ران
۸۰	اخلاق
۸۷	همنشینی
۹۰	تمسخر
۱۰۳	شیطان و دشمن

.....	۷
رہ توشہ راهیان نور	
.....	اجتماعی
۱۱۱	
روزهای خوب خدا	۱۱۳
نشست گل‌ها یک ۲۱	۱۲۳
.....	مناسبت‌ها
۱۳۷	
گل سوسن	۱۳۹
گوهر زهرا و علی	۱۴۹
گل پیرپیر	۱۵۷
فعالیت‌های فوق برنامه	۱۶۷
قصه گویی	۱۶۹
اردوی یک روزه	۱۷۷
شعار هفته	۱۸۷

پیشگفتار

حمد و سپاس خالق سبحان را که بر ما متنّ نهاد و توفیق تدوین ره توشه سفیران هدایت و پیامبران معارف اسلامی را در این سال نیر عنایت فرمود، سالی که از سوی مقنّدای بزرگمان حضرت آیت الله خامنه‌ای - مد ظله العالی - سال امیر المؤمنین علیه السلام نامیده شده است. امید اینکه همه ما بخصوص جوانان و نوجوانان عزیز بتوانند از این الگوی تمام عیار انسان کامل در همه ابعاد زندگی خود بهره گرفته و پیروی از ایشان را از مرحله زبان، به قلب و جوارح خویش سرایت دهنند. تبلیغ شایسته، بخصوص برای نسل جوان، بیش از صحنه‌های دیگر تبلیغ نیازمند برنامه‌ریزی و دقّت و هماهنگی است. این برنامه‌ریزی اولاً: باید در سطح کلان جامعه بین نهادهای فرهنگی صورت پذیرد تا جامعه بخصوص نسل نوپای انقلاب دچار دوگانگی فرهنگی و به تبع آن گریز از فرهنگ اصیل نشود و ثانیاً: باید در سطح خرد محقق شود، یعنی هر مبلغ تلاش کند تا با شناخت زمان، مخاطب، نیازها، مشکلات، استعدادها و توانمندیهای خود و جامعه، به زیباترین و ساده‌ترین شیوه، معارف ناب اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام را به نسل تشنّه جامعه تحويل داده و آنان را از این چشمۀ زلال معرفت، سیراب گرداند و گرنۀ هر خوراکی چنانچه بهموقع، به اندازه و به تناسب داده نشود، نه تنها برای سلامت مفید نخواهد بود که مخلّ سلامت نیز خواهد شد.

۸ ره توشہ راهیان نور

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و سازمان تبلیغات اسلامی که رسالت اولیه‌شان تبلیغ صحیح می‌باشد، ضمن اینکه خود را از این برنامه ریزی و هماهنگی بی‌نیاز نمی‌دانند، در این راه، دست نیاز به سوی شما دلسوزان جامعه دراز می‌کنند و از شمامی خواهند که تأثیفات، تجربیات، خاطرات و گلچینهای تبلیغ خود را از ما دریغ نفرمایید.

شورای برنامه ریزی و ارزیابی تبلیغ و اعزام مبلغ، محصول این هماهنگی در برنامه‌ریزی و ارزیابی و اعزام می‌باشد که لازم است از تلاش‌های این شورا و همچنین از تلاش‌های خالصانه محققان و همکاران مرکز آموزش مبلغین (طرح هجرت) و مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان، نهایت سپاسگزاری را داشته باشیم. امید اینکه این تلاش مورد توجه خدای سبحان و حضرت مهدی (عج) قرار گرفته باشد و مشمول عنایات خاصه حضرت حق قرار گیرد.

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

سازمان تبلیغات اسلامی

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

تابستان، فصل نشاط و گرمای شادمانه کودکان و نوجوانان است. تابستان، فصل تلاش‌های ویژه هنری و تفریحی و... در به ثمر رساندن فعالیت‌های علمی و فرهنگی سالانه است. تابستان، اندوخته‌سازی اندیشه‌ای والا و دانستنی‌های افزون بر تلاش‌های معمول است. پس چه بهتر امسال، که به نام مولی الموحدین، «علی اپن اپی طالب» (ع) نامیده شده و ماکه افتخارمان و افتخار کشورمان پیروی از آن امام بزرگوار است، تابستان امسال را با بهره‌گیری از روش‌های تربیتی، سرگذشت‌های زندگی، فرمایش‌های ڈربار آن امام عزیز، دانش‌آموزان عزیzman، یعنی فرزندان علی (ع) و شیفتگان والایی‌های حضرتش را از چشم‌های سار معارف آن حضرت، سیراب سازیم.

براین ایده، مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان امسال نیز، ره توشه‌ای را هدیه‌ی راهیان راه حضرت می‌نماید که با تلاش دوستان شما در این مرکز تهیه شده و آرزومند هستند که:

الف - از روش‌های ارایه شده در این مجموعه، قبل از اجرا در کلاس، به خوبی آگاهی یابند.

ب - این دروس را با تدبیر و مطالعه مجدانه خویش - به ویژه در باره‌ی خصوصیات زندگی مولا امیرالمؤمنین (ع) - بیامیزند.

ج - پس از پایان تدریس هر درس، از چگونگی تدریس خویش، و تأثیر آن در آموختگان به صورت غیر مستقیم، آگاهی یابند و خویش را ارزیابی کرده و سامان‌ها و

۲ ره توشه راهیان نور

نابسامانی‌های کار خویش را پیش روی آورند و در بهبود روش‌ها و منش‌های خویش
بکوشند.

در پایان مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان هر گونه پیشنهاد و ابتکار و خلاقیت
سازنده‌ی شما را به جان خریدار بوده و در افزونی توفیق شما، خدای را به یاری تان
می‌خواند.

موفق باشید - با احترام

مدیر مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

محمد حسن راستگو

اعتقادي

نام درس

محمد علیؑ

مولود کعبه

موضوع

اعتقادی - اجتماعی

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با ولادت، دوران کودکی و نوجوانی و صفات برجسته امام علی (ع) آشنا می شوند و عید غدیر را به عنوان روزی که حضرت علی (ع) به امامت برگزیده شد، می شناسند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱- ولادت علی (ع) در کعبه و نامگذاری آن حضرت.

۲- کودکی حضرت علی (ع) و ویدگی های آن حضرت.

۳- دوران نوجوانی و فداکاری حضرت.

۴- همراهی حضرت علی (ع) با پیامبر در زمان های مختلف.

هدف رفتاری

از دانش آموزان انتظار می رود که در پایان درس بتوانند دوران کودکی و نوجوانی حضرت علی (ع) را سرمشق و الگوی خویش قرار دهند و مقطع های حساس دوران زندگی حضرت را بیان کنند.

روش های مناسب تدریس

۱- توضیحی ۲- فعل (داستان - جدول - پرسش و پاسخ - راز دایره ها - شعر)

رسانه های آموزشی

تخنه سیاه و گچ

مولود گعبه

به نام خداوند جان و خرد کزین بروتر اندیشه بر زنگذرد
خداوند کیهان و گردون سپهر فروزنده ماه وناهید و مهر
بچه‌ها! سلام. ان شاء الله حال شما خوب است. امروز داستانی را برایتان تعریف
می‌کنم که امیدوارم در پایان داستان، شخصیت مورد نظر را حدس بزنید. پس حواستان
را خوب خوب جمع کیم. آماده‌اید؛ «بسم الله».

سه روز بود که خواب خوش به چشمان ابوطالب نیامده بود. چه فکری بود که این
چنین آشفته‌اش کرده بود؟ دائم از این پهلو به آن پهلو می‌غلتید. یک باره برخاست و در
بستر نشست. نگاهی به اطراف انداخت. ماه، نور خود را به درون اتاق کشیده بود. چشم
ابوطالب به بستر تا شده همسرش افتاد. آهی کشید و دوباره سر به بالش گذاشت. اما درین
از ساعتی خواب آرام! به پهلو غلتید و نگاهش را در زیر نور مهتاب به بستر فاطمه دوخت.
پانزده روز بود که درد کشیدن هایش را دیده و ناله هایش را شنیده بود. انگار از میان
لایه‌های تاشده بستر، هنوز صدای آه گفتن‌های همسرش را می‌شنید. خانه بدون فاطمه
برایش لطفی نداشت و سوت و کور بود. فکرش را جمع کرد و سه روز پیش را به یاد آورد.
آخرین خداحافظی اش چقدر زیبا بود. در آهنگ صدایش رگه لطیفی از اجازه گرفتن
نهفته بود: ابوطالب! می‌روم مسجد.

به عادت همیشگی چادر به سرکرد و راه کعبه در پیش گرفته بود و دیگر بر زنگشته بود.
 فقط همین‌ها به ذهن ابوطالب رسید، اما چه پیش آمده بود که در این سه شب او
نتوانسته بود همسر و فادرش را ببیند، خودش هم نمی‌دانست. فقط به یاد آورد اولین بار،
بعد از این که او را ندیده بود، در خانه شان محکم به صدا در آمده بود: ابوطالب! ابوطالب!

او سراسیمه پشت در دویده بود.

- ابوطالب! همسرت! همسرت فاطمه!^(۱)

او تا مسجد الحرام دویده بود. نفس زنان خود را به کعبه رسانده بود، اما هر چه گشته بود، همسرش را ندیده بود. در آن جا نگاهش به چشمان پر از حیرت عباس و قعنبر افتاده بود.

- چه شده؟ شما فاطمه را ندیدید؟

و آن‌ها دیده بودند، اما اگر آن چه را دیده بودند به او می‌گفتند، آیا باور می‌کرد؟ اصلاً می‌توانست باور کند؟ به تمسخرشان نمی‌گرفت؟ اما هر طور بود باید به او می‌گفتند که چه بر سر فاطمه آمده است، هر چه بود همسرش بود.

- ابوطالب، ساعتی پیش فاطمه به مسجد آمد. مضطرب بود؛ گویی دردی توانش را برده بود. خود را به کعبه رساند. دست در پرده کعبه انداخت، به چنگش گرفت، فشد و نیایش کرد.

- چه گفت، چه گفت؟ شما شنیدید؟ در نیایشش چه گفت؟

- انگار از خودش می‌گفت و از کودکش. از کودکی که با او سخن می‌گفته است. گفتیم شاید حالش خوش نباشد. او که کودکی ندارد تا با او حرف بزند، اما او در نیایشش جدی بود: پروردگار! به پاس احترام کسی که این خانه را ساخت و به حق کودکی که در رحم من است، تولد این کودک را بر من آسان فرما.

- باور نمی‌کنی ابوطالب! باور نمی‌کنی چطور دیوار پشت کعبه صدایی کرد و شکافته شد. چنان که همه ما از ترس قدمی به عقب برداشتیم. فاطمه به درون کعبه رفت و دیوار

دوباره به هم آمد، چنان که گویی شکافی در کار نبوده است، باور نمی‌کنی ابوطالب!
و مگر باور کردنی بود؟ این سه روز بر ابوطالب چه گذشت؟ خدا می‌داند و ابوطالب.
- چه بر سر همسرش آمده است؟ غذاش این سه روز چه بوده است؟ قابله اش چه
کسی بوده است؟ این دیوارهای سنگی که سالم است، حتی شکافی در آن‌ها دیده
نمی‌شود. آیا واقعاً همسرش پشت این چهار دیواری کعبه است؟ پس چرا صدایی
نمی‌آید.

- فاطمه! فاطمه!

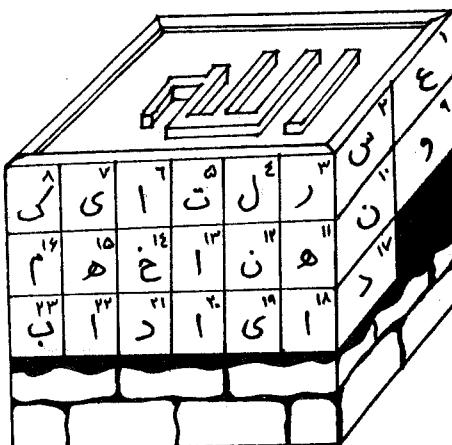
- ابوطالب، وقتی خواستیم در کعبه را بگشاییم، انگار کسی از پشت، در رانگاه داشته
بود. وقتی هر چه نیرو داشتیم به کار گرفتیم و در باز نشد، گفتیم: باید در آسمان خبری
باشد که ما در زمین از آن بی خبریم. حالا هم آمده‌ایم و تو را خبر کردیم.
این انتظار کشنده کی به سر می‌آید؟ کی می‌خواهد جان بی قرار ابوطالب را راحت
کنند. روز چهارم همه کسانی که فاطمه را می‌شناختند؛ خانواده ابوطالب، فامیل‌های
بنی اسد، زنان بنی هاشم و همسایگان آن‌ها، دور کعبه جمع شده بودند و به دیوارهای
کعبه چشم دوخته بودند. ناگهان در مقابل چشمان حیرت زده‌ی آن‌ها، دیوار کعبه، همان
دیوار، دوباره شکاف برداشت و راه باز کرد. از میان آن راه، فاطمه با کودکی که در بغل
داشت، خندان و شاداب پا از کعبه بیرون گذاشت.^(۱)

خوب بچه‌های عزیز! حالا فهمیدید این کودک که در داخل کعبه به دنیا آمد، چه
کسی است؟

آفرین! حضرت علی علیه السلام.

حتماً نام پدر و مادرش را نیز متوجه شدید؟ پله، (بوطالب) و فاطمه پنست اسد؛ پدر و
مادر امام علی علیه السلام.

۱- مرتضی دانشمند: «یک صدف از هزار»، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چ، ۱، ۱۳۷۶، ص ۷. (به نقل از منتهی الامال، حالات حضرت علی)



خوب بچه‌ها، شکل کعبه
را برایتان می‌کشم.
حروفی که روی آجرهای
کعبه نوشته شده است،
پیام مهمی را برای شما دارند.
برای این که به پیام برسید، آجرها
را به ترتیب شماره سه تا سه تا بشمارید
و حروف را کنار هم قرار دهید.

این کار را آن قدر ادامه دهید تا پیام را که جمله‌ای درباره حضرت علی علیهم السلام است، به دست آورید.

پیام جدول: علی نامی است که خدا پر اونها دارد.

آری، دانش آموزان عزیز، همان گونه که در داستان برایتان گفت، روز چهارم مادر حضرت علی علیه السلام در حالی که نوزاد را در آغوش داشت، هنگام خارج شدن از داخل کعبه چنین گفت: «همین که خواستم از خانه‌ی (خدا) بیرون آیم، ندایی از غیب شنیدم که گفت: ای فاطمه، نام این فرزند را علی بگذار، به درستی که من علی اعلامیم، نام او را از نام خود برگزیدم... اوست که بت‌ها در خانه‌ی من می‌شکند و همه را به زیر خواهد انداخت، اوست که بالای کعبه اولین اذان را خواهد گفت و اوست که مرا به عظمت و بزرگواری یاد خواهد کرد...»^(۱)

هنگامی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ با خدیجه ازدواج کرد و تشکیل خانواده داد، در

۱- سید کاظم ارفع: «سیره عملی اهلیت علیهم السلام حضرت علی(ع)»، طلوع آزادی، تهران، چ ۷، ۱۳۷۴، ص.۸ (به نقل از سعادت‌الانوار)

فکر جبران رحمت‌ها و محبت‌های ابوطالب افتاد. به همین جهت به عمومی عزیز خویش فرمود: «دوست دارم بعضی از فرزندان را نزد من بگذاری تا در کار رسالت من مرا یاری کند و جبران رحمت‌های گذشته‌ام را نسبت به شما کرده باشم.» ابوطالب در پاسخ پیامبر گفت: «هر کدام را می‌خواهی انتخاب کن» رسول خدا^{علیه السلام}، علی عائیل^{علیه السلام} را که کودکی خردسال بود، برگزید.^(۱)

علی عائیل^{علیه السلام} دوران حساس کودکی خود را در آغوش پیامبر گذراند و تربیت شد. خود حضرت علی عائیل^{علیه السلام} در باره‌ی این دوران فرموده است: موقعي که خردسال بودم، پیامبر مرا در آغوش می‌گرفت و به سینه‌ی خود می‌فسردم... غذا در دهانم می‌گذارد. من همچون بچه‌ای که به دنبال مادرش می‌روم، همه جا همراه او می‌رفتم، هر روز یکی از فضایل اخلاقی را به من یاد می‌داد و دستور می‌داد که از آن پیروی کنم.^(۲)

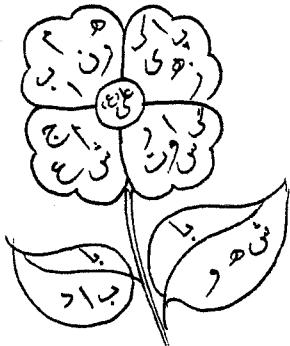
یکی از یاران پیامبر^(۳) می‌گوید از پدرم پرسیدم: رسول الله علیه السلام کدام یک از پسرانش را بیشتر دوست می‌داشت؟ گفت: علی ابن ابیطالب عائیل^{علیه السلام}، گفتم: من از پسران پیامبر می‌پرسم، تواریخ پسر عمومی او که علی عائیل^{علیه السلام} است می‌گویی. گفت: پیامبر علیه السلام، علی عائیل^{علیه السلام} را از همه پسرانش بیشتر دوست می‌داشت و بیش از همه به او مهربانی می‌کرد. ندیدم پدری به پسرش مهربان‌تر از رسول الله علیه السلام به علی عائیل^{علیه السلام} و نه پسری برای پدرش فرمانبرتر از علی عائیل^{علیه السلام} برای پیامبر علیه السلام باشد.^(۴)

۱- بحار، ج ۳۸، ص ۲۹۵.

۲- مهدی پیشوایی: «سیره پیشوایان» موسسه امام صادق(ع)، قم، ج ۲، ۱۳۷۴، ص ۲۷.

۳- فضل بن عباس

۴- سیره عملی اهلیت، ج ۱۲ (به نقل از شرح ابن ابی الحدید)، ج ۱۳، ص ۲۰۰



راستی بچه‌های خوب می‌خواهید با بعضی
از ویژگی‌های حضرت علی علی‌الله‌ی
کودکی آشنا شوید. حروف پراکنده داخل
گلبرگ‌ها و برگ‌ها را به گونه‌ای کنار هم
قرار دهید که ۶ ویژگی و صفت امام علی علی‌الله‌ی
را به دست آورید!

۱ ۴ ۳ ۲ ۱ ۵.با ۶.با

ان شاء الله تساماهم این ویژگی‌هارا کسب کنید تا یار واقعی امام علی علی‌الله‌ی باشید. حالا
یک سؤال دارم که هر کس پاسخ داد، همه بچه‌ها او را بلند تشویق کنند.^(۱)
وقتی حضرت محمد علی‌الله‌ی در ۴۰ سالگی از طرف خدا به پیامبری رسید، نخستین
مرد و زنی که به او ایمان آوردند چه کسانی بودند؟ آفرین، امام علی علی‌الله‌ی و حضرت
خدیجه (علی‌الله‌ی)

آیا می‌دانید هنگام ایمان آوردن حضرت علی علی‌الله‌ی چند ساله بود؟ بله، «(ساله
حضرت علی علی‌الله‌ی که در دامان پیامبر علی‌الله‌ی بزرگ شده بود، از کوچکی یکتاپرست بود
و هرگز آلوده به بت پرستی نگردید، او همه جا یار و یاور پیامبر خدا علی‌الله‌ی بود.
بعد از آن که حضرت محمد علی‌الله‌ی به پیامبری رسید به مدت سه سال به صورت
مخفیانه دعوت به اسلام می‌کرد. پس از سه سال، فرشته وحی بر رسول اکرم علی‌الله‌ی نازل
شد و فرمان خدا را بر دعوت آشکار و همگانی از طریق دعوت خویشان و بستگان اعلام

۱- به گونه‌های مختلف می‌توان تشویق نمود: «آفرین، آفرین، صدآفرین» یا «طیب، طیب الله،
احسنست بارک الله»

نمود. حضرت علی علیہ السلام طبق دستور پیامبر چهل نفر از خویشان را مهمان کرد. بعد از صرف ناهار، ابو لهب با سخنان بیهوده خود جلسه را به هم زد. ناگزیر پیامبر علیہ السلام روز دیگر به همان گونه مهمانی ترتیب داد و بعد از صرف ناهار، سخنان خود را چنین آغاز کرد: «هیچ کس از مردم برای کسان خود چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام، نیاورده است. من خیر و خوبی دنیا و آخرت برای شما آورده‌ام. خدایم به من فرمان داده که شما را به توحید و یگانگی او و پیامبری خویش دعوت کنم. چه کسی از شما مرا در این راه کمک می‌کند تا برادر و وصی و جانشین من در میان شما باشد؟» پیامبر خدا این تقاضا را سه بار تکرار فرمود و هر بار تنها علی که نوجوانی ۱۵ ساله بود، برخاست و آمادگی خود را اعلام نمود.

آن گاه پیامبر علیہ السلام فرمود: ای مُویْسَانْ و پِسْتَگَانْ مُنْ! علی پُدرَرْ و وصی و چَانْشِینْ مُنْ در میان شما است.^(۱)

حضرت علی علیہ السلام در تمام دوران زندگی با برکت پیامبر گرامی اسلام علیہ السلام یار و یاور آن حضرت بود. هنگام هجرت پیامبر به مدینه، با خوابیدن در بستر پیامبر، جان خود را به خطر انداخت و با این فداکاری بزرگ، موجب شد تا پیامبر خدا به سلامت به مدینه برود. در مدینه به عنوان برادر پیامبر انتخاب گردید و در همه جنگ‌ها و پیکارها دوشادوش پیامبر خدا علیہ السلام از اسلام و ارزش‌های آن حمایت و جانفشنای نمود. دانش آموزان گرامی، می‌خواهید بدانید چرا امسال از طرف رهبر معظم انقلاب به سال «امام علی» نامگذاری شده است؟ آفرین، چون امسال دو عید غدیر داریم. چه کسی می‌داند عید غدیر چه روزی است؟ بله، روز ۱۸ دُی العجه، روزی که پیامبر اسلام، حضرت علی علیہ السلام را از طرف خداوند به امامت تعیین نمود. ما شیعیان هرسال عید غدیر را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین عیدهای اسلامی جشن می‌گیریم.

۱- سیره پیشوایان، ص ۳۵(به نقل از: تاریخ الامم و الملوك طبری، الكامل فی التاریخ ابن اثیر، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید).

نام درس

دیده بان^(۱)

موضوع

اعتقادی

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با خداجویی از راه شکر منع آشنا می شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند.

(۱)- نعمت‌های گوئی‌گوئی در وجود انسان

(۲)- هدف آفرینش

(۳)- وظیفه ما در مقابل این نعمت‌ها

هدف رفتاری

از دانش آموزان انتظار می‌رود که در پایان درس بتوانند اثبات وجود خدا را از راه

نعمت‌ها بیان کنند و از نعمت‌های خداوند خوب استفاده کنند.

روش‌های مناسب تدریس

(۱)- توضیحی ۲- فعال (پرسش و پاسخ - معملاً - جدول)

رسانه‌های آموزشی

تخمه سیاه

پاپا پا

دراابتدا چهار نفر از دانشآموزان را فراخوانده، بدین صورت عمل می‌کنیم:

نفر اول، گوشهای خود را با پنبه مسدود کند و در آخر کلاس بنشینند.

نفر دوم، چشم خود را ببند و یک دور زده، برگرد و با گچ یک نقاشی روی تخته رسم کند.

نفر سوم، با پاهای بسته با نفر اول مسابقه دهد تا آخر کلاس.

نفر چهارم، بدون کمک زبان و صدا با نفر اول که با گوش بسته در آخر کلاس نشسته است صحبت کند.

پس از آن از کسانی که پیراهن دکمه دار دارند خواسته می‌شود بدون استفاده از انگشت شست با شمارش یک تاسه، یک دکمه را باز کنند!

با این آزمایش‌ها دانشآموزان تا حدودی به اهمیت چند تا از نعمتها ای که در بدنشان هست پی می‌برند. از آنها سؤال می‌شود که:

آیا نعمتها شما فقط همینهایند؟ خیر! مثلاً مغز شما نیز یک نعمت بزرگ است که فرماندهی بدن شماست. شما می‌توانید با کمک مغزتان فکر کنید. حالا سی ثانیه سکوت کرده، در باره‌ی نعمتها دیگر بیندیشید.

آیا جای دارد از کسی که این نعمتها را به ما ارزانی داشته است تشکر و قدردانی نماییم؟ بله اگر کسی نداند که چه کسی این نعمتها را به او داده است قبل از تشکر باید چه کند؟... باید او را بشناسد.

شما او را حبوب می‌شناسید، او کیست؟ خدا

حال خوب است در باره‌ی یکی از این نعمتها بیشتر صحبت کنیم. بلی نعمت چشم.

..... ره توشه راهیان نور

بر روی تخته چهار بار کلمه‌ی «اگر» را نوشته، بدین صورت سؤال‌هایی مطرح می‌کنیم:
 اگر چشم نبود...! انسان نمی‌توانست چیزهای ظریف بسازد و مردم در جای شلوغ
 برای حرکت دچار مشکل فراوان می‌شدند. اگر چشم ناقص بود...! تصویرها و ظرایف
 اجسام مشاهده نمی‌شد. بدون عصب بینایی تصویرهای انباشته شده، به مغز که
 فرماندهی بدن است، نمی‌رسید. اگر پلکهای کیکی از کارهایشان حفظ چشم از گرما، سرما
 و ضربه هاست - نبودند یا رگ‌های آنها پاره می‌شد چه می‌شد؟ اگر ابروها نبودند عرق
 پیشانی وارد چشم می‌شد. اگر... .

اگر چشم ناقص کار می‌کرد...! مثلاً مردمک چشم نور را به طور کامل نمی‌گرفت ما
 همه‌ی اجسام را تاریک (همچون شب) می‌دیدیم. اگر هر دو چشم هماهنگی نداشتند و
 تصویر را روی یک نقطه نمی‌انداختند، چیزها را دوتایی می‌دیدیم. اگر رنگها تشخیص
 داده نمی‌شد همه چیز را به یک رنگ می‌دیدیم و از نگاه لذتی نمی‌بردیم یا برای
 شناسایی آنها دچار اشتباه می‌شدیم. اگر همه چیز بزرگ دیده می‌شد با دیدن یک مورچه
 فرار می‌کردیم! اگر دوری و نزدیکی تشخیص داده نمی‌شد و مثلاً همه چیز را دور
 می‌دیدیم مثلاً مار جلو پا در یک کیلومتری می‌دیدیم و با بی توجهی نیشش را نوش
 می‌کردیم. و چنانچه همه چیز را نزدیک می‌دیدیم از افتادن در چاهی که در یک
 کیلومتری است هراس داشتیم و هرگز به طور متعادل راه نمی‌رفتیم.

اگر چشم در محل مناسب قرار نداشت...! مثلاً پایین یا زیر بغل بود یا یکی جلو سر و
 دیگری پشت سر بود، یا اینکه ثابت بود و نمی‌چرخید و... چه می‌شد؟

از این نعمت با ارزش چگونه می‌توان موازنی کرد؟ رعایت فاصله مناسب به هنگام
 مطالعه و دیدن تلویزیون، استفاده نکردن از عینک دیگران، دست آلوده به چشم نزدن

این نعمت با ارزش را چگونه می‌توان تقویت کرد؟ به چند صورت:

(- استفاده از حوارکیهایی که پیشایی را تقویت می‌کند. (از دانش‌آموzan خواسته می‌شود چند مورد را ذکر کنند.)

۲- مطالعه و نگاه کردن به قرآن و مخصوصاً قران آیه‌الكرسی و نگاه به چهارهای عالم، سیمای پدر و مادر، طبیعت و سینه زار یا آپ روان.

بچه‌ها مواظب باشید!

۱- در موقع استفاده از این نعمت، مواظب باشیم که با چشم کار خطا و اشتباہی نکنیم، مثلاً به نوشه‌های دیگران، بدون اجازه نگاه نکنیم. آیا این لطیفه را شنیده‌اید که: روزی شخصی داشت نامه‌ای به دوستش می‌نوشت و در همان حال شخص دیگری نامه او را می‌خواند. او در نامه نوشت: ای دوست عزیزاً می‌خواستم مطالبی را برای تو بنویسم ولی آدم نادانی به نامه من نگاه می‌کند. آن شخص گفت: چرا تهمت می‌زنی؟ من نادان نیستم.

- تو از کجا دانستی که من به توانادان گفته‌ام؟

- در نامه نوشتی!

- خوب همین دلیل برنادانی تواست که بدون اجازه به نامه من نگاه می‌کنی.

۲- خدای ناکرده با اشاره‌ی چشم، دیگران را سرزنش نکنی و آنها را کوچک نشماری.

۳- [در صورتی که دانش‌آموzan آمادگی دارند] با چشمها یت به نامحروم نگاه نکنی که این تیر شیطان است و آدم را می‌فریبد.

چشم و هدف از آفینش آن

خداآوند هیچ چیز را بدون هدف نیافریده است حتی کرم خاکی را، ولی ما بساندانیم

هدف خداوند از خلقت بعضی اشیا و حیوانات چیست. خداوند بعضی از اعضاء را جفت

(زوج) آفریده. مثلاً چشم، دست، گوش، پا و... قرآن مجید می‌فرماید: (اللَّهُ نَجَعَ لِهِ عَيْنَيْنِ وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ) (سوره‌ی پلد) آیا برای او دو چشم و زبان و دولب قرار ندادیم. وظیفه ما در برابر نعمتها بی که خداوند به ما داده است این است که خدای را شکر کنیم و از نعمت هایش در راههای پسندیده استفاده نماییم. مثلاً خداوند چشم را به ما داده تا به طبیعت و جهان هستی نگاه کنیم، حیوانات را بنگریم، به زمین و آسمان و کوههای پر صلابت نظاره کنیم و... چنانکه خداوند متعال در سوره غاشیه می‌فرماید: (إِنَّا يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَبْلَلِ كَيْفَ خَلَقْتَ وَالِّي السَّمَاءَ كَيْفَ رَفَعْتَ وَالِّي الْجَبَلَ كَيْفَ نَصَبْتَ وَالِّي الْأَرْضَ كَيْفَ سَطَحْتَ) ما با نگاه خود به چنین آثاری به وجود خالق آنها پی می‌بریم و می‌دانیم که این جهان پهناور با این همه تنوع و زیبایی، را خداوند حکیم و دانا آفریده است. آیا فکر کرده‌اید که اگر یکی از نعمتها بی که خداوند به ما داده از ما بگیرد با چه مشکلاتی رو برو می‌شویم؟ چه بسا خداوند به سبب ناسپاسی ما و اسرافمان نعمت‌هایش را از ما بگیرد یا برای اینکه ما را امتحان نماید نعمتی را از بنده‌اش سلب کند. در کشور عزیzman روشندلانی هستند که در جبهه‌های حق علیه باطل چشم خود را از دست داده‌اند یا جانبازانی که برخی از اعضایشان را از دست داده‌اند و چه پیروزمندانه، مفتخر به این نشان‌های الهی گشته‌اند.

در وجود ما انسانها دو نوع چشم وجود دارد: یکی همین چشم ظاهری است و دیگری که از آن به چشم باطن یاد می‌شود. همان روح الهی که در سرشت مانهاده شده است و ما می‌توانیم با انجام کارهای واجب و مستحب به جایی بررسیم که با چشم دل حقایق را ببینیم. چنانکه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: من خدا را با چشم دل می‌بینم. شاید نام ابو بصیر یکی از شاگردان امام باقر علیه السلام را شنیده باشد که چشم‌هایش را از دست داده ولی چون روحش پرورش یافته بود و با چشم دل حقایق و معارف را درک

می‌کرد به «پدرینا» نام گرفت.

چشم بهترین وسیله برای عترتگیری است. (فاعتبروايا اولى الابصار) «عبدت پگيزيده اى صاحبان پصييرت» بعضی افراد از نعمت‌های الهی در راه شايسته استفاده نمی‌کنند یا نعمت‌های داده شده را معطل می‌گذارند. مثلاً از عمرشان بخصوص در دوران نوجوانی و جوانی استفاده خوب نمی‌کنند یا خدای ناکرده آن نعمتها را شر راه غیر صحیح (حرام) به کار می‌گیرند. مثلاً «چشم رُحْمٌ رُدْنٌ بِهِ دِيَگْرَانْ» و حسادت به نعمت آنان. (وان يكاد الذين)^(۱) افراد درستکار و خدا دوست از همه نعمت‌های الهی به نیکوترين روش استفاده می‌کنند، از چشم برای دیدن آیات الهی، قرائت قرآن، خواندن درس، نگاه مهربانانه به چهره پدر و مادر و... بهره می‌برند. (داستان حضرت یعقوب عليه السلام که با بوی پیراهن یوسف عليه السلام و مالیدن آن به چشمانش بینایی اش را بازیافت.)

یکی از آیات الهی، بندگان برگزیده خداوند هستند که ما با نظاره‌ی ابعاد زندگی آنها، آنان را برای خود الگو قرار می‌دهیم.

علی ای همای رحمت

نحوه‌ی اجرا: بعد از مطرح ساختن محور بحث آن را از دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهیم و به حسب اهمیت مقام هدف از آفرینش چشم و بعضی از وظایف آن را که در آیات گوناگون آمده است بیان می‌کنیم. (درنهایت، آیات مورد نظر در سوره غاشیه را با ترجمه حفظ کنند. پردازش داستان حضرت یعقوب نیز بهترین موقعیت برای بهره برداری از فرصت کلاس است، مشروط بر اینکه داستان برای بچه‌ها تکراری نباشد.)

معما: آن چیست مای پیئیم ولی حداوند نمی‌پیند - موابع
روشنایی چشم پیامبر ﷺ به فرموده خودشان در چیست؟ «قرة عيني في الصلوة»

کار در خانه:

الف: پاسخ دهید.

۱- پیامبری که از دوری فرزندش چشمش نایینا گردید؟

۲- داشتمدنی که پدر اثر مطالعه زیاد، چشمش ضعیف و سپس نایینا گردید؟

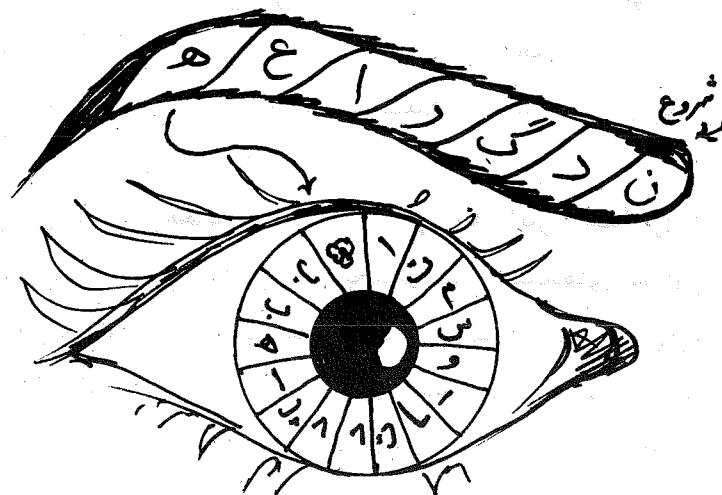
۳- در کربلا، قبل از شهادت، چشمها یعنی هدف تیر قرار گرفت؟

ب: این جمله را کامل کنید.

حائزهای...، چشم و... این ملت اند. (امام حمنی ره)

ج: این آیه را حفظ کنید. (الم نجعل له عینين ولساناً وشفتين)

د: پیام جدول را به دست آورید.



توضیح:

۱- رمز چدول عدد ۲ است.

۲- حانه اول (حرف ن) شمرده نمی شود.

۳- پوچ: نگاه به پدر و مادر عبادت است.

نام درس

محمود خیری

کتاب هدایت

موضوع

اعتقادی

هدف کلی

دانشآموزان در این درس باتبوت و اعجاز آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند.

۱- خداوند پرای هدایت پسر فرستادگانی ارسال می‌کند.

۲- پیامبران معجزه دارند.

۳- معجزه پیامبر اسلام، قرآن است.

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود پس از پایان درس بتوانند بحث نبوت و همچنین معجزه بودن قرآن را بیان کنند.

روش‌های مناسب تدریس

(۱- توضیحی ۲- فعال (پرسش و پاسخ)

رسانه‌های آموزشی

تخمه و کارت

كتاب هدایت

هست بسم الله الرحمن الرحيم نقطه‌ی توحید و خط مستقیم
با سلام خدمت شما دوستان، بحث امروز را با طرح چند سؤال شروع می‌کنیم؛ همه
آماده‌اید تا پاسخ دهید؟

بله

اگر کسی بیمار شد، به چه کسی مراجعه می‌کند؟

په پُرْشَك

چرا فقط به پزشک مراجعه می‌کند؛ نه به کس دیگر؟

چون؛ پیوودی مریض پا اجرای دستورات پُرْشَك حاصل می‌شود.

خداؤند طبیب قلوب^(۱) است، پس پايد به نسخه‌ی الهی گوش فرداد.

چگونه فرمان الهی به دست ما می‌رسد؟

پله؛ په وسیله پیامبران، خداوند پرای هدایت و سعادت پُشْر و تُچاَت آن‌ها از دست

ظالمان و ستمکاران، اشخاصی را انتخاب کرده است تا راه سعادت را به مردم نشاند دهند.

به این آیه که دوست شما قرأت می‌کند، گوش گنید.

(لقد أرسلنا رسالنا بالبيانات واتزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط)

«ما پیامبران خود را پا دلائل روشن فرستادیم و به آن‌ها کتاب و میراث دادیم تا مردم

1- شیخ عباس قمی «کلیات مفاتیح الجنان»، انتشارات علمیه اسلامیه، ۱۳۴۹، دعای جوشن کبیر ص ۱۵۸ (یاطبیب القلوب).

به عدالت قیام کنند»^(۱)

خوب است بدانیم که هدف تمام پیامبران یکی بود و فقط در مسائل فرعی متناسب با موقعیت هر یک، تفاوت‌هایی وجود داشت.

آیا می‌توانید نام تعدادی از انبیای الهی را که در قرآن آمده است، نام ببرید؟
آدم، نوح، هود، صالح، یونس، ذکریا، یوپ، لوط، یعقوب، یوسف، موسی، داود، سلیمان
و عیسی

حضرت آدم (ع)

نام اولین پیامبر الهی چیست؟

حضرت محمد(ص)

نام آخرین پیامبر الهی چیست؟

۱۲۴۰۰۰

این عدد را بخوانید

بله! عدد را درست خواندید، یکصد و بیست و چهار هزار

این عدد مربوط به چیست؟ بله! معروف است که پیامبران (الهی) ۱۲۴۰۰۰ تقدیر می‌شوند.

خوب حالا بگویید با توجه به این که پیامبران زیادی در طول تاریخ برای هدایت بشر از طرف خدا برگزیده شده‌اند، و عده‌ای سودجو نیز خود را به جای پیامبران الهی معرفی کرده‌اند، مردم چگونه می‌توانند پیامبران راستین را از دروغگویان تشخیص دهند؟

منْ چوابِهای شما را روی تَقْتَه مَنْوِيَّسْم و به کمک هم (این پاسخ‌ها) را کامل می‌کنیم.

یکی از پاسخ‌ها که از این خطوط به دست می‌آید،

کلم ← ۳ | ۲

كلمه‌ی علم است، پیامبران الهی نسبت به مسائل گوناگون و مورد نیاز انسان‌هاداری علم و آگاهی هستند و هر زمان به مسئله‌ای که مورد نیاز افراد بود، برسند، حتماً پاسخ آن را خواهند داد. این علم و آگاهی برای مردم راهگشا است و آنان را از افتادن در دام جهل و بدیختی نجات می‌دهد.

حالا چند سؤال می‌پرسم

پیامبران الهی علم و آگاهی گستردگی خود را چگونه کسب می‌کنند؟

به وسیله **وهمی**

بله! در صورت نیاز مسائل را از عالم غیب دریافت می‌کنند.

مهم‌ترین سلاح پیامبران الهی چیست؟



بله! درست گفته‌ید، «معجزه» چوای سؤال من است.

معجزه چیست؟

پیامبران برای این که مردم پیامبری آنان را بپذیرند، کاری می‌کردند که دیگران از انجام دادن آن عاجز بودند و به این وسیله مخالفان خود را مغلوب می‌ساختند. در اینجا مسابقه‌ی کارت‌ها را اجرا می‌کنیم.

چهار نفر از شما داوطلب شود، هر کدام یک کارت را بردارد و در باره آن کارت (پیرامون معجزه‌ان) توضیح بدهد.

كتاب

مردان

گهواره

عصا

(۱) نفر اول: کارت اول: عصا

عصا معجزه‌ای حضرت موسی(ع) پود که تپدیل به اُردها شد و سحر ساحران را نپود کرد.

نفر دوم، کارت دوم؛ گهواره

معجزه‌ای پیامبر الهی حضرت عیسی(ع) پود که در گهواره سخن گفت.

نفر سوم، کارت سوم: مردگان

پیامبری که مردگان را زنده می‌کرد، حضرت عیسی(ع) پود.

نفر چهارم، کارت چهارم: کتاب

معجزه‌ای پیامبر اسلام (ص) کتاب قرآن است.

قرآن معجزه‌ای جاویدان و سند زنده نبوت (در هر زمان و مکان) است. تفاوت آن با معجزات دیگر این است که قرآن، تمامی قرون جاوید است؛ لذا وقتی دشمنان اسلام گفتند آوردن این کلمات کار ساده‌ای است، قرآن آن‌ها را به مبارزه طلبید. قسمتی از سوره‌ی بقره را که در این باره است برای شما (چندبار) می‌خوانم، شما نیز تکرار کنید.

﴿كَاتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِثْلِهِ﴾^(۲)

پس فهمیدیم که در تاریخ تلاش‌های زیادی کرده‌اند تا سوره‌ای مثل قرآن بیاورند؛ اما نتوانسته‌اند به چند نمونه از این آیه‌ها و سوره‌های «قلابی» توجه کنید! «ای قورباغه، دختر قورباغه! آنچه می‌خواهی صدا کن. نیمی از تو در آب و نیم دیگر در گل است؛ نه آب را گل آلود می‌کنی و نه کسی را از آب خوردن جلوگیری می‌نمایی.»^(۳)

۱- مریم در صورتی که تصاویری دارد، می‌تواند از کارت‌های تصویری استفاده کند.

۲- سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۳.

۳- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳، ج ۲، ج ۱، ص ۸۹.
به نقل از «قرآن و آخرین پیامبر»، مریم در این قسمت با شکلک درآوردن، تغییر صدا و حرکات دست باعث خنداندن دانش‌آموزان شود.

به سوره‌ی «الذاریات» توجه کنید. من ابتدا چند آیه از این سوره را می‌خوانم و ترجمه‌اش را برای شما می‌گویم، سپس ترجمه‌ی سوره‌ای را که هم وزن سوره‌ی الذاریات ساخته‌اند، می‌خوانم. توجه کنید، این چند آیه را با صوت می‌خوانم.

«وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوَا * فَالْحَامِلَاتِ وَ قُرْأً... تَا آيَهِي أَ»

سوگند به بادهای پراکنده گر* و به ابرهای سنگین بار* و به کشتیهای آسان گذر* و به فرشتگان تقسیم گر کار* که همانا آنچه به شما وعده داده‌اند راست و درست است * و جزای (اخروی) واقعی است.^(۱)

در مقابل سوره «الذاریات» دشمنان این کلمات را ردیف کرده‌اند.

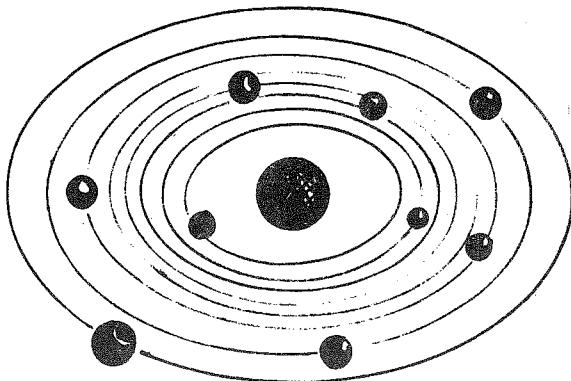
«قسم په دهقانْ و کشاورزانْ، قسم په درو کنْدگانْ، قسم په چدا کنْدگانْ گنْدم اژ کاه، قسم په نان پېرْنَدگانْ، قسم په تردید کنْدگانْ! قسم په افرادی که لعنه‌های چرب و نُرم پرمی دارند.»^(۲)

دوستان! این را باید به یقین بدانید که هیچ بشری نمی‌تواند سوره‌ای مانند قرآن بیاورد، چون قرآن شگفتی‌های بسیار فراوانی دارد که با کمی دقیق و فکر، می‌توان به آن پی برد. برای نمونه به این شکل توجه کنید. و به سوال‌های من پاسخ دهید؟

۱- قرآن مجید، ترجمه‌ی بهاءالدین خرمشاهی، انتشارات جامی، ج ۱، سوره‌ی الذاریات، آیات ۱ تا ۶.

۲- مکارم شیرازی، پیشین، ص ۸۹، این قسمت به روش قبل خوانده شود.

این تصویر چیست؟



بله! منظومه شمسی است که سیارات گوناگون در آن به دور خورشید می‌چرخند.

یک دوره‌ی کامل گردش زمین به دور خورشید.

سال چیست؟

یک دوره‌ی کامل گردش کره‌ی ماه به دور کره‌ی زمین.

ماه چیست؟

این عدد چیست **۱۲** و چه رابطه‌ای با صحبت‌های ما دارد؟

پله! درست گفتیم، یک سال از ۱۲ ماه به وجود می‌آید.

این تقویم الهی که «یک سال از ۱۲ ماه تشکیل می‌شود» را در آیات قرآن می‌توانیم

ببینیم، در کدام سوره است؟ راهنمایی می‌کنم؛ سوره‌ای که «بسم الله» ندارد.

بله! سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۳۶.

قرآن می‌فرماید: **تعداد ماه‌ها نزد خداوند ۱۲ ماه است.**

آری! تمام قرآن اعجاز است و آیاتش برای دانایان هدایتگر هستند. چه بسیار اتفاق افتاده است که عده‌ای باشند که از قرآن، مسیر زندگی خود را تغییر داده و هدایت شده‌اند، به یک داستان در این باره گوش کنید.

سال‌ها پیش راهزن خطرناکی به نام «فُضْلٍ بِنْ عِيَاضٍ» مشغول راهزنی از کاروان‌ها و... بود، نام او چنان ترسی در دل مسافران ایجاد کرده بود که مردم حتی با شنیدن آن، وحشت زده می‌شدند. روزی فضیل از نزدیکی روستایی می‌گذشت، وقتی شب شد، او تصمیم گرفت به قصد شومی از دیوار خانه‌ای بالا رود. وقتی به بالای پشت بام رسید، صدای قرآن خواندن شخص بیدار دلی را شنید که این آیه را قرائت می‌کرد «اللَّمَ يَانَ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعُ قُلُوبُهِمْ لِذِكْرِ اللَّهِ...»^(۱) این آیه همچون تیر بر قلب فضیل نشست و او را دگرگون کرد. معنای آیه این چنین است:

«آیا وقت آن نُرسیده است که بیدار شوی، از این راه حطا پرگردی، از این آسودگی مُحود را پُشتویی و دست په دامن تویه رُبی؟»

در این لحظه صدای فضیل بلند شد. او پشت سر هم می‌گفت: به خدا سوگند وقت آن رسیده است.^(۲)

بالاخره فضیل تصمیم نهایی خود را گرفت و در مسیر هدایت واقع شد، حتی برخی می‌گویند او در صف زاهدان و عابدان داخل شد و تا پایان عمر در کنار خانه‌ی خدا اقامت کرد.

این است نمونه‌ای از اثر قرآن بر قلب انسان‌های راه گم کرده و البته جویای کمال. برای این که خستگی شما دوستان در بیاید، یک شعر بی نقطه می‌نویسم، آن را بخوانید.

سپهر کهن طاًق ایوان ماست

بله! خوب خواندید. حالا نقطه‌های شعر را به آن اضافه می‌کنیم.

سپهر کهن طاًق ایوان ماست

همه سرپلندی ر قرآن ماست

۱- حدید / ۱۶

۲- مکارم شیرازی، پیشین، ج ۲۳؛ صص ۳۴۵ ۳۴۶ (بادخل و تصرف)

قسمتی از جمله را همراه شکل می‌نویسم؛ شما ابتدا جمله را کامل کنید و سپس بگویید این جمله از کیست.



انسان سازی است.

امام حمینی قیامت

قرآن کتاب انسان سازی است.

يعنى: اگر انسان اين كتاب را خواند و به دستورات آن عمل کرد، هدايت خواهد شد.
همانطور که انسان وقتی نسخه‌ای از دکتر می‌گيرد، اگر به آن عمل نماید، بهبودی
می‌يابد.

نام درس

محمود خیری

حضرت ابراهیم

موضوع

اعتقادی

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با یکتاپرستی حضرت ابراهیم(علیه السلام) آشنایی شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان با موارد زیر آشنایی شوند.

- رد شرک و پیت پرسنی یا سیوهای مخاصم.

۲- تئییث یکتاپرستی، پس از نفی شرک.

هدف رفتاری

انتظار می‌رود دانش آموزان پس از پایان درس، بتوانند برای یکتاپرستی دلیلی را توضیح دهند.

روش‌های مناسب تدریس

(- توصییحی ۲- فعال (پرسش و پاسخ و شعر)

رسانه‌های آموزشی

کارت در انواع مختلف و تخته

ڪڪرٽ اِبراهیم

بے نام خدایی کہ بر بندگان
ببخشاید و بس بود مهربان

با عرض سلام خدمت شما دوستان! در سمان را شروع می‌کنیم.

بحث امروز را با یک نوع بازی با کلمات آغاز می‌کنیم، من سؤال می‌کنم و شما پاسخ
می‌دهید.

اسلام	- دینِ حق؟
بهار	- فصل اول سال؟
رب	- پروردگار؟
امام	- پیشوای چامعه؟
هدّد	- پرندۀ قاصد حضور سلیمان؟
یک	- اولین عدد اول؟
مهدی	- نام امام رُمان (عج)؟

اولین حرف کلمات به دست آمده را به هم متصل کنید و هر کدام زودتر به کلمه‌ی
موردنظر دست یافتید، پاسخ را بگویید.

بله! صحیح است، از اتصال حروف کلمه‌ی «ابراهیم» درست می‌شود که ما آن را روی
تحته می‌نویسیم.

آیه‌ای از قرآن کریم است که من چند بار می‌خوانم، شما تکرار کنید.

سلام علی ابراهیم^(۱)

ترجمه:

«سلام و تحييٰت خدا پر ابراهیم»

حضرت ابراهیم علیہ السلام یکی از پیامبران بزرگ الهی است که تاکنون داستان‌های مختلفی از جمله شکستن بت‌ها را پیرامون آن حضرت شنیده‌اید. امروز می‌خواهم داستان دیگری از حضرت ابراهیم علیہ السلام برایتان تعریف کنم.

حضرت ابراهیم علیہ السلام سال‌ها پیش در کدام سرزمین زندگی می‌کرد؟ **بابل^(۲)**

در آن جا پادشاه ظالمی حکومت می‌کرد، نام آن پادشاه چه بود؟ **نمرود**

حضرت ابراهیم علیہ السلام با تلاش بسیار کوشید که آن‌ها را از کارهای زشتستان بازدارد، یکی از کارهای زشت آن‌ها چه بود؟ **بت پرستی** اما سخنان ابراهیم علیہ السلام در آن‌ها اثری نداشت و نمرود اکثر مردم را وادار کرد که از دور ابراهیم پراکنده شوند. حضرت ابراهیم علیہ السلام نیز ناچار شد برای گسترش دین الهی هجرت را برگزیند.

او رهسپار کدام سرزمین شد؟ **فلسطین**

آن جا وارد «حران» شد؛ اما متأسفانه دید مردم آن شهر هم کارهای زشت انجام می‌دهند،

آن‌ها چه کار می‌کردند؟ **بت پرستی**

بله! ابراهیم مشاهده کرد عده‌ای مشغول پرستش ستاره‌ای هستند او روش جالبی به کار برد، به آن‌ها نزدیک شد و گفت: «هذا ربی!

این پروردگار من!

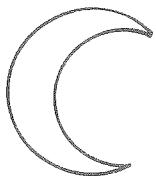
۱- صافات / ۹۰۱

۲- مریبی کلماتی را که داخل کادر قرار دارند با کارت نشان می‌دهند.

آن گاه به صورت ظاهری با آن‌ها هم کلام شد، تا این که ستاره غروب کرد و از دیده‌ها پنهان شد، ابراهیم گفت: من غروب کنندگان را دوست ندارم! عده‌ای دیگر را دید که مشغول پرستش ماه بودند، به آن‌ها نزدیک شد و گفت:

«هذا ربّی»

این پروردگار من!

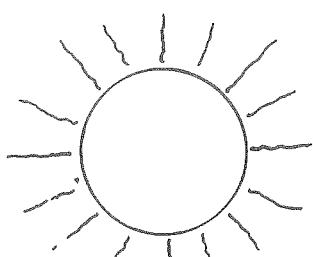


اما ماه نیز ناپدید شد، ابراهیم گفت: اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلماً از جمعیت گمراهان خواهم بود.

صبح شد و خورشید عالم تاب طلوع کرد. ابراهیم دید عده‌ای مشغول پرستش خورشید هستند، ابراهیم به آن‌ها گفت:

«هذا ربّی»

این پروردگار من!



اما خورشید هم غروب کرد و ابراهیم گفت: من از شریک‌هایی که برای خدا می‌سازید، بیزارم!

بت پرستان ابراهیم را به کفر و خشم خدایان بت‌ها تهدید نمودند و او را از مخالفت بت‌ها بیم دادند، اما ابراهیم گفت: من هرگز از بت‌های شما نمی‌ترسم، زیرا آن‌ها قدرت ندارند که به کسی زیان برسانند!

چند سؤال پیرامون این داستان از شما می‌پرسم، به آن‌ها پاسخ دهید.

- ۱- ابراهیم در کدام سرزمین زندگی می‌کرد؟
- ۲- ابراهیم از بابل رهسپار کدام سرزمین شد؟

۳۸ ره توشه راهیان نور

۳- دومین گروه بت پرستان چه می پرستیدند؟
ماه

۴- حضرت در برابر تهدید بت پرستان چه گفت؟ آنها قدرتی ندارند تا آزار برسانند.
تا اینجا با یکی از داستان‌های حضرت ابراهیم علیهم السلام آشنا شدیم. حالا یک شعر
برایتان می‌خوانم، هر جا توقف کردم، شما ادامه دهید و شعر را تکمیل کنید.

اصول دین پود... (پنج) دائستنس پود گنج

توحید پاسد... (یکم) پیوت (ست... (دوم))

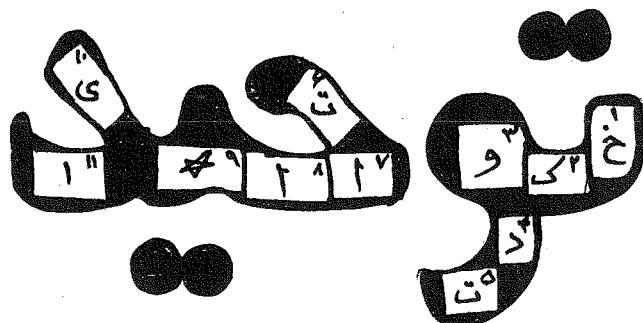
معاد... (سومین) است این سه اصول دین است

...(دو) اصل دیگر آن په ترد ما شیعیان

...(عدل و امامت) پود راه سعادت پود

اصل اول از اصول دین چیست؟ توحید

ما جدول آن را در اینجا می‌کشیم و با کمک هم آن را حل می‌کنیم.



پاسخ سوالات را در داخل خانه‌های خالی قرار دهید.

۱- وسیله‌ای برای دروغ کردن گندم؟
دانش (۲، ۳، ۹)

۲- شعر را کامل کنید.

حکاک ((۵، ۷، ۱))

عاقبت.... گل کوزه گران خواهیم شد

خ (۸، ۱۰)

۳- خم را گویند؟

بیت (۶، ۴)

۴- نیت بدون سر؟

چه کسی می‌تواند پیام جدول را حدس بزند؟ رمز جدول شماره‌ی ۳ است، یعنی حرف اول جدول را کنار بگذارید و ۳ تا ۳ تا بشمارید، به هر حرفی که رسیدید، آن را کنار حرف اول قرار دهید و این کار را آنقدر تکرار کنید تا به پیام جدول برسید. هر کس زودتر پیام جدول را به دست آورد، پاسخ آن را بگوید.

«خدا یکتا است»

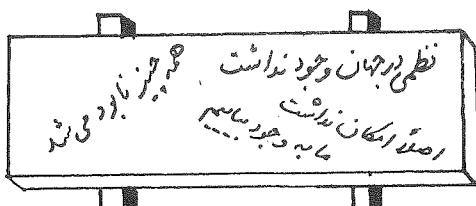
تا اینجا پیام جدول را فهمیدیم، پیام جدول چه بود؟

«**خدا یکتا است**» چه کسی می‌تواند آیه‌ای از قرآن پیرامون یکتایی خداوند بخواند؟ راهنمایی می‌کنم در نماز هم بیشتر وقت‌ها این آیه را می‌خوانیم، نام سوره **توبیح** چیست؟

آیه‌ی مورد نظر را چه کسی می‌تواند بخواند، بله! شما بخوانید.

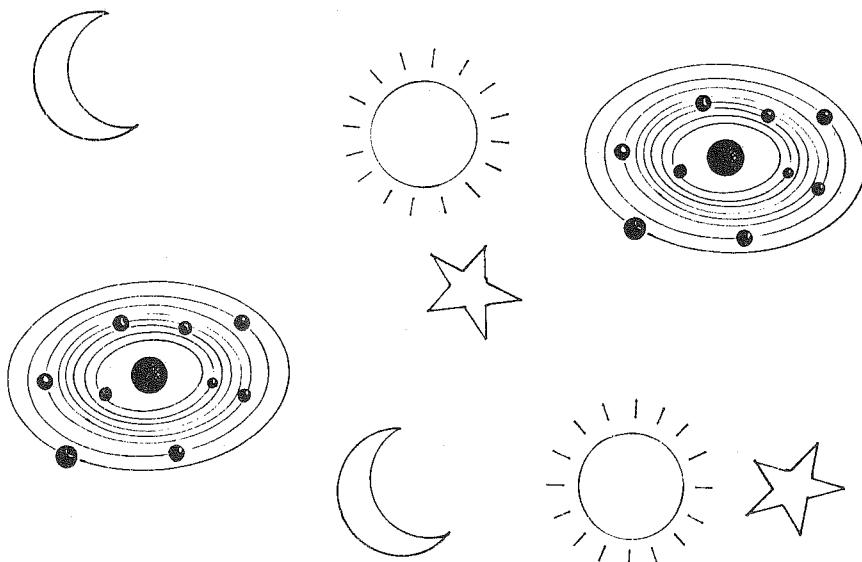
- قل هو الله احد، یعنی پکو **خدا یکی است**.

با هم تکرار می‌کنیم این آیه را خوب پاسخ گفتید، چه کسی می‌تواند دلایلی برای یگانگی خداوند بیاورد یعنی اگر خدا یکتا نبود، چه اتفاقی می‌افتد؟ بله! من جواب‌های صحیح را روی تخته می‌نویسم.



رہ تو شه راهیان نور

این دلایل که شما گفتید، خیلی خوب بود به کمک هم یکی از این دلایل را توضیح می دهیم. حالا به این شکل ها توجه کنید.



این تصاویر را توضیح دهید.

بله! درست است، اگر دو خدا داشتیم نظم جهان برهم می خورد و ممکن بود یک خدا بگوید روز باشد و دیگری بگوید خیر، من می خواهم شب باشد! یا یک خدا بگوید سیارات و کرات به این صورت بچرخد و دیگری بخواهد طور دیگری بچرخد یا...

و در صورت وجود چند خدا تمام هستی نابود می شود و از بین می رفت.

نام درس

ارزش‌ها و پیامبران^(۱)

موضوع

قرآن، اخلاق

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با بعضی از ارزش‌ها و رفتارهای پیشنهادیه پیامبران آشنایی شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنایی شوند:

- تعریف ارزش

۲- ارزش ادب و رفتار لقمان

۳- ارزش محسوس قولی و رفتار حضرت اسماعیل

۴- ارزش پاکیزگی و رفتار حضرت محمد

۵- ارزش صبر و رفتار حضرت ایوب

۶- ارزش سلام و رفتار پیامبر اکرم

هدف رفتاری

انتظار می‌رود در پایان درس ارزش‌های دینی را در زندگی خود به کار ببرند.

روش‌های مناسب تدریس

۱- توضیحی - ۲- فعل (مسایقه)

رسانه‌های آموزشی

تخته و گچ

اَرْزِشُهَا وَبِيَامِبِرَانِ

مربي ابتدا با بازي با کلمات به کلمه «ارزش» مى رسد و توضیحاتی ارائه مى کند. آن گاه با اشاره به دو ارزش که از قبل روی کارت آن را نوشته است همراه با يادآوری احاديث، دانشآموزان را با چگونگی محتواي اين جلسه آشنا مى کند:

۱- جلسه به صورت مسابقه بین دو گروه ادامه مى يابد.

تعداد ده سؤال (از هر گروه ۵ سؤال) از ارزش هایی که دانشآموزان در کلاس سوم و چهارم با آن آشنا شده‌اند به همراه حدیث مربوط به آن و گوینده آن سؤال مى شود.

۲- هر سؤال ۲۰ امتیاز دارد که هر قسمت آن امتیاز خاص دارد:

نام اَرْزِشُ ۵ امتیاز
متن عربی حدیث ۵ امتیاز

ترجمه حدیث ۵ امتیاز
حدیث از کسیت ۵ امتیاز

۳- مربي زمان مشخصی را به صلاحديد خود برای مشورت در اختیار گروه مى گذارد.

۴- اگر گروهی حدیثی غیر از آنچه در متن درس است، مطرح کرد و صحیح بود از آن‌ها قبول مى شود.

۵- تشویق گروه هایی که جواب صحیح مى دهند عبارت زیر است:

«طیب طیب الله، احسنت بارک الله»

در صورت امكان جوايزی نيز به برنديگان تعلق گيرد.

مربی با بازی با کلمات چنین شروع می‌کند:

ش: شانزدهمین حرف الفبای زبان فارسی

روش: برای موفقیت در کارها بدون برنامه نمی‌توان کار کرد، هر کاری یک «روش» دارد.

ورزش: عدم تحرک جسمی باعث تنبل شدن و بیماری بدن می‌شود، برای نشاط و سلامتی باید ورزش کرد.

ارزش: هر کار خوبی که توسط ما انجام می‌شود، یک ارزش هست.

مربی از دانش آموzan می‌پرسد ارزش یعنی چه؟ (جواب دانش آموzan....)

آن گاه خود، توضیح می‌دهد که بعضی از کارها در نظر دین پسندیده است و ما به انجام آن دعوت شده‌ایم به این گونه کارها ارزش می‌گویند و کارهایی که پسندیده نباشد ضد ارزش است. مثلا:

مربی کارتی را رو به روی دانش آموzan می‌گیرد که کلمه «ادب» روی آن نوشته شده است؛ به دانش آموzan می‌گوید که: ادب یکی از ارزش‌های است و شما در کتاب سوم دبستان حدیثی از امیر المؤمنین علیه السلام در این باره خوانده‌اید. آن حدیث چیست؟

(پاسخ یکی از دانش آموzan....)

«أَفْضَلُ الشَّرِيفِ الْأَدَبُ»،^(۱) «ادب پهترين پدرگواری و شرف است».

یکی از افرادی که در قرآن فرزندش را به رعایت ادب سفارش کرده است «لقمان حکیم» است.

از لقمان پرسیدند: «ادب از که آموختی؟»

گفته: (دانش آموزان می‌گویند): «از پی ادپان»

مربی از یک دانش‌آموز سؤال می‌کند چرا؟ (جواب دانش‌آموز)

ارزش دیگر (کارتی که روی آن کلمه امانت داری نوشته شده است به سوی دانش‌آموزان می‌گیرد).

پیامبر اسلام به این ارزش معروف بود و به همین جهت او را «محمدامین» می‌گفتند.

در این باره نیز حدیثی در کلاس سوم دبستان خوانده‌اید. (حدیثی از امام صادق علیه السلام) یکی از دانش‌آموزان حدیث را می‌خواند:

«اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلِيْكُم بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ»^(۱) «إِنَّمَا يُنْهَا سَيِّدُ وَ امَانَتُ دَارِيَا شَيِّدَه»

مربی: حالا برای این که بتوانیم بعضی از این ارزش‌ها را که در دوران تحصیل ابتدایی با آن‌ها آشنا شده‌اید باهم مرور کنیم، دو گروه انتخاب می‌کنیم که هر گروه به ۲۰ ارزش که هر کدام ۲۰ امتیاز دارد که حرف اول آن را برایتان می‌گوییم، جواب دهد.

علاوه بر نام ارزش، حدیث مربوط به آن و این که آن حدیث از کیست را هم باید بگویید.

مربی از میان دانش‌آموزان سه نفر را برای هر گروه تعیین می‌کند. لازم است نظرهای هر گروه از کلاس سوم، چهارم و پنجم باشند تا بتوانند به سؤالات پاسخ دهند بعد از تشکیل گروه‌ها و انتخاب اسم برای آنان و ثبت کردن نام افراد هر گروه توسط مربی، هر گروه در جایگاه مخصوصی که برای این کار در نظر گرفته شده، قرار می‌گیرد.

سؤالات:

سؤال اول از گروه یک:

۱- «دینی»، سوم ابتدایی، ص ۱۵۳.

ارزشی که اول آن «خ» است.

راهنمایی مربی: حضرت اسماعیل را به جهت داشتن این صفت، «صادق الوعد» گفته‌اند.

چواب: خوش قولی

حدیث: «*الْحُسْنُ الْعَهْدُ مِنَ الْإِيمَانِ*»^(۱)

از پیامبر اکرم ﷺ: «خوش قولی و وقایی به عهد نشانه‌ی ایمان است.»

سؤال اول از گروه دو:

ارزشی که اولش «پ» می‌باشد.

چواب: پاکیزگی

حدیث: «الاسلام تطیق قَتَّطَفُوا»^(۲)

از پیامبر اکرم ﷺ: «اسلام پاکیزه است، شما هم پاکیزه باشید.»

توضیح مربی: دین اسلام همان گونه که به روح و روان انسان توجه دارد به جسم و بدن هم توجه دارد. دین اسلام علاوه بر شعار پاکیزگی، در عمل هم پاکیزه بودن را طلب می‌کند. همان گونه که باطن آدمی نیاز به آلایش و پاکی دارد، ظاهر آدمی هم نیاز به زیبایی و پیراستن دارد.

مربی شکل زیر را روی تخته رسم می‌کند و مطالب داخل پرانتز را با کمک

دانش‌آموzan می‌نویسد:



۱- «دینی»، سوم ابتدایی، ص ۱۵۳.

۲- همان، ص ۱۵۴.

سؤال از گروه یک:

ارزشی که اول آن «من» می‌باشد.

راهنمایی: این ارزش، صفت یکی از پیامبران که از نوادگان حضرت ابراهیم است، می‌باشد او به فقر و بیماری سخت دچار شد، ولی تحمل کرد و به این صفت معروف شد و عاقبت پیروز و سربلند از امتحان خدا بیرون آمد.

چوبان: صبر

حدیث: «أَنَّ الْمُصْرِفَ مَعَ الصَّابِرِ». ^(۱)

از پیامر اکرم ﷺ: «همانی پیروزی با صبر است».

نام این پیامبر «ایوب» بود.

سؤال از گروه دو:

ارزشی که اول آن «الف» است.

امانت داری و ادب در ابتدای کلاس گفته شده است.

راهنمایی: پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «من برای این کار می‌عوشت شده‌ام».

چوبان: احلاق نیک

حدیث: «الْحُلُقُ الْحَسَنُ نَصْفُ الدِّينِ». ^(۲)

از پیامبر اکرم ﷺ: «احلاق نیک نصف دین است».

سؤال از گروه یک:

ارزشی که اول آن «س» است.

این کاری است که، هیچ کسی نمی‌توانست بر پیامبر پیشی بگیرد.

۱ - «دینی»، سوم ابتدایی، ص ۱۵۲.

۲ - «دینی»، سوم ابتدایی، ص ۱۴۹.

چواب: سلام

حدیث: «إِنَّ أُولَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ مَنْ يَدْأُبُ إِلَيْ السَّلَامِ».^(۱)

از پیامبر اکرم ﷺ: «کسی که اول سلام کند، به مخدوш رسول خدا تقدیر کشیده است».

توضیح مربی: همان طور که در اول کلاس بیان شد بهترین نشانه ادب و احترام

نسبت به دیگران در هنگام روبه رو شدن، سلام است.

«السلام قبل الكلام»^(۲)

باید دانست که سلام کردن ثواب بیشتری دارد و جواب سلام باید از خود سلام بهتر باشد.

خوشخوی و مهربانیم	ما پیرو قرآنیم
سفارش اسلام است	عادت ما سلام است
به خواهر و برادر	به پدر و به مادر
اول سلام گوییم	به هر که روبه روییم
خیر و سعادت آرد	سلام عزت آرد
پهتر ز هر کلام است	نشانه دین سلام است

سؤال از گروه دو:

ارزشی که اول آن «ق» است.

چواب: قدر آن مواندن

حدیث: «اقدووا القرآن واستظهروا».^(۳)

۱- «دینی» چهارم دبستان، ص ۷۲.

۲- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۶.

۳- «دینی»، چهارم، ص ۷۷.

از پیامبر اکرم ﷺ: «قدّر آن بعْوَانِيد و اُرْ آن يَارِي بِعْوَانِيد».

معمای قرآنی: کدام سوره از قرآن است که اگر حرف اولش را برداریم و از آخر بخوانیم
نام یکی از خوردنی‌ها می‌شود؟

راهنمایی: در زمان کودکی معمولاً بچه‌ها می‌خورند.

چوای: قدیش

سوال از گروه یک:

ارزشی که اول آن «ش» است.

حضرت ابراهیم خلیل ﷺ با داشتن این صفت بود که بدون ترس بت‌ها را شکست و
تبر را به گردن بت بزرگ انداخت و با نمرود ظالم بدون هیچ وحشتی سخن گفت و اورابه
ایمان به خدا دعوت کرد.

چوای: شیعاعت

حدیث: «آقَه الشِّعْبَادُونَ الْبَعْدَ»^(۱)

از پیامبر اکرم ﷺ: «سَتَّمْ و سَرْكَشْيٌ شِعْبَادُونَ رَاٰزِيَنْ مِي پِرَد».

سوال از گروه دو:

ارزشی که اول آن «م» است.

پیامبر اکرم ﷺ: هم این کار را در شب‌انه روز چند پار انجام می‌دادند.

چوای: مسواک

حدیث: «نَطَّقُوا أَفْوَاهُكُمْ فَإِنَّهُ طَرَقُ الْقُرْآنِ»^(۲)

پیامبر اکرم ﷺ: «دَهَانْ مُودَرَاتِمِيرْنَگَه دَارِيد، زِيرَادَهَانْ شَمَاوَسِيلَه تَلَوَتْ قَرْآنَ اسَت».

۱- «دینی»، سوم، ص ۱۵۰.

۲- «دینی»، چهارم، ص ۷۵.

توضیح مربی: برای تمیز کردن دندان‌ها باید روزی چند دفعه آن را مسواک زد.
پیامبر اکرم ﷺ: قبل از خواب، بعد از پیدار شدن پرای نماز صبح و پرای نماز و
دعاؤ... مسواک می‌زند.

مربی برخی از فایده‌های مسواک زدن را با همکاری دانشآموزان می‌نویسد.
فایده مسواک زدن:

- ۱- دندان‌ها را تمیز و میکروب‌ها را می‌کشد.
- ۲- باعث محکم شدن دندان‌ها و لثه‌ها می‌شود.
- ۳- دهان را خوشبو می‌کند.

سوال از گروه یک:

ارزشی که اول آن «د» است.

این ارزش پایان دهنده جلسات مذهبی و رسمی..... می‌باشد.
امام چهارم شیعیان به انجام این کار معروف است و کتاب او هم در همین زمینه است.

چواب: «دعا»

حدیث: «أفضل العبادة الدعاء». ^(۱)

از پیامبر اکرم ﷺ: «بهترین عبادت‌ها دعاست».

آیا می‌دانید فرق دعا با قرآن چیست؟

قرآن کلام نازل شده است و خداوند با ماسخن می‌گوید، ولی دعا کلام بالا رونده است
و بنده‌گان با خدا سخن می‌گویند.

سوال از گروه دو:

ارزشی که اول آن «» است.

ابودر از یاران پیامبر ﷺ به این صفت معروف بود.

چوپ: «راستگویی»

حدیث: «منْ صَدَقْ نُجْعِي»^(۱)

امیر المؤمنین علیه السلام: «هر کس راست گوید، نجات می‌یابد».

سپس مربی از بچه‌ها سؤالات زیر را می‌پرسد:

آفته (کرم و...)

۱- از بین برنده میوه چیست؟

پمپ - سیل - زلنله

۲- از بین برنده شهرها چیست؟

میکروب

۳- از بین برنده سلامتی چیست؟

گناه

۴- از بین برنده خوبی‌ها چیست؟

؟

۵- از بین برنده ایمان چیست؟

بهتر است پاسخ این سوال را از امام باقر علیه السلام بیاموزیم.

قال الباقر علیه السلام: «إنَّ الْكَذَبَ حُرَابُ الْإِيمَانِ».

مربی از بچه‌ها می‌خواهد که به دو دسته تقسیم شوند.

گروه اول: قال الباقر

گروه دوم: عليه السلام

۱- «دینی»، سوم، ص ۱۵۲.

گروه اول: ان الكذب

گروه دوم: خرابُ الایمان

بعد از تکرار کردن، مربی می‌پرسد:

از بین برنده ایمان چیست؟

دانش آموزان: دروغ.

أحكام

India

نام درس

محرم و نامحرم^(۱)

موضوع

احکام

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با احکام محرم و نامحرم و پوشش در نماز آشنا
می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

- تعریف پوشش و حجاب

۲- افراد محرم و نامحرم

هدف رفتاری

انتظار می‌رود دانشآموزان حدود حجاب و پوشش را در نماز و سایر موارد
رعایت کنند

روش‌های تدریس

۱- توضیحی ۲- فعال(شعر و سرود، بازی با کلمات، داستان)

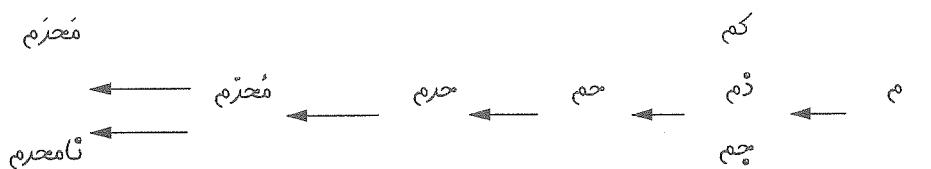
رسانه‌های آموزشی

تخه و گچ

محترم و نام محترم

مربی محترم این درس را از طریق بازی با کلمات آغاز می‌کند، طرح درس چنین

است:



«م» را روی تابلو می‌نویسد و از بچه‌ها می‌پرسد:

محمد

سوره‌ای بگویید به نام آخرین پیامبر خدا؟

مؤمنون

سوره‌ای بگویید به معنای ایمان آورندگان؟

مریم

سوره‌ای به نام زنی پاکدامن؟

آنگاه با افرودن حروفی به ابتدای آن، کلماتی به دست می‌آورد و توضیح مختصری مناسب با کلاس بیان می‌کند.

برای مثال: کم

- کم گوی و گزینده گوی!

- کم رویی

- کم ْخُوری^(۱)

در زمان رسول اکرم ﷺ، نوجوانی زندگی می‌کرد به نام «ابو جحیفه» روزی آبگوشتی جلوی خود نهاده بود و بی‌اندازه و تنند می‌خورد. رسول خدا او را دید، به او فرمود: «ای ابو جحیفه! در خوردن غذا رعایت کن، زیرا بیشتر پرخورهای دنیا، بیشترین افراد گرسنه

۱- هم ردیف آوردن این سه کلمه بدین جهت است که مربی، تنها برای تنوع بحث با اشاره از آن‌ها بگذرد.

روز قیامت هستند». او سخن پیامبر ﷺ را گوش کرد و از آن پس تا آخر عمر به اندازه غذا می خورد.^(۱)

ذم، یعنی: سر زنش. اگر دوست شما خطای داشت به جای سرزنش و مسخره کردن، او را نصیحت کنید و با رفتار پسندیده خود او را برای انجام کارهای پسندیده تشویق کنید.

جم، نام خیابانی که صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در آن قرار دارد، جام جم نام دارد.

علم به دانش آموزان گفت: با چام چم یک چمله پساز! او گفت: آقا من صبح که از محواب پر می خینم چاموچم می کنم!

نقطه «جم» را حذف کنید. فرض کنید قرآن می خوانید، اگر به این کلمه رسیدید آن را چگونه می خوانید؟^(۲)

حرم گردآگرد مزار امامان را چه می گویند؟

آیا می دانید که حرم امام رضا علیه السلام کجاست؟ حرم حضرت علی علیه السلام کجاست؟ حرم امام حسین علیه السلام کجاست؟

امام حسین علیه السلام در چه ماهی شهید شد؟

آیا این کلمه به شکل دیگری نیز خوانده می شود؟ (ضمہ و تشدید پاک گردد) حرم و نام حرم

۱- محمد محمدی اشتهرادی: «دانستانها و پندتها»، پیام آزادی، ۱۳۶۳، ج ۱، ج ۹، ص ۱۱۸، (با اندکی تغییر).

۲- از حروف مقطعه که در اول سوره فصلت هم آمده است.

محرم و نامحرم

نامحرم‌ها کسانی هستند که... شش از آن‌ها لازم است. (مریبی برای تنوع و سرگرمی، پیش از آن‌کو، جو و در آخر، پورا می‌نویسد).

پوشش، یعنی پوشاندن تمام بدن از نامحرم، به جز دو مورد:

- صورت په اندازه‌ای که در وضو، شستن آن واجب است.
- دست‌ها تا مچ.

به پوشش «حجاب» نیز می‌گویند.

مریبی، عبارت‌های شعر گونه زیر را در کلاس می‌خواند، بچه‌ها با توجه به بیت‌های زیر مورد مناسب را دوبار بلند پاسخ می‌دهند.

۱

در پیش نامحرما	حجاب نشنه قراموش
----------------	------------------

۳ و ۲

اسکال داره حرامه	حجابش ناتمامه
------------------	---------------

۴

هیچ اسکالی نداره	(ین‌ها همه محرومند)
------------------	---------------------

۵

پیامبر ما کفته	اون از خدا شسته
----------------	-----------------

□ □ □

حد حجاب شرعی	صورت و دست تا مچ‌ها
عید از دو دست و صورت	مرامه پاشه پیدا
حضرت رهرا فرموده	آی دختای پاهوش

۱

□ □ □

روسىي شۇ نىستە
تۇ كۆچە شۇن نىستە
حىجاب او كاملا ؟

يە دخترى پېچەھا
پدون كفشن و چوراب
مېخۇام بىدونم آيا

2

□ □ □

وقتى كە پىرون مىرە
مېشە وضۇ پىگىرە

تۇ تىقىرىج و زىارت
در پىين ئامحرما

3

□ □ □

يە دختىرى دىگرى
از گوشە روسىي
بە ما مى گە كى گىتە ؟
شما بىگىد كى گىتە ؟

تۇ كۆچە و تۇ بازار
موھاں كە موندە پىرون
وقتى مى گىيم پىۋاشان
آى پېچەھاي عاقل

4

□ □ □

در مجلس زۇنۇن
پىش پىسر بىرادىر
پىش عمۇ و دايى
اشكال شىرعى آيا دارە يائىدارە ؟

يە دخترى نۇمنە
تۇ حۇنە پېش مادر
خواھى پىسراي
وقتى حىجاب ندارد

5

□ □ □

بعضی‌ها فکر می‌کنند هر کس خویشاوند است، محروم است. چند خویشاوند که
نامحرم‌مند نام ببرید.

پسر عمو، پسر دایی، پسر حالت، شوهر مخواهر (داماد)

تمرین حجاب:

«صفیه» دختری ۹ ساله است که مادر مهربانی دارد. روزی مادرش برای خرید به بازار رفت. او درخانه ماند و تمرین‌های ریاضی اش را نوشت. مادرش از بازار آمد، یک کادو برای او خریده بود. صفیه با خوشحالی آن را باز کرد؛ پارچه سفید‌گل دار بود. پرسید: «مادر جان! این برای من است؟»

- آری دخترم! بیا اندازه ات را بگیرم تا ظهر یک چادر زیبا برایت بدوزم.
نزدیک اذان ظهر بود رادیو، قرآن می‌خواند، چرخ خیاطی مادر به سرعت تقدق، تقدق می‌کرد و درزهای چادر را به هم می‌دوخت.
مادر: «خوب دخترم! چادر آمده شد، صدای اذان هم که می‌آید، بیا بر سرت کن و برو توی اتاق و نمازت را بخوان.»

صفیه چادر بر سر کرد و گفت: «مادر جان! دست شما درد نکند». به اتاق رفت: خودش را در آینه نگاه کرد. این ور و آن ور کرد، چادر اندازه‌اش بود.
جانماز و تسبیح در یک چفیه روی تاقچه بود؛ چفیه یادگار پدرش است، پدرش در جبهه جنگ شهید شده است. جانماز را رو به قبله پهن کرد، مقننه بر سر نهاد و با چادر قشنگش به نماز ایستاد.

مادر نیز برای نماز به اتاق آمد. از این که دخترش را در حال عبادت و راز و نیاز با پروردگار دید، اشک شوق در چشمانتش حلقه زد. نماز صفیه به آخر رسید. مادر کنارش نشست. دست بر سرش کشید و گفت: «آفرین به دخترنام! پدرت همیشه می‌گفت ما

..... ره توشه راهیان نور برای پایداری نماز به جبهه می‌رویم؛ اگر من شهید شدم دخترم را بانماز آشناکن! حالا تو

با این کار خدا را خشنود و روح پدرت را شاد کردي».

صفیه سر به دامن مادر نهادو گفت: «من هم سعی می‌کنم همیشه نماز را در اول وقت بخوانم». از جا بلند شد تا نماز عصرش را بخواند. چیزی به یادش آمد. دوباره نشست و گفت: «راستی مادر حالا که نامحرم توی خانه نیست، چرا برای نماز خواندن چادر و مقننه بر سر می‌کنیم؟»

مادر پیشانی او را بوسیدو گفت: «دخترم نماز بهترین وقتی است که انسان در حضور پروردگارش قرار می‌گیرد؛ برای همین اول خودمان را تمیز و پاک می‌کنیم، و ضو می‌گیریم، لباس یا کیزه می‌پوشیم و به نماز می‌ایستیم. یک شعر که خودت توی مدرسه یاد گرفته‌ای، بعضی وقتها برایم می‌خواندی، یادت هست؟

- کدام شعر؟

- همان که درباره حفظ حجاب است.

- آری، یادم هست.

ای زن به تو از فاطمه اینگونه خطاب است

از زنده ترین زینت، زن حفظ حجاب است

خدا دوست دارد با بهترین وضع در حضورش به عبادت پردازیم و حجاب بهترین و ارزش‌ترین حالت زن است. از این گذشته، این حالت خود «بهترین تمرین برای حجاب» است^(۱). شما دختر نازم که پنج نوبت در شبانه روز آن جا که نامحرمی نیست، با حجاب رو به قبله بایستی، در برابر نامحرم خود را بهتر خواهی پوشاند.

۱- این دو حکمت برگرفته از احکام بانوان، گردآوری شده توسط محمد وحیدی می‌باشد.

خوب دخترم! راضی شدی حالا پاشو نماز عصر را بخوان که گرسنه ایم می خواهیم
ناهار بخوریم.

دو مسأله:

۱. اگر نامحرم ممیز باشد، یعنی پسری که خوب و بد را تشخیص می دهد باید در
برابر او حجاب رعایت گردد.
۲. از لباس هایی که توجه نامحرم را جلب کند، باید اجتناب شود.^(۱)

نام درس

ایستگاه غذا^(۱)

موضوع

احکام

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با احکام و آداب خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

- وظایف قبل و پس از مُوردن

۲- مُوردنی‌های حلال

۳- خوردنی‌های حرام

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود که در پایان درس از غذاهای شبههناک و حرام پرهیز کنند و از نوشیدنی‌ها و خوردنی‌های حلال استفاده کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱- توضیحی ۲- فعال (پرسش و پاسخ، داستان)

رسانه‌های آموزشی

تخنه سیاه و کچ

۱۵۸۰۰ پیشگاه

مربی برنامه را با بازی با کلمات شروع می‌کند و بر روی تخته می‌نویسد: «م»
بچه‌ها، این چیست؟... حرف میم. حرف چندم الفباست؟ حرف بیست و هشتم
حالا چی شد؟! م

لَمْ یعنی چه؟ (راحتی و تتبیلی) «کم» چه معنایی دارد (اندک، زیاد نباشد) حالا چی؟
شکم همان جا که غذاها و شیرینی‌ها جمع می‌شود. م - لم - کم - سکم
بچه‌ها! در دین اسلام برای چیزهایی که می‌خوریم و می‌نوشیم دستورهایی داریم اما
این شکم مانباید رها باشد و از شکم تقليید کنیم آخر کلمه شکم چه بود؟ «کم»
شکم به ما می‌گوید کم است، مرا پُر کنید و نمی‌گوید کم بخورید، می‌گوید کمه، پُرش
کن ولی راه شکم ما باید کنترل بشود و هر چه از راه دهان وارد شکم می‌شود باید پاک و
حلال باشد و هر چیز را نباید توى آن بریزیم چون معده انسان مثل باک ماشین است که
وقتی به پمپ بنزین می‌رود اگر به جای بنزین نفت پُر کند ماشین خراب می‌شود و ضرر
می‌بیند.

پس مراقب باشیم که معده و شکم خانه همه مریضی‌های است. به جای مصرف دارو از
پُرخوری پرهیز کنیم زیرا سرچشمه همه بیماری‌ها پُرخوری است.
(سپس به مناسبت برنامه، آداب اخلاقی و شیوه‌ی خوردن و آشامیدن توضیح داده
می‌شودکه) آداب خوردن و آشامیدن:

الف - کم خوری (اندراه)

ب - خوب خوری

ج - حلال خوری.

(مربی نخست صحنه نمایش شیوه‌ی غذا خوردن و آشامیدن به وسیله‌ی قاشق و چنگال یک بار مصرف (پلاستیکی) دستمال و از مقوابه جای ظرف غذا استفاده می‌کند و در میان برنامه آداب را هم توضیح می‌دهد یا با نمایش دادن دو نفر از دانش‌آموzan شیوه‌ی غذا خوردن خوب و بد مانند: تند غذا خوردن، نجودین غذا، لقمه درشت، بازی کردن در حال غذا خوردن و غذا خوردن در حال راه رفتن و آداب غذا مانند: آهسته خوردن، شستن دست‌ها و گفتن بسم الله دراول و الحمد لله در آخر و... توضیح می‌دهد.)

بچه‌ها! شما روش غذا خوردن را دیدید ولی خوب بود چه کارهایی رعایت می‌شد؟

(عده‌ای روش‌های درست یا غلط را جواب می‌دهند و سپس می‌گوید:)

خوب است عادت ما کم خوری و خوب خوری باشد و انسان سالم کسی است که کم بخورد و درست بنوشد.

داستان طبیب نصرانی:

طبیب نصرانی به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: ای فرزند پیامبر ﷺ آیا در کتاب خدا از طب چیزی ذکر شده است. امام فرمود: آری، آیه (کلو وا شربوا ولا سرفوا) (بخورید و بیاشامید ولی زیاده روی نکنید). و در حدیث پیامبر اکرم ﷺ چنین آمده است، الحمية من الاكل راس كل دواء والاسراف في الاكل راس كل داء. پرهیز از غذا (کم خوری) سرآمد داروهاست و زیاده روی در خوراک سبب بیماری هاست. در این حال مرد نصرانی از جا حرکت کرد و گفت: به خدا سوگند کتاب خدا و سنت پیامبر شما جایی برای طب جالینوس باقی نگذاشته است. (۱)

۱- داستان‌ها و پندها، ج ۲، ص ۱۶۸.

حالا اول باید چه کار کرد؟ اول دست‌ها شسته شود و بعد شروع با بسم الله....^(۱)

بچه‌ها با هم: «اول غذا بسم الله، آخر غذا الحمد لله» شعار همیشه ماست.

دیگه: غذای داغ نخوریم.^(۲)

بعد مثل پیامبر ﷺ به غذا و چای داغ فوت نکنیم چرا؟ کی میدونه بله چون در هنگام فوت کردن هوای آلوده‌ی درون شش‌ها از دهان بیرون می‌آید و با غذا تماس پیدا می‌کند. و برای بدن ضرر دارد. پس می‌گذاریم خنک بشود.

دیگه: وقت غذا، در حال سیری غذا نخوریم.^(۳)

و به شکم ایست بگوییم چنانکه پیامبر ﷺ هرگز آن قدر نخورد که سیر شود.^(۴)
اما بعد از غذا: تشکر از خدا می‌گوییم: الحمد لله. آنگاه مثل پیامبر ﷺ دندان را با چوب خلال تمیز کنیم.^(۵) تا باقیمانده غذا از بین دندان‌ها بیرون آید و بوی بد دهان از بین برود.

مسواک نیز در این حال دهان و دندان را پاکیزه و خوشبو می‌کند.

بچه‌ها، پیامبر ﷺ به طور مرتب مسواك می‌زد و دندان‌های ایشان سفید و براق بود.

بعد... شستن دست‌ها از چربی غذا و تمیز و خشک کردن آن.^(۶)

اما بعد از اینها نوبت چیه؟ در صورت نیاز: نوشیدن مثل آب یا آب میوه

بچه‌ها! آب را آهسته و جرעה جرעה می‌نوشیم تا راه نفس بسته نشود.

۱- رساله امام (ره)، مسائله ۲۶۳۶.

۲- سنن النبی، ص ۱۶۴، ح ۱۷۵.

۳- رساله امام (ره)، ۲۶۳۷.

۴- سنن النبی، ح ۱۸۹، ص ۱۸۲.

۵- سنن النبی، ص ۱۶۸، ح ۱۸۸.

۶- رساله ۲۶۳۶.

دخترک هوشمند

روزی انوشیروان باعده‌ای از لشکریان خود برای صید شکار به صحراء رفتند او برای جستجوی شکار در بیابان از همراهان خود دور شد و تنها در بیابان سوزان تلاش فراوان کرد و چیزی نیافت و سخت تشنۀ شد. برای به دست آوردن آب به جستجو پرداخت تا این که به مزرعه‌ی کوچکی رسید که در کلبه‌ی آن دخترکی نشسته بود. از او تقاضای آب کرد. دخترک از کلبه بیرون آمد و چون وی را تشنۀ دید با شتاب به داخل کلبه برگشت و مقداری نیشکر را کوبید و آن را با آب مخلوط کرد و شربت گوارایی دست کرد و نزد انوشیروان آورد.

انوشیروان آب را دید که اندکی خاشاک در میان آن است. آب را جرعه جرعه نوشید تا خاشاک را نخورد. آنگاه گفت: به به، آب خوبی است اگر این خاشاک نبود. دخترک گفت: من آن ریزه چوب‌های کوچک را عمدًا در میان آن انداختم.

انوشیروان پرسید: چرا؟

گفت: چون دیدم تو سخت تشنۀ‌ای ترسیدم آب را یکباره سرکشی و در این صورت به توزیان برسد، خواستم اندک اندک بنوشی.

انوشیروان از تیز هوشی دخترک تعجب کرد!^(۱)

در نوشیدن هم مثل غذا خوردن اول بسم الله و در آخر شکر خداوند و سلام بر حسین علیه السلام، لعنت فرستادن بر قاتلان امام حسین، می‌گویی: سلام بر لب تشنۀ‌ات يا ابا عبدالله^(۲)

پس برای اینکه در خوردن و آشامیدن زیاده روی (اسراف) نشود باید به سخن

۱- داستان‌ها و پندها، ج ۸، ص ۳۰.

۲- رساله ۲۶۳۶

خداآوند که فرموده: (کلواوشربوا و لاتسرفوا) (پخورید و پیاس‌سازید ولی اسراف نکنید) گوش دهیم. والا از اسرافکاران شناخته می‌شویم و خداوند اسرافکاران را دوست ندارد.

اما حلال خوری هم خیلی مهم است. ما باید مراقب لقمه‌های حرام و نوشیدنی‌های مضرّهم باشیم.

غذای حرام، قلب ما را آلوده به سیاهی گناه می‌کند (داستان اصحاب کهف - که بعد از بیدار شدن از خواب یکی از یاران آن‌ها مأمور شد به شهر برود غذایی تهیه کند و به او سفارش کردند غذای حلال و پاک بخرد - نقل شود).

خداآوند در قرآن مجید دستور داده است که: از آنچه خداوند حلال و پاکیزه روزی شما قرار داده است بخورید.^(۱)

راستی! دستور اسلام در باره‌ی چیزهای حلال و حرام چیست؟ چند تا غذای حلال و حرام را بشمارید؟

(مربی با استفاده از تصاویر حیوانات یا نقاشی آن‌ها بر روی تخته با مثال‌ها و نمونه‌های واضح در نزد بچه‌ها احکام را توضیح دهد.)
می‌گوید: بچه‌ها:

خوردنی‌های حلال و حرام سه گروه هستند:

گیاهی: بیشتر میوه‌ها و سبزیها پاک و حلال اند مثل: سیب، انار، شوید و ریحان و...

نوشیدنی: که برای بدن ضرر نداشته باشد مثل: آب، چای، نوشابه و آب میوه.

حیوانی: حیوانات هم سه گروه هستند.

الف - حیوانات زمینی و اهلی مانند: گاو و گوسفند و شتر که ما می‌توانیم از گوشت، شیر، پوست و... آن‌ها استفاده کنیم.

اما گوشت آن‌ها به چند شرط پاک و حلال می‌شود: اول اینکه سر آن‌ها به روش شرعی بریده شود. دیگر: حیوان رویه قبله و ذبح کننده‌اش مسلمان باشد و چهار رگ زیر گلو کاملاً بریده شود. خوب است قبل از سر بریدن به او آب بدهیم. چند چیز مثل مغز حرام در پشت حیوان و حدقه‌ی چشم و دنبلان آن‌ها حرام است. خوردن گوشت اسب و الاغ و قاطر نیز مکروه است.

پ - حیوانات وحشی: که در صحراها زندگی می‌کنند مانند فیل، خرگوش، مار... و هم چنین حیواناتی که در نرده می‌باشند مانند گرگ، پلنگ، شیر، خرس و... گوشت آن‌ها حرام است اما اگر سر آنها بریده شود پاک هستند.

اما مثل، آهو و بز کوهی و گورخر حلال گوشت هستند.

معما: کدام حیوان حلال گوشت است که اگر یک حرف آن برداشته شود حرام گوشت می‌شود؟ خروس - خرس

ج - حیوانات دریایی: اگر آن‌ها را از آب بگیرند و بیرون آب جان بدهد و روی بدن آن‌ها پولک (فلس) داشته باشد، پاک و حلال هستند، مثل انواع ماهی‌ها (ماهی قرمز - ماهی قباد - میگو)

د - پرندگان: که در وقت پرواز بال می‌زنند و سنگدان دارند مانند: گنجشک، مرغ و خروس، اردک و قمری حلال گوشت هستند.

توجه:

(بچه‌ها! گنجشک را باید سر برید تا پاک و حلال شود. با سنگ زدن تنها و کندن سر آنها حلال نمی‌شوند)
تُّحْمٌ پِرْنَدْگَانْ هُمْ پِيَكْ وَ حَلَالٌ اسْتَ.

ولی آن‌هایی که چنگال دارند و در هوا بال نمی‌زنند (بیشتر بال خود را باز نگه می‌دارند) مانند: عقاب، باز، خفاش، کلاغ، طاووس گوشت آن‌ها حرام است.

کلام آخر: هر چه برای بدن ضرر داشته باشد یا مال دیگران باشد (دزدی) خوردن و آشامیدن آن حرام است.

نام درس

بهداشت تن و روان (۱)

موضوع

اخلاقی - احکامی

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با بهداشت و موارد بهداشت بدن آشنا می شوند
همچنین «وضو» و احکام و اسرار آن را نیز می شناسند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس لازم است موارد زیر را درک کنند.

(۱- معنای بهداشت

۲- موارد بهداشت چشم

۳- اسرار وضو

۴- احکام و شرایط وضو

هدف رفتاری

از دانش آموزان انتظار می رود که در پایان این درس ضمن تعریف بهداشت و
موارد آن، بتوانند با رعایت مسائل و احکام وضو از آثار عملی آن در زندگی بهره
بربرند.

روش های مناسب تدریس

(۱- توضیحی ۲- فعال (پرسش و پاسخ، رسم شکل، داستان)

رسانه های آموزشی

تخنه سیاه، کارت و مقوا

پنجمین درس اشیاء

مربی با مطرح کردن سوال‌های زیر، بحث را شروع می‌کند.

- کدام میوه است که اولش حرف «ب» است؟

پودار

- مأمور اداره بهداری

به معنای نگاهداری، تقدیرستی و نیکو نگاهداشتن که اثر بسیار مهیی در زندگی

فردی و اجتماعی دارد؟

یکی از موارد بهداشت، پواداشت جسمی و فردی است، یعنی رعایت اصول بهداشتی

برای استفاده بهتر از جسم و حفظ سلامتی آن.

موارد بهداشت جسمی

- پواداشت دهان و دندان

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: مسوک موجب رضای خدا و خشنودی ملائکه و پینا شدن

چشم و اریان رقت امراض مختلف می‌گردد.

۲- تمیز کردن بدن و لباس

روزی پیامبر اکرم ﷺ مردی را دید که موی سرش ژولیده و لباس هایش چرکین و

حال او بد است حضرت به او فرمود: «از جمله احکام دین بهره ور شدن و استفاده کردن از

نعمت هایی است که خداوند متعال برای بندگانش خلقت فرموده است.»

همچنین فرمود: «خدا دوست می‌دارد که بنده‌ی او چون به نزد برادران خود می‌رود با

لباس خوب و مرتب برود و برای برادران خود سر و لباس خود را زینت کند. (۱)

۱- مکارم الاخلاق.

از بچه‌ها چه کسی می‌تواند یک شعر در مورد پاکیزگی بخواند؟

تمیز	پچه	مُوْشِرو	پچه
عَزِيز	می‌شود	همه کس	پیش
صبح رُود ازْ حُواپ		می‌شود	پیدار
آفتاب	همراه	می‌شود	بلند
بِه بَابا، مَامَان		می‌کند	سلام
مُوْشِحال و مُختَدَان		می‌کند	ورزش
دَنْدَاهِیش را		می‌زند	مسواک
می‌شوند زیبا		مروارید	مثل
دست و رویش را		آن وقت می‌شوید	
شانه مویش را		آرام	می‌زند
پاک و تمیز است			پاک
دَهَانْ خوشبو	دهان	سفید	دندان

و اقدی

۳- تمیز کردن زیر ناخن

چرک هایی که زیر ناخن جمع می‌شود باید همیشه تمیز شوند و ناخن‌های بلند را باید چید.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «میکروپ برای تسلط پرآدمی زیر ناخن‌های او معقول می‌شود».

مربی محترم همین جا از دانش آموزان بخواهد تanaxن‌های خود را بررسی کنند تا بفهمند مشمول حدیث امام صادق علیه السلام می‌شوند یانه.

۴- بهداشت چشم:

گرد و غبار روی پلک‌های چشم می‌نشیند و در گوشه‌ی چشم ماجموع می‌شود و اگر به خوبی و با دقت شسته نشود، موجب تراخم چشم^(۱) و قرمزی و ضعیف شدن آن می‌شود.

مسائل بهداشت جسم و بدن زیاد است که ما به عنوان نمونه بعضی از آن‌ها را ذکر کردیم حال اگر بخواهیم یک برنامه‌ی همیشگی و مرتب برای بهداشت بدن داشته باشیم و همیشه بدنبال تمیز و سالم و لباس‌هایی پاکیزه داشته باشیم، باید همیشه از یک کلید استفاده کنیم و با این کلید وارد کاخی بزرگ شویم که همه‌ی زیبایی‌ها در آن جمع شده است.

عجب کلید خوبی! چه کسی این کلید را دارد؟ هر انسان مؤمنی که خدارا دوست بدارد می‌تواند این کلید را داشته باشد.

برای این که بفهمید این چه کلیدی است شما را با یک شکل راهنمایی می‌کنم.^(۲)



راهنمایی دیگر: امام رضا علیه السلام فرموده است: «هر کس که این کلید را به همراه داشته باشد از آلودگی‌ها دور می‌شود.»

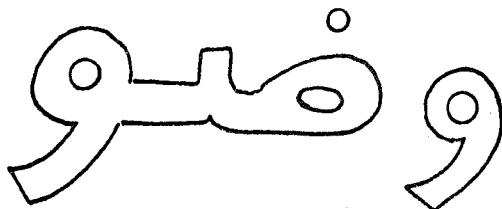
و حضرت علی علیه السلام فرمود: «به همراه داشتن این کلید در هنگام غذا روزی انسان را

۱- یکی از امراض چشم که عوارض آن عبارتست از تورم پرده چشم و بروز دانه‌های درشت در طرف داخل پلک و... که ممکن است سبب کوری شود.

۲- مریم محترم طرح را در دو مرحله همراه با ذکر احادیث و راهنمایی دانش‌آموزان تکمیل می‌کند.

زیاد می‌کند.»

اینک طرح را تکمیل می‌کنم.



امام رضا علیه السلام فرمود: «این کلید پاگشت دور شدن از خواب آسودگی می‌شود و به وسیله‌ی آن قلب و روح آدمی آماده‌ی ایستادن در پاید خدامی‌شود.»
پیامبر اکرم علیه السلام فرمود:

دعا کلید رحمت

وضو کلید نماز

نماز کلید پوشش

در وضو همه مسائل بهداشتی بدن وجود دارد که دقت در آن، موجب پاکیزگی و تمیزی بدن می‌شود.

البته دانش‌آموزان توجه کنند که وضو را باید فقط با قصد قربت الی الله بگیریم و گرفتن وضو برای رعایت مسائل بهداشتی فایده ندارد.

مسابقه

مربی مسائل زیر را به صورت موزون برای دانش‌آموزان بگویید. در صورت غلط بودن، دانش‌آموزان با هم و با صدای بلند بگویند: «غلط آیی غلط، غلط غلوط غلط» و در صورت درست بودن بگویند: «درسته آیی درسته، مثل گل شکفته.»

اگر هر مورد را مری محترم به صورت عملی نشان دهد بسیار مطلوب است.

درست غلط

۱۰ کشیدن مسح پر سرخیس

۱۱ کشیدن مسح روی موها یی که اگر شانه کمیم روی سرمی ریزد

درست غلط

درست غلط

۱۲ وضو گرفتن پرای خنک شدن

درست غلط

۱۳ وضو گرفتن ریز پاران

درست غلط

۱۴ شستن دست‌ها تامچ

درست غلط

۱۵ شست و شوی گوشه چشم، لب‌ها و پستان در وضو

درست غلط

۱۶ پاک نکردن ریزانهنجن پرای وضو

درست غلط

۱۷ شستن صورت از رستگاه مو تا زیر چانه

درست غلط

۱۸ کشیدن مسح پر پشت سر

درست غلط

۱۹ کشیدن مسح سر در حالی که سر حرکت می‌کند

درست غلط

۲۰ کشیدن مسح پا در حالی که در هوای کان می‌خورد

درست غلط

۲۱ وضو داشتن در همه‌ی حالات

درست غلط

۲۲ شستن دست تا نوک انگشتان

حکایت

ابتدا مری محترم حکایت زیر را برای دانش‌آموزان بیان کند، سپس موارد مبطل و یا غلط را به کم دانش‌آموزان بررسی نماید. در این قسمت بیشتر بیان «شرایط وضو» لحاظ شده است.

در تاریکی شب بدون سر و صدا به گوشه‌ی تاریک کوچه خزید. فقط صدای جیرجیرک‌ها و عووی سگ‌ها که بی‌خوابی به سرشان زده بود، شنیده می‌شد. نفس در

سینه‌ی او حبس شده بود. مقداری به اطراف نگاه کرد و سپس مانند یک گربه‌ی زرنگ از دیوار خانه رفت بالا و خود را رساند به حیاط خانه. او در این خانه جز دزدی کاری نداشت، ولی با این حال از کار خودش ناراحت بود. نمی‌دانست چه کسی از درون جانش به او نهیب می‌زند: «جمشید! برگرد» کار بد هر چه که می‌خواهد باشد روزی انسان را بیچاره می‌کند، ولی او کاری به این حرف‌ها نداشت. او برای فرار از عذاب وجودانش شروع به خواندن ترانه در زیر لب کرد.

چون می‌دانست کسی در خانه نیست به راحتی وارد ساختمان شد. همه جا را جستجو کرد و... در یک اتاق روی بخاری، برق یک ظرف چشم او را پُر کرد. آری یک کاسه نقره عتیقه روی تاقچه خودنمایی می‌کرد. کمی خوشحال شد به سرعت آن را برداشت و در حالی که می‌دوید خود را به حیاط رسانید در همان حال پایش به چیزی خورد و در تاریکی شب محکم به زمین افتاد و دستش خونین شد سروصدایی که بلند شد همسایه‌ها را از خواب بیدار کرد. همسایه‌ها به بیرون از خانه آمدند. کمی با هم صحبت کردند، ولی چیزی دستگیرشان نشد و به خانه‌هایشان برگشتند. خیلی ترسیده بود، ولی انگار مشکلی پیش نیامده بود.

می‌خواست از دیوار به کوچه بپردازد و باز گردد. ناگهان یادش آمد که نماز نخوانده است: «نماز مغرب و عشا» تعجب نکنید او دزدی بود که نماز هم می‌خواند همیشه به خود می‌گفت دزدی یک گناه است و نماز نخواندن از آن بدتر است. او امیدوار بود که روزی همین نماز او را از کارهای زشتیش باز دارد، چرا که شنیده بود که کارهای خوب، بدی‌هارا از بین می‌برد^(۱) و شنیده بود که نماز انسان را از کارهای بد و ناشایست باز می‌دارد^(۲)

- ۱- ان الحسنات يذهبن السيئات.
۲- ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر.

همچنین شنیده بود که روزی یک نفر به پیامبر اکرم ﷺ عرض کرد: «یار رسول الله! مردی را می‌شناسم که همه نوع کارهای بد را انجام می‌دهد» حضرت به او فرمود: «آیا نماز می‌خواند؟» عرض کرد: «آری» فرمود: «نمازش او را از کارهای بدش نجات خواهد داد» با همان کاسه نقره‌ای یک مقدار آب از حوض خانه برداشت و وضو گرفت و نمازش را خواند او در نماز خواست تا خداوند او را از بدی‌ها نجات دهد و دست او را بگیرد و از تاریکی و زشتی‌ها بیرون آورد. در همان حال... در همان حال ناگهان دلش لرزید و اشکش جاری شد. به خدا گفت: «خدایا! مرا چه می‌شود آیا می‌خواهی دستم را بگیری. آیا دعایم را مستجاب کرده‌ای. به ناگاه بدنیش گرم شد. دل خود را به خدا سپرد از شر شیطان و تاریکی‌ها و زشتی‌ها فرار کرد. کاسه را به جای خود گذارد و از خانه بیرون آمد.

- از دانش آموزان بخواهید بگویند در اینجا جمشید چند کار اشتباه کرده است.
- دردی (که الیته پا ټوپه چېدان نمود)
- وضو گرفتن در مکان غصیبی (پدون اچاره صاحب آن)
- نماز محواندن در مکان و فرش غصیبی
- وضو گرفتن با آپ غصیبی
- وضو گرفتن در طرف غصیبی
- وضو گرفتن در حالی که اعضاً وضویش نیپاک پوده (دست محوین)
- ورود پی اچاره در مخانه و ملک مردم
- تصرف پی اچاره در اموال مردم

اخلاق

نام درس

همنشینی

موضوع

اخلاق

هدف کلی

محمد رضا عابدی

دانش آموزان در این درس با آثار همنشینی آشنا می شوند و درک می کنند که همنشینی با نیکان سعادت انسان را در پی دارد.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس لازم است با موارد زیر آشنا شوند.

۱) مقایسه بین همنشینی با حمایان و پدان و دوری از همنشینی با پدان و همنشین شدن با حمایان

۲) تسبیه همنشین به عطر فروش

۳) قسمتی از زندگی چاپرین حیان

۴) محل یافتن همنشین موب

هدف رفتاری

از دانش آموزان انتظار می رود در پایان درس فرق بین همنشین خوب و بد را بیان کنند و بکوشند با خوبان همنشین شوند و محظی را برای یافتن همنشین خوب معرفی کنند.

روش های مناسب تدریس

(۱) توصیعی ۲) فعال (پرسش و پاسخ، رسم شکل، معما)

رسانه های آموزشی

۱) تخته سیاه ۲) کارت بازی، بازی با کلمات

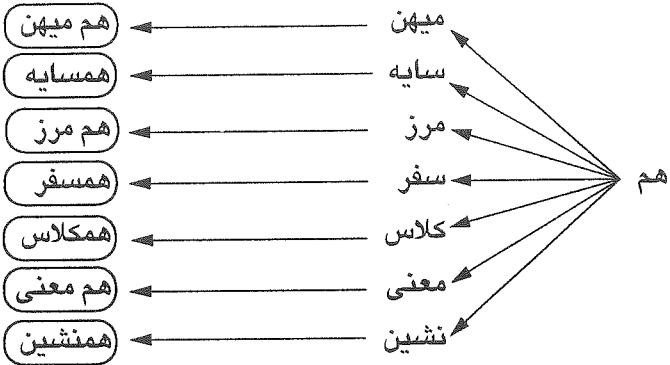
همنشینی

به نام خداوند... بخشنده‌ی... مهربان

بچه‌ها سلام! حالتان خوب است، خوب، خوب! حواس‌ها جمع است، جمع جمع! پس
حالا با کمک یکدیگر از این کلمات: ^(۱)

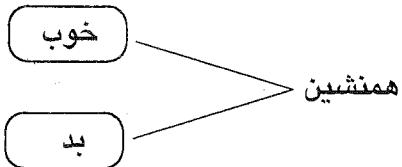
میهن میهن سایه سایه مرز مرز سفر سفر کلاس کلاس معنی معنی نشین نشین

و با کلمه‌ی «هم» کلمات جدیدی بسازیم.



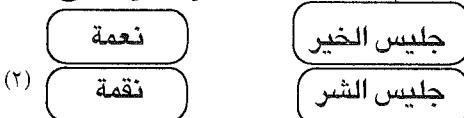
با کدام یک از این گروه‌ها ما بیشتر سروکار داریم. آفرین، هم کلاسی. باید ما با همکلاسی خود دوست باشیم و به یکدیگر کمک کنیم. همکلاسی می‌تواند همنشین ^(۲) ما باشد. آیا ما می‌توانیم با همه‌ی، هم کلاسی‌های خود، همنشین باشیم؟ نه! باید از میان آن‌ها انتخاب کنیم که با کدام یک می‌خواهیم همنشین باشیم؛ زیرا همنشین ما می‌تواند.....

-
- ۱- می‌توانید از کارت‌های آماده استفاده کنید و یا در تابلو کلمات را بنویسید.
 - ۲- به کارت آماده شده و یا به کلمه‌ی نوشته شده در تابلو اشاره کنید.



ما باید به کدام همنشین نزدیک و از کدام همنشین دور شویم؟

با هم به یک حدیث^(۱) از حضرت علی علیه السلام در این باره گوش می‌دهیم:



حالا با هم به معنی حدیث توجه می‌کنیم.

نعمت است

در درسراست^(۳)

همنشین خوب

همنشین بد

پس حضرت علی علیه السلام فرمود که: همنشین خوب نعمت و همنشین بد (پرای انسان) در درسراست.^(۴)

حالا با چه کسانی همنشین شویم. از میان این اشخاص که می‌گوییم، شما بگویید ما باید با کدام، همنشین باشیم یا نباشیم، بله! یکی بگویید، باشیم یا نباشیم.

همنشین با عالمان؟ باشیم نباشیم

همنشین با راستگویان؟ باشیم نباشیم

همنشین با نادانان؟ باشیم نباشیم

همنشین با مؤمنان؟ باشیم نباشیم

۱- با کمک دانش آموزان می‌توانید حدیث را به صورت تکرار استفاده کنید. دسته اول جلیس الخیر نعمت، دسته دوم: جلیس الشر نقمه

۲- با کمک دانش آموزان می‌توانید حدیث را به صورت تکرار استفاده کنید.

۳- در پشت کارت‌ها می‌توانید معنای حدیث را بیاورید.

۴- محمدی ری شهری، «میزان الحکمة»، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۵، ج ۲، ج ۱، ص ۴۰۳.

باشیم نباشیم

همنشین با حسودان؟

باشیم نباشیم

همنشین با اشرار؟

باشیم نباشیم

همنشین با کتاب؟

باشیم نباشیم

همنشین با ستمکاران؟

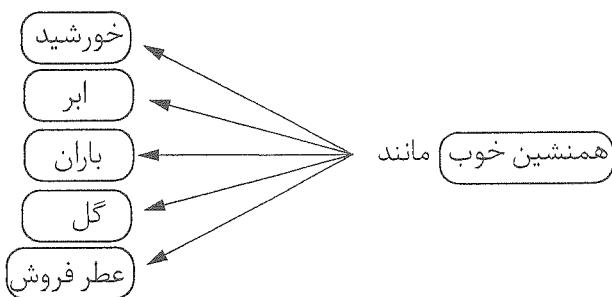
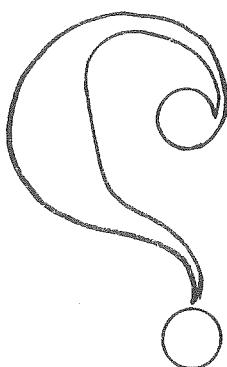
باشیم نباشیم

همنشین با دروغگویان؟

پس باید همنشین ما از گروه هایی باشد که برای ما در درس نداشته باشد.

همنشین تُوازْ تُوبه پايد
تُوراعقل و دِين افرايد^(۱)

چه کسی می تواند بگوید همنشین خوب مثل چیست؟



یک راهنمایی: اگر با او همنشین شوی، به یکی از سه مورد، می‌رسی یا می‌بخشید، یا می‌فروشد، و یا تو خوش بومی شوی.

آفرین! این مثال را رسول خدا ﷺ درباره‌ی همنشین خوب فرمود:

همنشین خوب مانند عطر فروش است. یا آن که عطر فروش از عطر خود به شما می‌بخشد و یا از آن عطر به شما می‌فروشد و یا لاقل در کنار او بوی خوش آن را

۱- سید یحیی برقعی، «چکیده اندیشه‌ها»، نمایشگاه نشر کتاب، قم، ۱۳۶۷، چ ۶، بخش ۲، ص ۳۸.

سعدی هم با توجه به این مثال شعری زیبا سروده است. شاید این شعر را شنیده باشید؛ چه کسی می‌تواند شعر را بخواند؟

رسید از دستِ محبوی به دستم	گلی محوشیو در حمام روزی
که از پوی دل آویز تو مستم	پدو گفتم که مشکی یا عبیری
ولیکن مدتی با گلن نشستم	پکفتا من گلی ناچیز بودم
و گرنه من همان محاکم که هستم ^(۲)	کمال همنشین درمن اثر کرد

حالا به قسمتی از زندگی کسی که همنشینی خوبی داشت توجه کنید تا نام او را بگویید! او یکی از کسانی است که مدتی با همنشینی خوب، دوست شد و در جلسات درس او حضور یافت. علاقه‌ی فراوانی به درس داشت. پشتکار او بسیار زیاد بود و سرانجام با تلاش خود توانست یکی از درخشان‌ترین چهره‌های جهان اسلام و دانشمندی بزرگ شود. محمد بن زکریای رازی، شاگرد اوست. معلم بزرگی که مدتها با او همنشین شده حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است. وی از علم آن حضرت بسیار استفاده کرد و کتاب‌های زیادی نوشت. مورخان تعداد این کتاب‌ها را بیش از پانصد جلد دانسته‌اند. او ترکیبات شیمیایی بسیاری را کشف کرد و به خاطر تحقیقات و اکتشافات فراوانش به حق «پدر علم شیمی» لقب گرفت. همچنین بیشتر آثار و نوشته‌هایش به زبان لاتین و دیگر زبان‌های اروپایی ترجمه شده و مورد استفاده آنان قرار گرفته، خوب، نام او را حتماً فهمیده‌اید. بگویید او کیست؟ پله! چاپرین حیان است.^(۳)

۱- سید یحیی برقعی، همان، ص ۳۲.

۲- مصلح الدین سعدی، گلستان، مطبعة المصباحی، تبریز، ج ۱، ج ۱، ص ۶.

۳- فارسی پنجم دبستان، اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۷۶. دانش ←

نام این دانشمند بزرگ اسلامی را در تابلو می‌نویسم^(۱)، امید داریم که او در زندگی الگوی ما باشد. به این چند سوال جواب دهید:

دان^(۲)

مؤمن

سرمشق

- نادان نیست، (ماهم پاپد پا او همنشین شویم.)

- پا ایمان است.

- سرلوحه، الگو

حالا این کلمات را به ترتیب زیر، می‌نویسیم.

مؤمن

سرمشق

چابرین حیان

دان^(۳)

اگر من از شما بخواهم با این کلمات، یک جمله‌ای کوتاه خوب بسازید، چه جمله‌ای خواهید ساخت؟

آفرین! جمله‌ای زیبا گفتید؛ اما این کلمات یک پیام دیگری هم دارند من شما را

راهنمایی می‌کنم تا آن پیام را به دست آورید.



آموزی را که جواب صحیح گفت تشویق کنید.

۱- در تابلو (جایی مناسب) نام «چابرین حیان» را بنویسید تا مشددهای برای بازی با کلمات باشد.

۲- کلمات را در تابلو بنویسید.

رہ تو شه راهیان نور

راستی! شما در باره‌ی همنشین این مطالب را دانستید. ممکن است کسی بپرسد
چگونه و در کجا می‌توانیم همنشین خوب پیدا کنیم؟

آری، همنشین خوب را باید در بهترین مکان دنیا پیدا کنیم، جایی که امام خمینی

(ره) فرمود؛ آن جا سنگر است، سنگرهای را باید پُر کرد.^(۱)

حالا با هم حرف اوّل کلمات را در کنار یکدیگر بگذاریم تا نام آن مکان به دست آید.

۵... مم... ح... ل

رسول خدا^{صلوات الله علیه و آله و سلم} فرمود: هر کس که مداومت در رفتن به مسجد داشته باشد، از چند نعمت بیهوده‌مند می‌شود... همنشینی (برادری) که از او بهره‌ی (اخلاقی، ادبی، علمی و یادینی) می‌برد.^(۲)

۱- فارسی پنجم دبستان، پیشین، ص ۶۶.

۲- محمد باقر مجلسی: «بحار الانوار»، دارالاحیاء للتراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ج ۸۱، ص ۷۳، ح ۳.

نام درس

تمسخر^(۱)

موضوع

اخلاقی

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با بعضی از کارها و صفات زشت به خصوص تمسخر آشنا می‌شوند

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند

- پرخی از صفات زشت

- صفت تمسخر

۳- تمسخر در قرآن و حدیث

هدف رفتاری

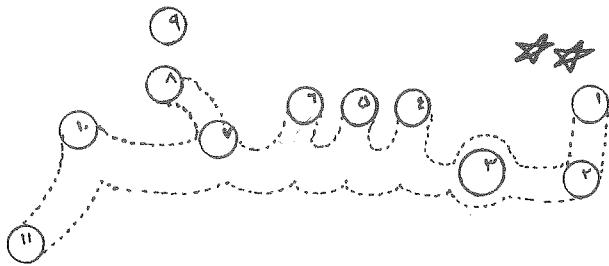
از دانشآموزان در پایان درس انتظار می‌رود که برخی از صفات زشت به خصوص مسخره کردن دیگران را ترک کنند.

روش‌های مناسب تدریس

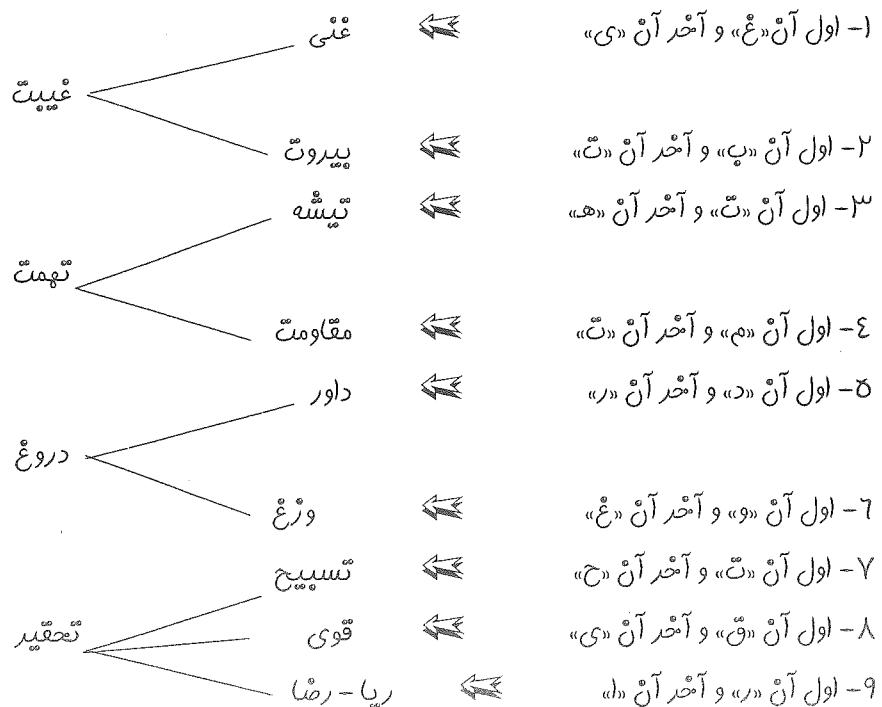
۱- توضیحی - ۲- فعال(راز دایره - قصه گویی - جدول)

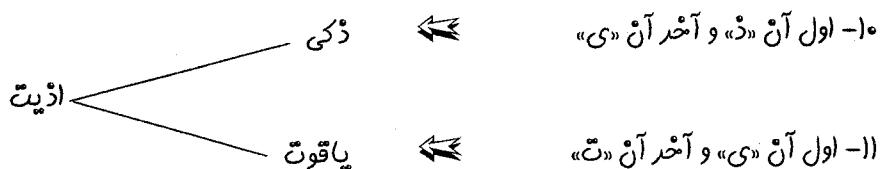
رسانه‌های آموزشی

تحته و گچ



مربي با رسم اشكال فوق سؤالاتي پيرامون قواعد هندسي مانند محيط و مساحت آنها از دانش آموزان مىپرسد و سپس از آنها مىخواهد کلمه‌اي که اول آن «غ» و آخر آن «ي» باشد بگويند و جالب ترین کلمه را انتخاب و در شكل شماره يك (۱) بنويسد و بقиеهی کلمات رانيز به طريق زير سؤال کرده و در اشكال به ترتيب شماره بنويسد:





توضیح: جواب‌ها را دانش‌آموzan می‌گویند و جواب‌های فوق صرفاً پیشنهادی و جهت آمادگی ذهنی مربیان می‌باشد. سپس مربی، در صورت امکان، با ربط کلمات به یکدیگر جمله‌ی با معنی و بحث مناسبی را به نحو اختصار بیان می‌کند و از دانش‌آموzan می‌خواهد، حروف اول و آخر کلمات را به هم متصل کرده و جواب را که یافتند، غیبت، تهمت، دروغ، تحقیر، اذیت، مطالب زیر را توضیح دهد:

اعتیاد فسادی است که چندین جرم دیگر را به دنبال دارد. از جمله سرقت «برای تهیه پول مواد مخدر»، آدم‌کشی «در مورد قاچاق» و آزار و اذیت خانواده مردم. گناهان فوق نیز به دنبال گناهی به نام «تمسخر» می‌آید که به جای گفتن: «تمسخر» خطوط نقطه چین در طرح را تکمیل می‌کند تا خود دانش‌آموzan بگویند «تمسخر» و در ادامه بحث، این که چگونه تمسخر گناهان فوق را به دنبال دارد توضیح می‌دهد.

(بعد از این برنامه، مربی آیه زیر از قرآن را با خط خوش همراه با ترجمه و ذکر مأخذ می‌نویسد و چندین بار تکرار می‌کند و فرصتی هم می‌دهد تا دانش‌آموzan در دفتر خود بنویسنده.)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ»^(۱)

ترجمه: هیچکس حق ندارد کسی را مسخره کند. چه پسا قدر مسخره شده پهتتر از قدر مسخره کننده باشد.

(توضیح: در ترجمه آن قسمت را که مربوط به بحث است ترجمه می‌کنیم تا باعث خستگی نشود.)

(یادآوری: دانش‌آموزان مقطع چهارم دبستان با این آیه مختصر آشنایی در کتاب دینی پیدا کرده‌اند. و این می‌تواند زمینه‌ی خوبی باشد تا مری بتواند بهتر روی این موضوع بحث کند.)

(مری می‌تواند این داستان را عیناً حفظ کرده و برای دانش‌آموزان نقل کند. البته در ضمن داستان اگر تخته هم داریم، تصاویر ساده‌ای از داستان را طراحی می‌کنیم و یا حداقل نام افرادی که در داستان نقش دارند در موعد مقرر می‌نویسیم، تا برای بچه‌ها حالت سمعی بصری پیدا کند و از جذابیت بیشتری برخوردار شود. پس با تیتر درشت نام داستان را می‌نویسیم و شروع به نقل داستان می‌نمائیم. «۱۵ دقیقه»)

«داستان خواب»

مرد، ناگهان از خواب پرید، با پشت دستش، چند بار چشمهاش را مالید و در یک چشم به هم زدن، خود را به بیرون اتاق کشاند، بهت زده به آسمان نگاه کرد. سپیده‌ی صبح، کم کم از آن طرف آسمان دامن می‌گستراند و ستاره‌هار نگ می‌باختند. در حالی که زیر لب حرفا‌ی را می‌جوید، با سرعت به طرف چاه آب رفت سطل را از آب پُر کرد. آستین‌هارا بالا زد و وضو گرفت. بعد، سطل را به کناری انداخت و با شتاب از در بیرون زد. مرد، تمام نیروی خود را در پاهاش جمع کرده بود و با سرعت، کوچه‌ها و میدان گاههای شهر را پشت سر می‌گذاشت. نسیم خنک صبحگاهی، صورتش را نوازش می‌داد و موهای سپید و بلندش را به بازی گرفته بود. اما مرد از درون می‌سوخت و خنکای صبح، در پوست او گم می‌شد. کوچه خلوت بود و مرد صدایی جُز قدم‌های خود نمی‌شنید، خیلی دلش می‌خواست مثل روزهای پیش، وقتی از پیچ کوچه‌ای می‌پیچید، مردانی را ببیند که با تبسیمی بر لب به یکدیگر سلام می‌کنند و همه، رو به یک مقصد می‌شتابند.

اما امروز، او جا مانده بود و زیر لب خود را سرزنش می‌کرد. نگاهی به آسمان کرد و به سرعت قدمهایش افزود در سایه روشن نور ماه، دیوارهای «مسجدالنبی» پیدا بود. وقتی به نزدیک مسجد رسید، صدای مکبر را از درون مسجد شنید، با عجله وارد مسجد شد. نعلینش را به کناری گذاشت و خود را با عجله به جماعت رساند. مردم پشت سر پیامبر(ص) در صفهای منظم و متراکم به نماز ایستاده بودند. برای چند لحظه، آتش درونش دوباره شعله ور شد. او همیشه پشت سر پیامبر(ص)، در صف اول به نماز می‌ایستاد، اما امروز....

وقتی جمعیت به رکوع رفت، او هم فوراً اقتدا کرد. رکعت دوم جماعت بود. او مجبور شد رکعت دوم نمازش را تنها بخواند. نمازش که تمام شد، همانجا نشست، جمعیت، فشرده و درهم نشسته بودند. همه چشمنها را به لبان پیامبر را به خوبی نمی‌شنود. جای اصلی کلام او سپرده بودند. مرد، احساس کرد صدای پیامبر را به خوبی نمی‌شنود. جای اصلی او، همیشه کنار منبر پیامبر بود. هر روز بعد از نماز، نزدیک پیامبر می‌نشست و هیچ کس بین او و پیامبر قرار نمی‌گرفت. از جای برخاست و از صف آخر به طرف صف اول حرکت کرد، با دو دستش جمعیت را کنار می‌زد و راهی برای خود باز می‌کرد. جمعیت زیادی را پشت سر گذاشت و بالاخره به نزدیک پیامبر رسید. فقط یک جوان بین او و پیامبر قرار گرفته بود. اگر او هم راهیش می‌داد «ثابت بن قیس» به آنچه دلش می‌خواست می‌رسید و در جای همیشگی اش می‌نشست ثابت چهره‌ی جوان را از نظر گذراند. جوان چهره‌ی آشناهی برای او نداشت و او را تابحال در جلوی صف ندیده بود. موهای فر و مشکی جوان از زیر چفیه‌ی سفیدش بیرون زده بود و غرق در کلام پیامبر بود. ثابت، جوان را تکان داد تا شاید جایش را به او بدهد. اما کشتنی روح جوان، در دریای کلام پیامبر شناور بود و به ثابت توجهی نداشت. ثابت، نگاهی به جمعیت انداخت همه‌ی چشمنها متوجه رسول خدا بود. همانطور مانده بود، عده‌ای از مردم، سرهای خود را به این طرف و آن طرف می‌کشاندند تا موفق به دیدن پیامبر شوند. ثابت به ناچار نشست سخنان پیامبر تمام شد، سکوت حاکم

بر جماعت، جایش را به همه‌مه داد. مردم نیرو و نشاطی تازه گرفته بودند. عده‌ای برای بوسیدن دست پیامبر، نزد ایشان می‌رفتند. ثابت، با نگاهی خشم آلود، رو به جوان کرد و پرسید: «تو کیستی؟!». جوان طبق رسم عرب، پدر و مادر خود را به ثابت معرفی کرد. ثابت لبخند تمسخرآمیزی کرد و در حالی که با دست به جوان اشاره می‌کرد، رو به جمعیت دور و بِر خود کرد و گفت:

«من پدر و مادر این جوان را می‌شناسم». همه‌ی چشمها به طرف ثابت چرخید و گوشها به سوی او تبیز شد. بعد ثابت رو به جوان کرد و گفت: «پدر و مادر تو از بدنام‌ترین افراد در زمان جاھلیت بودند». جوان تا این حرف را شنید، چهره‌ی سبزه‌اش، سیاه شد و چشمها یش، از عصبانیت گشاد شد و ابروهایش، در هم گره خورد. جوان از شرم سرش را پائین انداخت. ثابت احساس کرد مرهمی، بر زخم دل خود گذاشته است و آبی سرد، بر آتشی که از سحرگاه در دلش روشن بوده، ریخته است. خوشحال شد و سرش را بال گرفت پیچ پچی در میان جمعیت افتاد. مردم دوتا دوتا و سه تا سه تا، با هم حرف می‌زدند، و هر کس، چیزی می‌گفت، یکی پرسید: «چرا ثابت آن مرد مسلمان را تحقیر کرد؟» پیرمردی چفیه خود را جایه جا کرد و گفت: «نمی‌دانم، شاید کسی مثل «ثابت بن قیس» که همیشه همراه و همگام پیامبر است حق دارد که دیگری را مسخره کندا» چشمها، به طرف پیامبر بود و انگار جواب سؤال خود را از رسول خدا می‌خواستند. هیچ کس، نمی‌دانست که پیامبر چه خواهد گفت، آیا به ثابت، مردی که سال‌ها همراه او بود، خطابی خواهد کرد؟ پیامبر ساكت بودند و انگار به سخن مهمی گوش می‌دادند، این حالت روحانی پیامبرا کرم(ص)، برای مردم آشنا بود، و بارها شاهد این صحنه‌ی شگفت‌انگیز بودند. همیشه بعد از این آرامش، پیامبر آیاتی جدید از خداوند به مردم ابلاغ می‌کردند، پیامبر، سرش را به طرف ثابت چرخاند. مردم ساكت و منتظر بودند. ثابت صدای قلب خود را می‌شنید و هیجان وجودش را فراگرفته بود. پیامبر فرمودند: «ای ثابت بن قیس به خاطر کار ناپسندی که انجام دادی و مسلمانی را تحقیر و مسخره کردی، هم اکنون این آیه نازل

شد. هیچ کس حق ندارد کسی دیگر را مسخره کند... ثابت، سرش را از شرم پایین انداخت و هیچ نگفت. (مربی اشاره به آیه اول بحث می‌کند.)

«جدول»

(آخرین برنامه جدول می‌باشد. مربی ابتدا جدول را می‌کشد و خانه‌ها را پُر می‌کند. این کارها را دانش‌آموزان به همراه مربی تکمیل می‌کنند تا جدول کشیده و پُر شود. سپس مربی رمز جدول را می‌گوید. آنگاه دانش‌آموزان مشغول حل جدول می‌شوند. نفرات اول را مورد تشویق قرار می‌دهیم).

رمز جدول پنج می‌باشد که در پایان این پیام در می‌آید: «مسخره کردن دیگران کار

زشت است.»

ك	ي	ك	م
گ	ر	س	ت
د	خ	ا	ا
ر	س	ر	ر
ت	ز	ا	ن
ش	ن	د	هـ

پرسش‌ها:

- پا مسخره کردن دیگران انسان چه گناهی (نچام می‌دهد.
 - در داستان، چرا چوان را مسخره کردند و پیامبر چه قدر مودند؟
 - تمسخر یعنی چه؟
 - چمله را کامل کنید.
- مسخره کردن دیگران..... است.

نام درس

شیطان و دشمن^(۱)

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با اقسام دشمن و راه مبارزه با آنان آشنا می‌شوند

اهداف جزئی

دانشآموزان با موارد زیر در این درس آشنا می‌شوند

(- انواع دشمنان

۲- پهندین دوست کیست

۳- پا دشمن مود چه کیم

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود که در پایان درس بتوانند با شناخت دشمنان درون و بیرون، با انتخاب روش‌های مناسب با آنان مبارزه کنند.

روش‌های مناسب تدریس

(- توضیحی ۲- فعال(کارت - سؤال و جواب - مسابقه)

رسانه‌های آموزشی

تخمه سیاه - کارت

شیطان و دشمن

(مربی بحث را با این سؤال آغاز کند)

آن چیست که کم آن هم زیاد است؟ (چو اپهای مختلفی دارد مانند): کُناه یا میکروپ.

(برای راهنمایی دانشآموزان این ضرب المثل آورده می‌شود:)

هزار دوست کم است و یک... بسیار. (مربی سپس جواب را می‌نویسد:)

دشمن

آن گاه مربی سوالات زیر را مطرح کند و کارتی را که یک طرف آن کلمه‌ی شیطان و طرف دیگر آن کلمه‌ی آمریکا نوشته شده است با توجه به سوالات به دانشآموزان نشان دهد.

۱- با وسوسه‌ی خود، آدم و حوا را فریب داد؟ مربی روی مقوا را نشان می‌دهد و

همه‌ی بچه‌ها می‌گویند:

۲- از رژیم پلید و جنایتکار پهلوی حمایت کرد و هزاران تن از مردم ایران را به

شهادت رساند. مربی پشت مقوا را نشان می‌دهد و همه بچه‌ها می‌گویند: آمریکا

۳- با وسوسه او بی اجازه به کیف یکدیگر دست می‌بریم؟ (روی مقوا)

۴- در طبس هوایپماها و هلیکوپترهای آن‌ها در طوفان شن گرفتار شدند؟ آمریکا

۵- با وسوسه او تنبی کرده، درس و نماز را ترک می‌کنیم؟ (پشت مقوا)

۶- به حمایت او صدام جنگ علیه ایران را آغاز کرد؟ (پشت مقوا)

۷- به کارهای بد کشاندن جزو برنامه‌های آنهاست؟ (روی و پشت مقوا)

شیطان

مربی جمله زیر را که از قبل روی مقوا آماده کرده به دانشآموزان نشان می‌دهد. البته

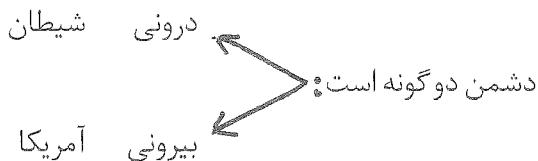
ره توشه راهیان نور

روی تخته سیاه هم می‌تواند بنویسد و می‌گوید: خوب بچه‌ها این جمله از کیست؟

آمریکا، شیطان بزرگ است

انواع دشمنان

مربی روی تعدادی کارت، کلمات درونی، شیطان، تنبی و... را می‌نویسد و پشت آنها به ترتیب بیرونی، آمریکا، فیلم بد و... را می‌نویسد و با این مطلب شروع می‌کند: ما دو گونه دشمن داریم. (کارت درونی و بیرونی را نشان می‌دهد و می‌پرسد): ارمغان این دشمنان چیست (به همین ترتیب از کارت‌های بعدی استفاده می‌کند و تذکرات اخلاقی لازم را پیرامون هر یک با کمک گرفتن از دانش آموزان عنوان می‌کند).



برروی کارت: ← هوا و هوس تنبی جهل غفلت

ارمغان دشمنان

بر پشت کارت: ← فیلم بد دوست بد کتاب بد سرگرمی بیهووده

مسایقیه

(مربی ابتدا سؤالات زیر را از تمام بچه‌ها می‌پرسد و جواب‌های آنها را گوشش می‌دهد.)

بچه‌ها بیهوده‌ین دوست ها کیستند؟

بله بیهوده‌ین دوست هنوز چه کلمیم؟

با دشمن خود چه کنیم؟

کدام مخالفت است که خوب است؟

عاقلترین مردم چه کسی است؟

سپس مربی عبارت زیر را که ترجمه‌ی حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ است روی تخته سیاه می‌نویسد و چند نفر از دانش‌آموزان را انتخاب می‌کند و از آنها می‌خواهد که مطالب روی تخته را به همان صورت درکاغذی بنویسند. آنگاه چهار کلمه «دشمن» - مُدَّای - اطاعت و مُخالفة، را روی تخته می‌نویسد و از بچه‌ها می‌خواهد با کلمات داده شده جاهای خالی را پر کنند. هر کدام سریعتر جاسازی کرد و تحويل داد، برندۀ است. سپس حدیث را چند بار تکرار کرده، مقداری توضیح می‌دهد و سپس جواب سؤالات بالا را مجدداً از بچه‌ها می‌پرسد و توضیحات لازم را پیرامون هر یک عنوان می‌کند.

عاقلترین مردم کسی است که خود را بشناسد و او را فماید.

و خود را بشناسد و او را فماید

دشمن هر یک را بگو

نام تعدادی از اولیای خدا روی تخته نوشته شود و از دانش‌آموزان می‌خواهیم دشمنان ایشان را حدس بزنند. یا اینکه نام اولیای خدا را روی کارت و نام دشمنانشان را پشت کارت می‌نویسیم. و در آخرین کارت که به نام دانش‌آموزان است، از بچه‌ها می‌خواهیم نام دشمنانشان را نام ببرند و سپس پاسخ‌های دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

هابیل	فایبل	ابراهیم ﷺ	اصحاب کهف (باران عار)	نصرود	دقیانوس
طلالوت	حالوت	موسی ﷺ	فرعون	پیامبر اسلام ﷺ	کفار و مشرکین
علی ﷺ	معاویه	امام حسین ﷺ	یزید	امام موسی کاظم ﷺ	.

هارون الرشید امام رضا علیه السلام مأمون امام خمینی شاه، آمریکا
مؤمن شیطان فلسطین اسرائیل

مربی می‌تواند داستان مبارزه‌ی یکی از اولیای خدا را که ذکر آن‌ها رفت برای دانش‌آموزان به صورت داستانی جذاب همراه با نقاشی روی تخته یا روی مقوا تعریف کند. ما برای مثال داستان طالوت و جالوت را می‌آوریم.

جمعیت زیادی در دامنه کوه جمع شده بودند. زیرا مردم محروم شهر «صوف» زندگی رقت باری داشتند. آن‌ها از مدت‌ها پیش دستورهای خدا را نادیده گرفته و به تن پروری و خوشگذرانی پرداخته بودند. و پول خود را در راه گناه مصرف کرده یا به آزار و اذیت همدیگر مشغول شده بودند و... اینها سبب شده بود که دیگران شهر و دیارشان را اشغال کنند. پس از سال‌ها رنج و بدبختی مردم شهر صوف فهمیده بودند که باید از مرگ نترسند تا بتوانند دست ستمکاران متجاوز را از سرزمین خود کوتاه نمایند. اما منتظر بودند تا کسی آنها را رهبری کند. برای همین در دامنه کوه جمع شدند تا طبق فرمان پیامبر خدا (سموئیل) فرماندهی لایق تعیین شود. چشم‌های همه بر لبه‌ای سموئیل خیره شده بود و بی صبرانه منتظر گفتارش بودند که سموئیل یکباره لب به سخن‌گشود و گفت: «ای مردم، خداوند یکی از شجاعترین جوانان را که خوب می‌اندیشد و خوب کار می‌کند به رهبری شما برگزیده است. گفتار او را گوش کنید و از فرمانش اطاعت نمایید».

گروهی از اشراف به مخالفت برخاستند که چرا باید طالوت فرماندهی ما باشد سموئیل هم گفت: «خداوند لجاجت و عناد شمارا می‌دانست و به همین سبب برای صدق گفتار خویش علامتی قرار داد و آن اینکه از شهر بیرون بروید تا صندوق عهد را که سالهاست از دست داده‌اید بنگرید که پیدا شده است» (صندوق عهد در زندگی مردم صوف داستان عجیبی دارد. وقتی آنان به جنگ دشمن می‌رفتند همان صندوق را در

پیشاپیش لشکر به میدان نبرد می‌بردند. و با دیدن صندوق قلب دشمن می‌لرزید و پایه فرار می‌گذاشتند. ولی چون مردم راه گناه را در پیش گرفتند خداوند بیگانگان را بر آنها مسلط ساخت و صندوق عهد را از آنها گرفت) مردم با دیدن صندوق به راستی سخن پیامبر ایمان آوردند و به حمایت از طالوت برخاستند. طالوت هم برای مبارزه با جالوت در صدد تشکیل سپاهی برآمد. طالوت گفت: «ای مردم، ما برای پیروزی فقط به لشگری احتیاج داریم که ایمان به خدا داشته باشند و در جنگ، شک و تردید به خود راه ندهند. زیرا ما از جنگ متنفر هستیم ولی از دست دشمن بیشتر نفرت داریم. پس باید قوی و با ایمان باشیم.»

طالوت لشکریان را آزمایش کرد تا بهترین‌ها را برای جنگ انتخاب کند. برای اینکه استقامت و صبر آنها را آزمایش کند گفت: «شما در میان راه به نهر آبی می‌رسید و کسی که براستی فرماندهی مرا پذیرفته است فقط مقدار کمی به اندازه یک کف دست آب بنوشد.» اما عده‌ی کمی از این آزمایش سربلند بیرون آمدند.

سپاهیان طالوت با ایمان به خدا به راه افتادند تا به نزدیکی اردوگاه دشمن رسیدند و در مقابل لشگرگاه جالوت اردو زدند و آماده نبرد شدند.

در روز نبرد، جالوت که مرد تنومند وقوی هیکلی بود در میدان جنگ هماورد می‌خواست و با غرور فراوان فریاد می‌زد: «کیست با من بجنگد؟» داود که نوجوانی زیبا و با هوش بود از فرماندهی اجازه خواست تا به جنگ جالوت برود. طالوت هم وقتی اراده‌ی قوی و ایمان او را دید، درخواستش را قبول کرد. داود زره‌ای بر تن داشت چوبدستی و قلاب سنگ خود را آماده کرد و چند سنگ از زمین برداشت (مربی در اینجا می‌تواند به مبارزه مردم فلسطین به وسیله‌ی سنگ اشاره بکند). و به طرف میدان رفت. جالوت خودخواه از روی تماسخر و بی اعتنایی به داود گفت: «آه شمشیرت کجاست؟ سپرت

کو؟ (مربی تصویر قلاب سنگ، شمشیر و میدان نبرد را بخوبی می‌تواند به تصویر بکشد)
گمان کردی با کودکی هم سن و سال خود جنگ داری؟» داوود در جواب گفت: «سپر و
شمشیر لازم نیست، من با نام خدا و قدرت ایمان به جنگ تو آمدہام.»

در این هنگام داوود به سرعت خود را کمی عقب کشید و سنگی به قلاب نهاد و با
شدت تمام آن را رها کرد. هدف‌گیری کاملاً درست بود. سنگ، پیشانی جالوت ستمنگر را
شکافت. داوود در حالی که قلبش از ایمان به خدا می‌تپید با سرعت هر چه بیشتر بار دیگر
سنگی بر قلاب نهاد و سرجالوت را نشانه گرفت، سنگ دوم کار خود را کرد و درست بر
حساسترین قسمت سرِ جالوت اصابت کرد و پیکر تنومند او را نقش برمی‌ساخت.
سپاهیان اشغالگر جالوت، از مرگ فرماندهی خود سخت هراسان شدند و از آن طرف با
فرمان طالوت و با یک حمله عمومی و همه جانبیه صفت دشمنان خدا را در هم شکسته و
آنها را به سزای اعمال خود رساندند.

اجتماعی

نام درس

محمدعلینی

روزهای خوب خدا

موضوع

اجتماعی - سیاسی

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با شروع نهضت اسلامی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و روزهای حساس انقلاب و پیروزی انقلاب اسلامی و عوامل آن آشنا می شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱- شروع نهضت اسلامی

۲- روزهای مهم انقلاب

۳- عوامل پیروزی انقلاب اسلامی

هدف رفتاری

از دانش آموزان انتظار می رود که در پایان درس بتوانند عوامل انقلاب اسلامی را ذکر کنند و حافظ دستاوردهای انقلاب اسلامی گردند.

روش های مناسب تدریس

۱- توصیعی ۲- فعال(پرسش و پاسخ - بازی با کارت - داستان - خاطره - شعر)

رسانه های آموزشی

تخنه سیاه - کارت بازی

روزهای خوب کند

دانش آموزان عزیز، سلام و صد سلام. ان شاء الله که حال شما خوب است.
خوب، بگویید اول هر کار:

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



حالا، این چه عددی که روی تخته می نویسیم: بله، عدد یک.
چه کسی می تواند بگویید او لین اصل از اصول دین چیست؟ آفرین، توحید.
اعتقاد (اشتئن) به خدا یگانه.
توحید یعنی چه؟
آفرین، نماز.
چه کسی می تواند بگویید او لین فرع از فروع دین چیست؟
نماز صحبت کردن با خداست که آدمی را به خدا نزدیک می کند. حدیث زیر را با هم
تکرار کنیم:

«الصلوة معراج المؤمن»، نماز بالا پرندۀ شعبه شعّصون پا (ایمان است.

خوب، بچه ها روزی چند مرتبه با خدا صحبت می کنید؟ بله، پنج مرتبه صبح، ظهر،
عصر، مغرب، عشاء هر کس از شما بگوید که هر مرتبه چند رکعت نماز می خوانیم، همه با
هم با صلوات او را تشویق می کنیم.

صبح: (۲ رکعت) ظهر: (۴ رکعت) عصر: (۴ رکعت) مغرب: (۳ رکعت) عشا: (۴ رکعت)

حالا چه کسی می تواند بگوید معصوم اول از چهارده معصوم کیست؟ بله، پیامبر

اسلام، حضرت محمد ﷺ



و امام اول کیست؟ حضرت علی علیه السلام
حالا بگویید این چه عددی است که روی تخته می نویسیم؟ عدد پنج.

اصول دین و مذهب ما چند تاست؟ ۵ تا.

چه کسی می‌تواند آن‌ها را بشمارد؟ آفرینش: توحید - نبوت - امامت - عدل - معاد.

امام پنجم ما چه کسی است؟ امام محمد باقر علیه السلام

معصوم پنجم ما چه کسی است؟ امام حسین علیه السلام

حالا، عدد ۵ را کنار عدد ۱ بگذاریم، چه عددی به دست می‌آید؟

می‌دانید پسرها در چند سالگی به تکلیف می‌رسند؟

بله، در ۵ (سالگی).

حالا، چند کارت به شما نشان می‌دهم، هر کس توانست ارتباط کارت‌ها را با عدد ۱۵

بیان کند، او را تشویق می‌کنیم: «طیب طیب اللہ احسنت پارک اللہ»

شعبان

ذی الحجه

رمضان

یک راهنمایی می‌کنم: در ۱۵ این سه ماه قمری، سه امام بزرگوار ما به دنیا آمده‌اند؟

۱۵ رمضان: تولد امام دوم؛ امام حسن مجتبی علیه السلام

۱۵ ذی الحجه: تولد امام دهم؛ امام علی نقی علیه السلام (امام هادی)

۱۵ شعبان: تولد امام دوازدهم؛ امام زمان (عج) (حضرت مهدی)

بله در ۱۵ یک ماه شمسی نیز اتفاق مهمی افتاد که بعدها منجر به پیروزی انقلاب

اسلامی گردید. چه کسی می‌تواند بگوید آن چه ماهی بود؟

بله، ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که نقطه شروع انقلاب اسلامی به رهبری مردم الهی بود. با

بیان ماجرای آن سال، نام آن مرد خدایی را بگویید. (جاهای خالی نام آن رهبر الهی

است)

ماه محرم فرا رسید. محرم آن سال با خرداد ماه همزمان بود..... با استفاده از برکات

این ماه، مردم عزادار را برای مقابله و قیام علیه رژیم شاه دعوت کرد. در روز عاشورا،

هزاران نفر در تهران، قم و بعضی شهرهای دیگر علیه شاه راهپیمایی وتظاهرات کردند. در تهران مردم در حالی که عکس‌های.... را در دست داشتند، به مقابل کاخ شاه رفتند و فریاد «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند. عصر همان روز،... یکی از پرشورترین سخنرانی‌های خود را در مدرسه فیضیه قم انجام داد.... در آن سخنرانی خطاب به شاه گفت: «...آقا من به شما نصیحت می‌کنم.... دست بدار از این کارها... من میل ندارم که یک روز اگر بخواهند تو بروی، همه شُکر کنند... نصیحت من را بشنو!...»

این سخنان برای کسی که خودش را شاهنشاه ایران می‌نامید، بسیار گران تمام شد. شاه که خود را از همه ملت ایران بالاتر و شایسته‌تر می‌دانست و نمی‌توانست دیگری را بالاتر از خود ببیند، حکم بازداشت.... را صادر کرد.

در سحرگاه روز ۱۵ خرداد ماه ۱۳۴۲، صدها نفر از نیروهای کماندوی ارتش، خانه.... را محاصره کردند. آن‌ها پس از دستگیری کردن.... او را به زندان قصر تهران برندند.^(۱)

بازی با کارت: بچه‌ها، به کارت‌هایی که در دستم هست، خوب توجه کنید تا با تاریخ انقلاب اسلامی آشنا شوید:

آن رهبر چه کسی بود؟

آری، بعد از دستگیری و زندانی شدن امام خمینی، صبحگاه ۱۵ خرداد مردم ایران با شعارهای «یامرگ یا خمینی» به مقابله با رژیم ظالم شاه پرداختند که ۱۵۰۰۰ نفر از مردم توسط عوامل مزدور شاه به شهادت رسیدند.

امام خمینی بعد از آزادی از زندان و بازگشت به قم در سال ۱۳۴۳ به افشاگری علیه رژیم وابسته شاه و اربابانش امریکا و اسرائیل پرداخت. این بار کماندوهای شاه

۱- امیر حسین فردی: «امام خمینی»، دفتر انتشارات کمک آموزشی، تهران، چ ۲، ۱۳۷۸، ص ۳۷.

در آبان ۱۳۴۳ شبانه وارد منزل امام شدند و ایشان را از همان جا به فرودگاه مهرآباد برداشت و از آن جابه **(ترکیه)** تبعید نمودند و بعد از ۱۱ ماه ایشان را به **(عراق)** تبعید کردند.

در آبان ۱۳۵۶ فرزند برومند امام خمینی، آیة‌الله سید مصطفی خمینی به دست مزدوران رژیم شاه به شهادت رسید. در **(۱۷ دی ۱۳۵۶)** یکی از روزنامه‌های وابسته در مقاله‌ای به رهبر عزیز! اهانت نمود. این مسأله باعث شد که مردم قم قیام کنند و در **۱۹ دی ۱۳۵۶** تعداد زیادی شهید و مجروح دهند. این قیام، اولین جرقه انقلاب اسلامی بعد از ۱۵ سال بود که زده شد.

بعد از قیام قم، مردم سایر شهرها نیز به پا خاستند و قیام سراسر کشور را فراگرفت. سال **(۱۳۵۷)** اوج تظاهرات و راهپیمایی مردم و مقابله با رژیم ستم شاهی بود. یکی از روزهای این سال به **(جمعه خونین)** معروف شد.

می‌توانید بگویید چرا؟ زیرا در راهپیمایی میلیونی ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ که مرد وزن و کودک و نوجوان و... به میدان راله تهران آمده بودند، توسط دزخیمان رژیم به خاک و خون کشیده شدند و حدود ۵۰۰۰ نفر به شهادت رسیدند.

راتستی بچه‌ها چه کسی می‌داند روز دانش آموز چه روزی است؟ آبان ۱۳۹۳ برای این که بدانید چرا آبان را روز دانش آموز نامگذاری کرده‌اند، خوب توجه کنید. نیمه‌های پاییز سال ۱۳۵۷ بود. برخلاف همه پاییزهای کلاس‌های درس مدارس و دانشگاه‌ها فعال بودند، در آن پاییز دانش آموزان و دانشجویان به فرمان امام اعتراض کردند و به مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها نمی‌رفتند. دیگر نه میز و نیمکتی در کار بود و نه معلمی که مثل همیشه بیاید و از روی کتاب، درس بدهد. همه به فرمان امام در کوچه‌ها و خیابان‌ها راهپیمایی و تظاهرات می‌کردند و درس انقلاب را می‌آموختند. آن روزها همه

ایران یک آموزگار، یک معلم و یک استاد داشت و او کسی جز امام خمینی نبود که به همه درس آزادگی و ایستادگی در برابر ظلم را می‌آموخت.

یکی از صحنه‌های بسیار زیبا و لطیف مبارزات مردم در آن زمان، صحنه‌های تظاهرات و راهپیمایی‌های دسته جمعی دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس بود. بچه‌ها، در گروه‌های کوچک و بزرگ و در حالی که پارچه بزرگ و نوشته شده‌ای در پیشاپیش صفحه‌ایشان بود، در دسته‌های جداگانه در خیابان‌ها راه می‌افتدند.

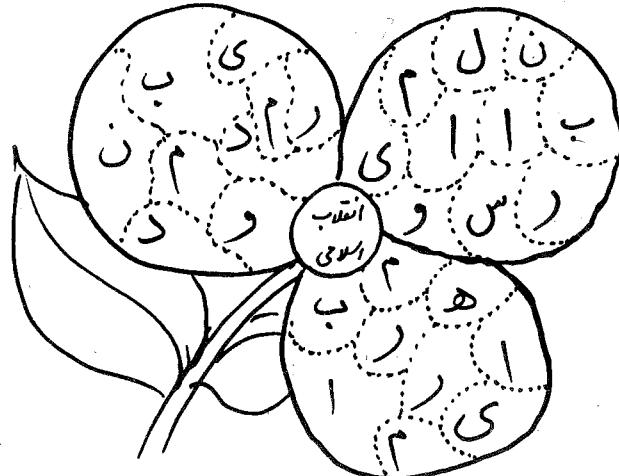
شعارهای دلنشیں و آهنگین آن‌ها، هر بیندهای را تحت تأثیر قرار می‌داد. مسیرهای راهپیمایی دانش‌آموزان تهرانی، بیشتر به سوی دانشگاه تهران بود. یعنی جایی که دانشجویان در حیاط بزرگ آن با برپایی راهپیمایی و سخنرانی، آتش انقلاب را شعله ور تر می‌کردند.

در روز سیزدهم آبان ماه همان سال، زمانی که دانش‌آموزان و دانشجویان تهرانی در حیاط و اطراف دانشگاه تهران مشغول راهپیمایی و تظاهرات بودند، ناگهان نیروهای مسلح شاه که با تانک‌ها و نفربرهایشان در خیابان‌های دور دانشگاه مستقر بودند، به سوی آن‌ها آتش گشودند و عده‌ای از دانش‌آموزان و دانشجویان را به شهادت رساندند. در آن روز سرد و سربی پاییز، تعدادی از دانش‌آموزان در حالی که پیراهن‌های خونین برادران شهید خود را بر سر دست گرفته بودند، گریه کنان در خیابان‌ها می‌دویدند و آن‌ها را به مردم نشان می‌دادند.^(۱)

رأسمتی بچه‌ها هیچ فکر کرده‌اید جهه عواملی باعث شد مردم ایران دست خالی در برابر رژیم تا دندان مسلح شاه و اریابان او بایستد و انقلاب را به پیروزی برساند.

۱۲۰ ره توشه راهیان نور

برای این که به راز پیروزی انقلاب پی ببرید حروف پراکنده داخل گلبرگ‌ها را به گونه‌ای کنار هم قرار دهید تا راز پیروزی انقلاب اسلامی را به دست آورید.^(۱)



سرانجام با پایداری و ایستادگی مردم، شاه خاقان در ۲۶ دی ۱۳۵۷ از ایران فرار کرد و امام خمینی در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در میان استقبال میلیونی مردم وارد ایران شد. بعد از ۵ روز به یاد ماندنی، انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به رهبری امام به پیروزی رسید.

آیا می‌دانید این ده روز به چه ایامی معروف است؟ ده فجر
این روزهای خوب خدا که روزهای پیروزی در آن شکل گرفته است به ایام الله معروف است.

حالا به یک شعر زیبا توجه کنید:

۱- این عوامل عبارتند از: ۱. اسلامی بودن ۲. مردمی بودن ۳. رهبری امام

روزهای خوب خدا

۱۲۱

«آن روز خوب»

آن روز خوب و ماندنی را
هرگز نپاید پرد از پاد
روزی که مردی آمد و پاز
ما از قفسن گشتهیم آزاد

درس پریدن را که آموخت
دل های ما شد آسمانی
مثل کبوترها پریدیم
لپرین شور و شادمانی

هرگز نمی گردد فراموش
آن روز خوب و آفتابی
روزی که سر زد پر زبانها
فریادهای انقلابی
(علی محمد شهیدی فر)

وقتی که آمد در رمندان
شد آسمان ما پهاری
در قلب های خسته ما
کرد آپسار نور چاری

نام درس

عبدالحسین اعلمی

نشست گلها ۱ و ۲

موضوع

تعلیم و تربیت دینی

هدف کلی

برای حضور جمعی دانشآموزان در تهیه و اجرای دو برنامه دو ساعته در طول دوره‌ی تابستانی طرح پیشنهاد می‌شود این طرح برای پرورش اندیشه در ضمن بازی و تقویت بیان، قلم و روح هنری دانشآموزان مؤثر است.

اهداف جزئی

مربيان محترم در اجرای اين طرح با موارد زير آشنا مي شوند.

۱- اهمييت پرnamه‌های چمعی پرای دانشآموزان

۲- پرnamه‌های مشترک نشست گلها

۳- پرnamه‌های اختصاصی نشست گلها

هدف رفتاری

مربي دانشآموزان را برای اجرای برنامه‌های جمعی آمده و تشويق كند. و دانشآموزان در ضمن بازی اندیشه‌هایشان را می‌پرورانند. بیان و قلم خویش را تقویت می‌کنند.

روش‌های مناسب تدریس

فعال (پرسش و پاسخ، بازی و سرگرمی، گفتگو، مسابقه....)

رسانه‌های آموزشی

قرآن، وسائل پذیرایی، توب و تور بستکمال، کارت، تابلو، کتاب‌های آموزنده

the first time in the history of the world, the people of the United States have been called upon to decide whether they will submit to the law of force, or the law of the Constitution. We shall not shrink from that decision.

It is now less than three months since the election of Abraham Lincoln as President of the United States. In that short time, the Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

The Southern states have seceded from the Union, and the Federal troops have been driven from their soil.

پژوهیت‌کلها

۱۲۵

اهمیت و پیشنهاد طرح

عزیزان تلاشگر و دلسوز ختگان تعلیم و تربیت به خوبی می‌دانند که مربی کاری فراتر از معلمی دارد. اگر معلم که نقش اصلی وی تعلیم است ناچار باشد همت خویش را در تفهیم واژه‌ها و اصطلاحات علمی مبدول دارد. مربی در جستجوی راههای مؤثرتر در امر تربیت است و این مهم جز با تلاش برای به کارگیری روش‌ها و مهارت‌های متنوع به بار نمی‌نشیند. در روش معمول که بر **حفظ** و تکرار استوار است، معلم واژه‌ها و مفاهیم را غالباً به صورت یکنواخت دیکته می‌کند و شاگرد، آن‌ها را به حافظه می‌سپارد و با تکرار و تمرین به صورت کتبی یا شفاهی تحويل می‌دهد. این روش هر چند در حد ضرورت معقول است و در انتقال مفاهیم دینی مؤثر می‌باشد اما برای تربیت کافی نیست.

روش دیگر که در کنار روش پیشین سودمند است روش «حضور جمعی فراگیران» در تهیه و اجرای برنامه‌ها است که در سطح دانش‌آموzan ابتدایی می‌توان آن را با بازی و سرگرمی در آمیخت و در پی آن هدف‌های تربیتی را دنبال کرد. در این روش مربی بیشتر نقش راهنمای و نظارت را دارد و اگر خوب زمینه سازی کند و اندکی از وقت و دقیقت خویش مایه بگذارد می‌تواند علاوه بر آموزش مفاهیم، معتقدات دینی فراگیران را در فضایی متنوع و مورد پسند آنان، متفکر، خلاق، واجتماعی بار بیاورد و با شناسایی تفاوت‌های فردی که آنان دارند، در پرورش استعدادهایشان، راه کارهای مناسب را برگزیند.

آنچه برای ما مهم است ایجاد انگیزه برای سوق دادن اندیشه‌ها به سوی این روش‌ها است که در این رهگذر فکرهای روشی و سلایق زیبای شما می‌تواند با در نظر گرفتن

محیط، امکانات و روحیات فرآگیران که به تربیت آنان مشغولید، مناسبترین برنامه‌ها و شیوه‌ها را برگزینند. با این حال به اقتضای نام ره توشه، برای این که توشه راهی نیز فراهم گردد جهت برگزاری دو جلسه و نشست در طول دوره تابستانی با در نظر داشتن امکانات محدودی که در این زمان نوعاً در مناطق تبلیغی مشهود است برنامه‌ای پیشنهاد می‌گردد. این برنامه چنانچه ملاحظه خواهید کرد از جهت محتوا و اجرا انعطاف‌پذیر است و شما می‌توانید با توجه به شرایطی که در بالا اشاره گردید به کیفیت آن بیفزایید. شما پس از یک هفته که با دانش‌آموزان و محیط آشنا شدید، این جلسه را پیشنهاد، می‌کنید. با آنان شورت می‌نمایید و می‌خواهید که برای فراهم کردن محتوای برنامه‌ها و اجرای آن همکاری نمایند از همان روزهای اول نامی برای آن برمی‌گزینید.

در برگزاری این نشست‌ها سعی شود نکات مهم زیر رعایت گردد.

- (۱- حتی الامکان نشست‌ها در محیطی مخارج از کلاس و در قسمایی آرام و چذاب اجرا شود.
- ۲- برای شرکت در نشست‌ها پیشتر برای ایجاد انگیزه چاره چویی کنید تا اچیار.
- ۳- تلاش براین پاشد که دانش‌آموزان در انتخاب و فراهم کردن چایگاه، تهیه محتوای برنامه‌ها و اجرای آن پیشترین نقش را (یقانمایند.
- ۴- قبل از برگزاری هر نشست نکشن افراد مشخص گردد و آن‌ها برای تهیه و اجرای برنامه‌های مدیوط به مفود، توجیه شوند.
- ۵- به تلاش تک تک پیچه‌ها هر چند ناقص و اندک پاشد با دیده احترام پنگرید و به گونه‌ای از آن‌ها قدردانی کنید.

برنامه‌های مشترک این دو نشست عبارتند از: محوش آمد گویی، پذیرایی و استدراحت، اجرای مسابقه‌ی بازی و اندیشه. هر نشست چند برنامه اختصاصی نیز خواهد داشت با این بیان، برنامه‌های مشترک و اختصاصی در دو گفتار دنبال خواهد شد.

گفتار اول: برنامه‌های مشترک نشست گل‌ها

علاوه بر نکات مهم و کلی که در مقدمه ذکر شد و لازم است که در طول تهیه و اجرای برنامه‌های هر دو نشست رعایت شود، برنامه‌های زیر نیز انجام می‌پذیرد.

الف - آغاز جلسه و خوش آمد گویی

یکی از دانش‌آموزان به عنوان مجری انتخاب می‌شود، او پس از سلام و احوالپرسی به آنان خوش آمد می‌گوید و یکی از بچه‌ها را فرا می‌خواهند که چند آیه قرآن را با صوت زیبا بخواند. آنگاه توضیح مختصری درباره‌ی زمان و نحوه‌ی اجرای برنامه‌ها داشته باشد.

ب - پذیرایی و استراحت

قبل از برگزاری جلسه چند نفر از بچه‌ها امور تدارکاتی را به عهده می‌گیرند و با کمک مربی مبلغی را برای پذیرایی فراهم می‌کنند و در وقت مقرر پذیرایی را انجام می‌دهند. سپس بچه‌ها حدود یک ربع استراحت خواهند کرد. برای این که زیاد پراکنده نشوند اگر نیاز باشد از آنان می‌خواهد که یک بازی محلی دسته جمعی انجام دهند.

ج - اجرای مسابقه‌ی پازی و اندیشه

بچه‌ها علاقه زیادی به بازی دارند، مربی می‌تواند در قالب همین بازی‌ها، اندیشه آنان را هم به کار گیرد و به آموخته‌های آن‌ها بیفزاید. این مسابقه نیز به همین منظور پی ریزی شده است و اوصاف زیر را دارا است.

(- آموزش غیر مستقیم، و در قالب پازی و مسابقه است.

۲- محتوای آن عبارت‌هایی است از آیات قرآن، حدیث، شعر، ضرب المثل، و از متن درسی دانش آموخته نیز می‌توان استقاده کرد.

۳- در فضای پاز و پسته و نیز پا افراد کم و زیاد قابل اصرار است.

۴- سرعت پرای یافتن سریعتر کارت مورد نظر و نیز دقیق پرای یافتن مناسب‌ترین

کارت از ترددیکنده مسیر، دو ویژگی آن است که شرکت کننده در مسابقه را، به هیچ‌جان و تلاش و امیدارد.

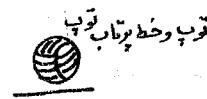
مقدمات اجرای مسابقه

- کارت‌هایی را در اندازه‌های تقریبی 5×10 سانتی‌متر فراهم کنید. هر چه تعداد آن‌ها بیشتر پاشد به تنوع مسابقه می‌افزاید. لااقل ۶۰ کارت تهیه شود و روی هر کارت عبارتی پتویسید.^(۱)

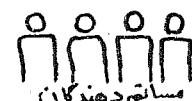
۲- علامت (فلشن)‌های زیر حروف‌ها را، با رنگ قرمز مشخص نمایید. در هر عبارت، زیر دو حرف، علامت (فلشن) وجود دارد، که از سمت راست پایام «ولین حرف علامت دار» و «دویین حرف علامت دار» معرفی می‌شوند.^(۲)

۳- ترجیحاً از فضای پازدای اجرای مسابقه استفاده کنید. سه یا چهار تقدیرایی مسابقه انتخاب کنید. پیش از محضور آن‌ها، جایگاه مسابقه آماده شود. هر چه امکانات بیشتر پاشد و پتوانید فضای چداب تدری فراهم کنید رضایت داشش آموزان را هم بیشتر جلب کرده‌اید. ساده ترین شکل برگزاری آن می‌تواند چنین پاشد.

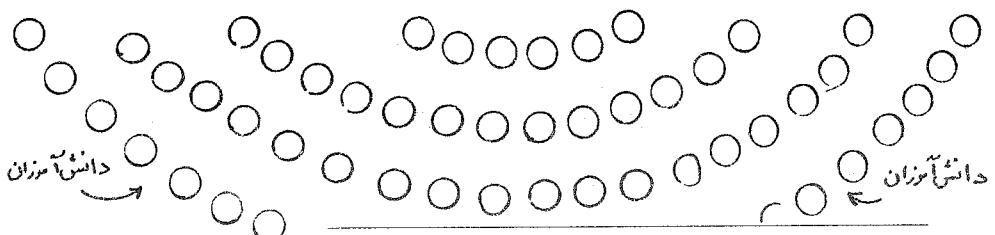
تابلوی اسیارها



محل نگاردن کارتها



حق نگاردن کارتها



۱- از عبارت‌های مذکور در قسمت «محتوای کارت‌ها» استفاده شود. همچنین می‌توانید از عبارت‌های کوتاه

کتاب‌های درسی دانش آموزان نیز استفاده کنید.

۲- بهتر است این دو حرف را با رنگ جداگانه بنویسیم.

۴- همانگونه که از شکل پیداست یک سپد پستکیال در چند متری تاپلوی امیازان قرار دارد. این برای «امیاز و بُر» است، سما می تواید از اپار دیگری برای این کار استفاده کنید. مثلاً آدمک عموم سام را در فاصله سه متری قرار دهید. مسابقه دهنده توپ را به آن پرند در این حال پیچه ها شعار «مرگ بر آمریکا» را سرمی دهد.

۵- مربع های ۱ و ۲، معلم های چیدن کارت ها است. از آن چا که روی پرچمی کارت ها آپه و حدیث نوشته شده است پهت از صندلی، چارپایه و... استفاده شود تا از سطح زمین پالابر قرار بگیرد. کارت ها را می تواید روی هم قرار دهید یا کنار هم بچینید. اطراف معلم ها را نیز پهت از پا گل و... تزیین کنید.

۶- مسابقه دهنگان، در یک سمت و مدپی در سمت دیگر قرار مواهد گرفت. او نقس داور و ناظر را بیگناهی کند. امیازها را مدپی یا دو نفر از دانش آموزان روی تاپلو پادداشت مواهند کرد. در قسمت پایین نیز دانش آموزان دیگر به صورت نیم دایره بیشینند.

۷- پهت از عبارت ها را در چند پرگ تکیب نموده، در اختیار دانش آموزان قرار دهید یا روی تاپلو نصب کنید.

مراحل برگزاری مسابقه^(۱)

۱- مسابقه دهنگان در مدت کوتاهی یک پار کارت ها را در معلم هایشان مشاهده می کنند تا حضور دهن پیشتری پیدا کنند و به موقع کارت مورد نظر را شناسایی و ارانه دهنده. برای تعیین مدت، دانش آموزان دیگر از یک تا سی پسمنارند. یا شعری را که همگی حقظ هستند بخوانند مانند شعر «خدای خوب و مهریان».

۲- به قید قرعه یا پاسخ به سوال مدپی، آغاز کندهای مسابقه معلوم می شود. از او

۱- یادآوری می شود که در این مسابقه، گذشته از تفاوت هایی که در نحوه اجرا و عبارت ها وجود دارد، به طور کلی از الگوی «مشاعره» استفاده شده است.

ره توشه راهیان نور.....

می‌خواهید که یک کارت پیاوود، برای مثال کارتی که اولین حرف عالمت دار آن «ب» باشد.

هنگامی که او حرکت را آغاز کرد وقت که قوه می‌شود،^(۱)

۳- مسابقه دهنده پس از پرداشتن کارت و پیش از رساندن آن به چایگاه می‌تواند توب پاد رسید پیاندارد و امتیاز مدیوthe را کسب کند. این «امتیاز ویژه» است. کسی که پتواند زودتر از مهلت مقرر پرگرد پا اندامتن توب در سپد، ۵ امتیاز دریافت می‌کند و اگر خارج از مهلت توب را در سپد پیاندارد ۳ امتیاز کسب خواهد کرد.

۴- پس از رساندن کارت به چایگاه، فعالیت‌های دیگر و امتیازها به ترتیب زیر موارد بود.

- اگر کارت را درست پیدا کرده باشد ۵ امتیاز دارد. ۵ امتیاز را وقتی می‌گیرد که قبل از شماره ۱۰ کارت را پیاوود. آوردن عبارت در شماره‌ی ۱۰ چهار امتیاز، پین ۱۰ - ۲ سه امتیاز و رساندن آن در شماره ۱ دو امتیاز دارد.

- اگر عبارت کارت را از حقچه پگوید ۴ امتیاز و اگر از رو پخواند ۲ امتیاز می‌گیرد.

- اگر متن عبارت، آیه یا حدیث باشد، هر کس ترجمه‌ی آن را بگوید ۳ امتیاز می‌گیرد. (همچنین است در صورت عکس آن یعنی متن کارت ترجمه پاشد و او آیه یا حدیث را پگوید) آورنده‌ی کارت برای پاسخ گویی اولویت دارد. اگر توانست مسابقه دهنگان و بعد از آن‌ها، شرکت کنندگان می‌توانند پاسخ پگویند و امتیاز پگیرند. نام این را «پاسخ ویژه» می‌گذاریم.

- در این جا برای فعال شدن دانش‌آموزان شرکت کننده وقت را دو قسمت کنید. قسمت دوم در تمام مراحل شماره معکوس ۱۰ تا یک باشد. برای قسمت اول شیوه‌های مختلفی می‌توانید برگزینید از جمله:

- گذشتن یک دقیقه

- خواندن یا تکرار یک شعر، دعای کوتاه و... در مدت یک دقیقه

نشست گل‌ها ۱ و ۲

۵- پا توجه په مدن عبارت کارت پیشین فعالیت نقد دوم آغاز خواهد شد. او دوین حرف علامت دار را نگاه می‌کند و برای آوردن کارت دیگر حرکت می‌کند. او پاید کارتی را پیاورد که اولین حرف علامت دار آن، پا دوین حرف علامت دار کارت قبلي، یکسان باشد. توجه: اندختن توپ در سبد، رساندن کارت و امتيازها نيز په روشن پیشین مخواهد بود.

- ۶- نقد سوم و بعد از او نقد چهارم نيز په ترتيب پس از رساندن و مخواهند شدن هر کارت نوسط نقد قبلي همانند نقد اول و دوم برای انجام مسابقه اقدام می‌کند.
- ۷- پس از پایان وقت تعیین شده، (مثلًا ۴ دقیقه) امتياز افراد محاسبه می‌گردد، نقد های اول تا چهارم تعیین می‌شوند. نقد اول و دوم تشویق گردند و از دو نقد بعدی په نھوي قدردانی په عمل آيد.

در ضمن از حاضرين نيز تقدير به عمل آيد و افرادي که در حين اجرای مسابقه امتياز گرفته‌اند، تشویق شوند.

محظوظ عبارت کارت‌ها

چنان که در قبل اشاره گردید، شما می‌توانید از آيات قرآن، احاديث، اشعار، ضرب المثل‌ها، سخن دانشمندان و... برای نوشتن روی کارت‌ها استفاده کنید در ذیل نمونه هايي ذكر مى‌شود.^(۱)

قرآن

در اين باره مى‌توان از سوره‌های کوتاه، دعاهاي قرآنی، عبارت‌های کوتاه آموزنده از آيات و آيات کوتاه قرآنی استفاده نمود، چند نمونه ذكر مى‌گردد:

۱- حتماً عبارت‌هایی از متون درسی مدارس و دوره تابستانی نیز برگزینید و به کارت‌ها اضافه کيد.

۱- «احسنو ان الله يحب المحسنين» (بقره: ۱۵۹)

نیکی کنید همانی خدا نیکوکاران را دوست دارد.

۲- «فاستبقو الخيرات» (بقره: ۱۴۸)

در انجام کارهای نیک پیشی بگیرید.

۳- «قل رب اعوذ بك من همزات الشياطين» (مؤمنون: ۹۷)

(ای رسول ما) بگو: پروردگار من از وسوسه‌های شیطان به تو پنهان می‌آورم.

۴- «ادفع بالتي هي احسن السيئة» (مؤمنون: ۹۵)

بدی را با آنچه نیک‌تر است دفع کن

۵- «ربنا لاتؤاخذنا ان نسيينا او اخطانا» (بقره: ۲۸۶)

پروردگار: اگر ما فراموش کردیم یا خطأ نمودیم ما را مُواحدَة مکن

۶- «من عمل صالحًا فلنفسه و من أساء فعلها» (فصلت: ۶)

هر کس کار نیکی کند به نفع خود و هر که کار بد کند به ضرر خود کرده است.

احادیث

چند حدیث کوتاه از حضرت علی علیه السلام

اکرام و پخشش پر ترین نیکویی است

۰۱ الايتار اشرف الاحسان

نیست توشه‌ای مانند پرهیزکاری

۰۲ لازاد كالنقوى

نیست رشدی مانند اندیشه

۰۳ لا رشد كالفكير

ایمان رستگاری است

۰۴ الايمان أمان

علم همراه با عمل است

۰۵ العلم بالعمل

میوه‌ی علم، حالمن گردانیدن عمل است

۰۶ ثمرة العلم اخلاص العمل

خوش اخلاقی پر ترین دین داری است

۰۷ حسن الخلق افضل الدين

نیشت گل‌ها ۱ و ۲

۱۳۳

۱۰ نیک پخت گشته کسی که کوشش کرد
هر که توبه کند پس رجوع به سوی خدا کرده است
نیکی به مردم سبب دوستی ایشان می‌شود
پردازی زینت اخلاق است
حسود بزرگی نمی‌باید
دنیا گذرگاه آخرت است
شکر سبب تداوم نعمت‌ها است
اقرئون ترین نعمت‌ها خردمندی است
غرض از اسلام، تسليم امر خدا بودن است
راستگویی سبب نجات و رستگاری است
علم چهار عقل است
از دست دادن فرصت موجب تکرانی است
امامت و پیشوایی انتظام احوال امت است^(۱)

وانگهی بر نفس خود قادر بود
و ز حدای خویش بیزاری مکن
عطار نیشابوری
تیرگی خواستن از نور گریزان شدن است
چو اسک دردمندان گوهری نیست
پروین اعتضامی

۱۱ قد سعد من جد
۱۲ من تاب فقداناب
۱۳ الاحسان محبة
۱۴ الحلم زین الخلق
۱۵ الحسود لايسود
۱۶ الدیننا معبرة الآخرة
۱۷ الشكر يدوم النعم
۱۸ أفضل النعم العقل
۱۹ غایة الإسلام التسلیم
۲۰ الصدق ينجی
۲۱ العلم مصباح العقل
۲۲ اضاعة الفرصة غصة
۲۳ الإمامة نظام الأمة
شعر

عاقل آن باشد که شاکر بود
ای پسر، قصد دل آزاری مکن
دل پاکیزه به کردار بد آلوده مکن
۴- به از پرهیزکاری زیوری نیست

۱- برای بافت احادیث فوق به غرالحکم مراجعه شود.

نصیحت که خالی بود از غرض چو داروی تلخ است دفع مرض
↑
سعدي

غافل منشین نه وقت بازیست
می‌کوش به هر ورق که خوانی
وقت هنر است و سرفرازیست
تا معنی آن تمام دانی
نظامِ گنجوی

ضرب المثل

- ## ۱- اندازه نگه دار که اندازه نکوست.

- ۲- بر کس مپسند آنچه تو را نیست پسند.

- ۳- تا پول داری رفیقتم، قربان بند کیفتم.

- ۴- جایی که نمک خوردی نمکدان مشکن.

- ۵- چاه کن همیشه ته چاه است.

- ۶- حرف را باید هفت دفعه قورت داد.

- ## ۷- خوش زبان باش در امانت باش.

- دانش اندیشه دل چراغ روشن است.

- ۹- هر که با مش پیش پرسش بیش.

- ## ۱۰- سینگ بزرگ نشانه نزدن است.

گفتا، دوم: بر نامه اختصاصی، نشست گاهها

مهمترین بخش که نیازمند توضیح بود، در گفتار اول اشاره گردید. برنامه نشست‌ها و چند برنامه مختصر که در هر یک از نشست‌ها مناسب است اجرا شود به قرار زیر خواهد بود.

نیشت گل‌ها ۱ و ۲ ۱۳۵

الف - پر نامه نیشت اول

زمان	۱۰ دقیقه	۲۰ دقیقه	۱۵ دقیقه	۳۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
برنامه	خوش آمدگوینی	آغاز و	کتابخوانی	نامه نگاری	بازی و استراحت و یزیرانی

كتاب‌پژوهانی؛ برای تقویت بیان دانش‌آموزان چند نفر از آن‌ها را راهنمایی کنید، از کتابخانه مدرسه، مسجد و...، هر یک کتاب ساده کوتاه و آموزنده‌ای که در دسترس باشد، مطالعه کنند و خلاصه آن را برای دوستانشان بیان نمایند. می‌توان از چند نفر خواست یک کتاب را مطالعه نمایند و هر یک قسمتی از آن را بیان کند.

نامه نگاری؛ برای تقویت قلم و انشای دانش‌آموزان چند نفر از آن‌ها را راهنمایی کنید و در باره‌ی موضوع‌هایی که دوست دارند مانند «رهبر»، «دوست»، «مادر»، «معلم» و... در یک صفحه، نامه‌ای دوست داشتنی بنویسند. اگر برای خواندن تمام آن‌ها در جلسه مزبور فرصت نبود، آن‌ها را در تابلو نصب نمایید.

ب - پر نامه نیشت دوم

زمان	۱۰ دقیقه	۱۵ دقیقه	۲۰ دقیقه	۳۰ دقیقه	۵۰ دقیقه
برنامه	خوش آمدگوینی	آغاز و	عبارت‌ها و شکل‌ها	گتفتگو	بازی و استراحت و یزیرانی

عبارت‌ها و شکل‌ها

برای تقویت روحیه هنری و جستجوگری دانش‌آموزان، از همه آن‌ها یا چند نفر که علاقمند هستند، بخواهید یک عبارت آموزنده و کوتاه به دست آورند. آن‌ها می‌توانند از پدر یا مادر، معلمان و... سؤال کنند، و این عبارت را که می‌تواند حدیث، شعر، ضرب المثل،

سخن دانشمندان و غیر از این‌ها باشد. آن گاه به سلیقه‌ی خود آن را در کادری که نقاشی می‌کنند یا کاردستی که می‌سازند بنویسند یا بچسبانند. عبارت‌ها را در جلسه بخوانند. آن گاه چند طرح و تابلوی زیبا انتخاب و در محل برگزاری کلاس‌ها نصب گردد.

گفتگو

با عنایت به پیشنهاد مقام معظم رهبری، برای نامگذاری سال ۷۹ به نام امام علی^{علی‌الله} و دو شعار وحدت و امنیت ملی؛ این سه عنوان را برای آن‌ها معنا می‌کنید و چند دانش‌آموز را فرا می‌خوانید و از آن‌ها سؤال‌هایی در این باره می‌پرسید و راهنمایی می‌کنید که در سطح خودشان مطالبی را در این باره توضیح دهنده.^(۱) مثلاً می‌پرسید:

۱- امام علی^{علی‌الله} امام چندم است؟ در پاره‌رقتار او چه می‌دانید؟

۲- وحدت در مقایل چیست؟

۳- اگر ما در پرایر دشمنان وحدت داشته باشیم چه فایده‌ای دارد؟

۴- دوستان ما و مردم چگونه می‌توانند امنیت و آسایش داشته باشند؟

۵- اگر ما مواطن رقتار و گفتار خودمان باشیم، آن‌ها امنیت خواهند داشت، به تظر شما چه رقتاری داشته باشیم و چه رقتاری نداشته باشیم؟ چه پکوییم چه نکوییم؟

۶- در پاره‌ی وحدت آیه‌ای در قرآن هست. هر کس آیه‌ی ۱۰۷ سوره‌ی آل عمران را

پیدا کرد، قسمت اول آن را با ترجمه بخواند، تا پقیه‌ی بچه‌ها تکرار کنند.^(۲)

۱- در این باره در ره توشه‌ی راهنمایی همین سال، با عنوان نشست گل‌ها ۲ مطالبی بیان گردیده است.

۲- چند جلد قرآن، را که قبل آماده کرده‌اید در اختیار چند دانش‌آموز قرار دهید تا آیه را پیدا کنند.

مناسبات

نام درس

عبدالکریم صالحی

گل سوسن

موضوع

تاریخ اسلام

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با ولادت امام حسن عسکری و بعضی از فضایل و بزرگواری‌های ایشان آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند.

۱- معنای عسکر

۲- علم و آگاهی امام

۳- پهترين مردم کیست؟

هدف رفتاری

انتظار می‌رود دانشآموزان بتوانند ۱- معنای (عسکر) را تعریف کنند. ۲- جریان ولادت امام را توضیح دهند. ۳- با ذکر نمونه‌ای علم و آگاهی امام را بیان کنند. ۴- حدیثی از امام درباره‌ی بهترین مردم بخوانند.

روش‌های مناسب تدریس

توضیحی - فعل (مسابقه - قصه - بازی با کلمات)

رسانه‌های آموزشی

کارت - تخته سیاه

ପ୍ରମାଣିତ

مربی محترم برنامه را با یک مسابقه شروع می‌کند؛ بدین ترتیب که ۵ سوال مطرح می‌کند و جواب‌های آن را روی تخته می‌نویسد (اگر تخته نبود می‌توان جواب‌ها را از پیش روی کارت نوشته و با خود به کلاس آورده).

۱- آن چه کلمه‌ای است در عربی که هم به معنای شهر است و هم نام شهر است؟

راستی چه کسی می داند با توجه به این که مدینه به معنای شهر است، چرا به شهر
مدینه، مدینه می گویند؟ بلده پعد از هجرت پیامبر ﷺ به شهر یثرب، مسلمانان
آن شهر را مدینة النبی ﷺ تامیدند.

۲- به چیزهایی که برق را از خود عبور می‌دهند، چه می‌گویند؟ هادی (رسان)

۳- نام یک سوره در قرآن را بگویید که هم نام یک زمان و هر چرف اول و آخر آن مانند هم است؟

۴- ماهی که پیامبر اکرم ﷺ در آن متولد شد، چه نام دارد؟
ربيع (الثاني)

۵- تند و سریع بگویید روز میلاد حضرت علی علیه السلام در ماه رب؛

مربی محترم از کسانی که پاسخهای صحیح دادند، می‌خواهد برای اجرای مسابقه، پای تخته بیایند و هر کدام یک کارت که به ترتیب حروف (س، ع، ر، ک، ی) روی آن نوشته است، تحویل بگیرند.

مسابقه از این جا شروع می‌شود که آنان باید فقط به جواب‌هایی اشاره کنند که با حرف روی کارت آغاز شده‌اند.

حروف	انسان	شهر	سوره	شغل	خوردنی	کشور
س	سعید	ساری	سجده	سلمانی	سوهان	سوریه
ع	علی	عجبشیر	عنکبوت	علاف	عنبه	عمان
ر	رحیم	رشت	روم	راننده	ریحان	رومانی
ک	کریم	کرمان	کوثر	کارگر	کاهو	کنیا
ی	یونس	یزد	یوسف	یخفروش	یخمک	یمن

سپس مربی از دانشآموزان تماشاگر می‌خواهد با ۵ حرف مسابقه، یک کلمه معنادار بسازند. (عسکری)^(۱) آنگاه چنین ادامه می‌دهد. «بله! عسکری که لقب امام یازدهم و مقصوم چندم است؟

(مربی به عدد ۱۳ که از قبل روی تخته نوشته است، اشاره می‌کند)، البته نام ایشان حسن است، حالا می‌دانید چرا به این امام بزرگوار لقب عسکری داده‌اند؟ خوب! ایشان در ماه ربیع الثانی و در شهر مدینه به دنیا آمد. نام پدر بزرگوارش امام هادی و مام مادر گرامیش سوسن یا حدیثه است؛ البته یک اسم دیگر هم دارد، اگر شما حرف سین را به اول کلمه‌ی لیل اضافه کنید آن اسم، یعنی «سلیل» به دست می‌آید.

پس از این مرحله، مربی برنده مسابقه و نفراتی را که امتیازات بیشتری کسب کرده‌اند معرفی می‌کند.

مربی در ادامه برنامه به یک داستان جالب می‌پردازد.

راز باران

شهر سامرا چون کویری خشک، در تب داغ خورشید می‌سوزد. سه روز بود که مردم

۱- منسوب به عسکر، لشگری، سپاهی.

سامرا در مصلای شهر جمع شده و نماز باران می خواندند، اما، آسمان همچنان صاف بود و لکه‌ای ابر در آن پیدا نمی‌شد.

روز چهارم اتفاق عجیبی افتاد نزدیک ظهر، ابرهای تیره، سراسر آسمان را گرفتند و ناگهان بعض آسمان ترکید و رشته‌های بلند باران، زمین را به آسمان دوخت. در روز پنجم، مردم که از بازش ناگهانی شگفت‌زده بودند، خبر تازه‌ای را شنیدند، خبری که مثل برق در شهر پیچید و دهان به دهان گشت این چنین بود: دو روز است که راهبان (روحانی) مسیحی در مصلانماز می خوانند و ما بی خبریم! می‌گویند راهب پیری در میان آن‌هاست که هرگاه دست به سوی آسمان بلند می‌کند، باران می‌بارد! کم کم همه فهمیدند که بازش ناگهانی باران به علت دعای راهبان مسیحی است و غم خشکسالی از چهره شهر سامرا محو شد! ولی با این خبر غم تازه‌ای برای مردم پدید آمد!

- خیلی عجیب است، چرا خداوند دعای ما مسلمانان را اجابت نکردا!

- شاید خداوند، مسیحیان را بیشتر دوست دارد!

خبر خیلی زود به قصر «معتمد» رسید و او را هم نگران کرد. وزیر به حضور معتمد رفت تا ماجرا را به اطلاع او رساند.

- سرورم!

معتمد که در میان باغ خود تفریح می‌کرد و دوست نداشت کسی مزاحمش بشود،

گفت: باشد برای بعد، حالا حوصله هیچ کسی را ندارم.

- قربان! مشکلی پیش آمده است.

- گفتم باشد برای بعد، تنها یم بگذار!

- قربان در مورد راهب پیر است.

- آه... اگر این راهب پیر نبود، چه بر سر درختان باغ ما می‌آمد؟

- مولای من مشکل هم بر سر همین آدم است!

- چه شده است وزیر؟

- قربان دین مردم در خطر است.

- گفتی دینشان؟

وزیر ماجرا را تعریف کرد و گفت مردم اجابت دعای مسیحیان را، علت برتری دین آن‌ها نسبت به دین اسلام می‌دانند و نزدیک است از دین محمد ﷺ خارج شوند.

- اگر این طور باشد، حکومت ما هم در خطر است!

- این مشکل فقط به دست یک نفر حل می‌شود.

- چه کسی؟

- حسن بن علی علیه السلام

- غیر ممکن است!

- قربان او را آزاد کنید تا مشکل را حل کند.

- زود ایشان را آزاد کنید.

مصلای شهر از انبوه جمعیت موج می‌زد و راهبان جلوتر از همه صفت بسته بودند.
ناگهان از میان صفحه‌ها، امام حسن عسکری علیه السلام با یارانش وارد مصلی شد وقتی نزدیک راهبان رسید، فرمود: شروع کنید.

مردی در میان جمعیت فریاد زد: ای مردم، آیا دین او بهترین دین خدا نیست!

ببینید فرزند پیامبر هم در اینجا حاضر است و ماجرا را می‌بیند.

- خاموش باش تو می‌خواهی میان مسلمانان تفرقه بیاندازی؟

- راستی چرا حسن بن علی چیزی نمی‌گوید؟

چشم‌ها به امام علی‌الله دوخته شد.

امام علی‌الله درگوش یکی از یارانش آهسته چیزی گفت.

مرد فوری به طرف پیرمرد راهب رفت. در مقابل نگاه‌های شگفت زده‌ی مردم، دست او را گرفت و سعی کرد چیزی را از میان انگشتانش بیرون بیاورد؛ اما راهب خودداری می‌کرد و خودش را عقب می‌کشید. کم کم با هم گلاویز شدند. مرد در یک لحظه به طرف امام برگشت، چیزی در میان دستش سفیدی می‌زد. جمعیت به هم فشرده شد و سروصدادر میانشان افتاد.

- آن چه بود که از دست راهب بیرون کشید؟

- به گمانم تکه استخوانی است!

امام علی‌الله فرمود: آن را در میان لباس خود پنهان کن و مرد این کار را کرد.

ناگهان یکی فریاد زد: به آسمان نگاه کنید، ابرها پراکنده شده‌اند!

- چرا دیگر راهب دعائی خواند؟

امام فرمود: حالا دعا کنید!

راهبان دوباره مشغول شدند؛ ولی ابری در آسمان پیدا نشد.

این بار صدای دعا بالحنی سوزناک‌تر و بلندتر به گوش می‌رسید.

- چرا دعا‌یشان به اجابت نمی‌رسد؟

- باید رمزی در کار باشد؟

- هر چه هست از آن چیزی بود که در دست داشت.

صدای شیشه‌ی اسب به گوش رسید، خلیفه هم وارد شد، آن گاه امام علی‌الله برای همگان چنین توضیح داد:

این راهب وقتی از کنار قبر یکی از پیامبران می‌گذشت، این استخوان را از آن برداشت و هر گاه استخوان پیامبری ظاهر شود، آسمان می‌بارد.

معتمد گفت: این استخوان را از این جا ببرید تا حسن بن علی نماز باران بخواند.

امام به طرف جایگاه نماز رفت. راهبان شرم زده از مقابلش کنار رفتند و گوشهای از مصلاً ایستادند صدای تکبیر بلند شد و امام بالحنی زیبا شروع به نیایش کرد.

کم کم ابرها از هر طرف گردآمدند و در آسمان شهر سامرا به هنم فشرده شدند. صدای رعد مثل خنده‌ای در گوش‌ها نشست، برق زیبایی در آسمان درخشید، قطره‌های بلور خنک از آسمان فرود آمدند و بر گونه‌های پاک و زیبای امام بوسه زدند.

در پایان مربی «راز گل» را اجرا می‌کند. او ۴ تصویر گل را روی تخته ترسیم می‌کند و مطابق شکل جملات را رو به روی آن‌ها می‌نویسد، سپس از دانش‌آموزان می‌خواهد

گل سوسن

۱۴۷

کلمات درون گل را حدس بزنند و فرمایش امام حسن عسکری علیه السلام را کامل کنند.

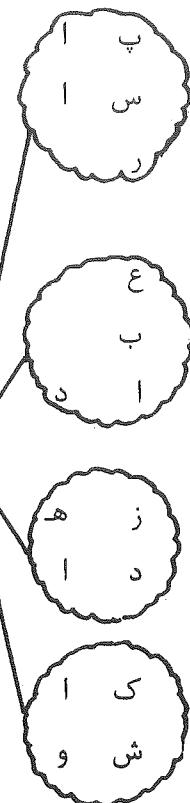
۱- از کارهای شبهه ناک
دوری کند

۲- واجبات رابه پا دارد

۳- حرامها را ترک کند

۴- از گناهان دوری کند

ترین مردم کسی است که^(۱)



با راهنمایی مربی کلمات (پارسا، عابد، زاهد، کوشان) کشف می‌شود و در مورد مفاهیم حدیث شبهه، زاهد و گناه و... توضیحاتی ارائه می‌شود.

۱- شیخ صدوف، خصال، ص ۱۶.

نام درس:

گوهر زهرا و علی

موضوع

تاریخ اسلام

هدف کلی

غلام رضا محسنی

دانشآموزان در این درس با جریان تولد حضرت زینب علیها السلام، نامگذاری ایشان چند صفت حضرت و معنای نام حضرت زینب علیها السلام آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با مواردی چند آشنا می‌شوند:

(۱- حضرت زینب علیها السلام در کجا و در کدام ماه متولد شد و پدر و مادرش چه کسانی بودند؟

(۲- چه کسی نام حضرت زینب علیها السلام را انتخاب کرد؟

(۳- چهارین نامگذاری حضرت چگونه بود؟

(۴- معنای زینب چیست؟

(۵- شجاعت، صبر، سخاوت و عبادت حضرت زینب علیها السلام به چه میزان بود؟

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس بتوانند جریان تولد حضرت زینب علیها السلام را بگویند همچنین بتوانند معنای زینب و چند صفت بارز حضرت را نقل کنند.

روش‌های مناسب تدریس

(۱- توصیحی - فعال (پرسش و پاسخ، رسم شکل، مسابقه، داستان)

رسانه‌های آموزشی

(۲- تخته و کچ - مقوا (بصورت پازل)

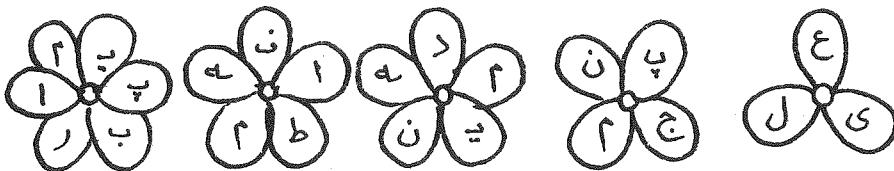
گوهر زهرا و حلی

سلام بچه‌های عزیز! امیدوارم در پناه خداوند همه خوب، سالم و شاد باشید. تا با کمک شما یک برنامه خوب دربارهٔ تولد حضرت زینب داشته باشیم، امّا در شروع باید از کس دیگری هم کمک گرفت که تمام کارها به نام او آغاز می‌شود خوب او کیست؟ بله! خداوند پس با یک شعر همه از خدا یاری می‌طلبیم.

خدا یا پاریمان کن بقدرت
بپام خود که رحمن و رحیمی
حال همه با هم به یاری خداوند نوشته‌ای را که روی تخته می‌نویسم، بلند بخوانید.^(۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

چون روز تولد حضرت زینب عليها السلام است و یکی از هدیه‌هایی که در روز تولد می‌دهند، گل است، من پنج گل روی تخته می‌کشم و میان هر گل حروف‌های پراکنده‌ای قرار می‌دهم.^(۲)



حالا یک جمله ناقص را زیر گل‌ها می‌نویسم که شما باید با کمک حروف‌های هر گل، کلمه‌ای بسازید و آن را در جاهای خالی در جمله‌ای که می‌نویسم، قرار بدهید.^(۳)
حضرت زینب ماه جمادی الاولی^(۴) در شهر..... متولد شد، پدرش و مادرش با خوشحالی خبر تولد را به دادند.

۱- مریبی جمله‌ی (بسم الله الرحمن الرحيم) را روی تخته می‌نویسد.

۲- مریبی طبق شکل، گل‌ها را اول روی تخته می‌کشد، سپس حروف‌ها را «مانند شکل» داخل هر گل می‌نویسد.

۳- مریبی جمله ناقص را روی تخته زیر گل‌ها می‌نویسد.

۴- باید ترجمه داشت که در تاریخ ولادت حضرت اختلاف است، ولی مشهور این تاریخ است.

خوب بچه‌ها! به نظر شما بعد از تولد حضرت زینب، چه کسی برای او نامگذاری کرد؟^(۱)

پیامبر ﷺ، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام

آن‌ها که می‌گویند پیامبر اکرم ﷺ اسم زینب را انتخاب کرد، دست هایشان را بالا ببرند!

خوب دست‌ها پایین.

حال آن‌ها که می‌گویند علی علیه السلام برای حضرت زینب علیها السلام اسم انتخاب کرد، دست هایشان را بلند کنند؟

خوب! دست ها پایین.

حال آن‌ها که می‌گویند فاطمه علیها السلام برای حضرت زینب اسم انتخاب کرد، دست هایشان را بالا بگیرند.

خوب! بچه‌ها دست‌ها را پایین بیاورید.

برای این که بدانید چه کسی برای حضرت زینب اسم انتخاب کرد، گوش کنید تا جریان نامگذاری حضرت زینب را بگوییم.

وقتی حضرت زینب علیها السلام به دنیا آمد، فاطمه زهرا علیها السلام با خوشحالی به علی علیه السلام

فرمود: چون پیامبر اکرم ﷺ در سفر است، بهتر است شما برای این نوزاد نامی انتخاب کنید. علی علیه السلام فرمود: من در انتخاب نام برای این نوزاد از پیامبر خدا سبقت نمی‌گیرم،

صبر می‌کنم تا از سفر بیاید و نامی برای این نوزاد انتخاب کند. سه روز از تولد حضرت زینب علیها السلام گذشت تا این که پیامبر اکرم ﷺ از سفر برگشت. طبق معمول اول به خانه

حضرت فاطمه علیها السلام رفت. علی علیه السلام با دیدن پیامبر اکرم ﷺ با خوشحالی گفت: خدا به دخترتان، نوزادی داد و ما منتظر بودیم تا شما بیایید و نامی برای او انتخاب کنید. پیامبر

-۱- مریم در این جا روی تخته پیامبر ﷺ و علی علیه السلام و فاطمه را می‌نویسد.

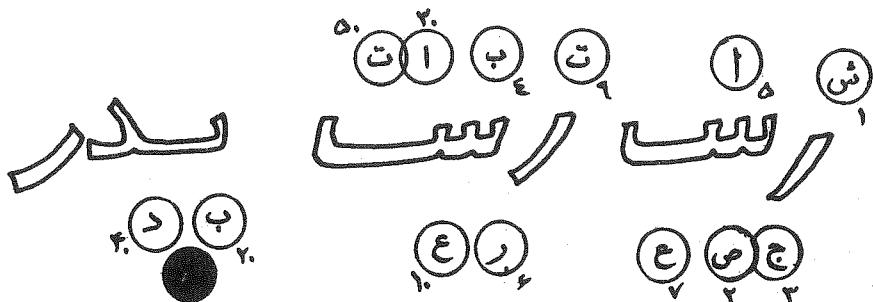
گوهر زهرا و علی ۱۵۳

اکرم ﷺ که از شنیدن خبر تولد نوزاد خوشحال شده بود، فرمود اگر چه بچه‌های فاطمه علیها بچه من هستند، ولی خداوند باید نام او را انتخاب کند. در همین موقع بود که حضرت جبرئیل از طرف خداوند نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و فرمود: نام این نوزاد را زینب بگذار.^(۱)

خوب بچه‌ها! حالا چه کسی برای حضرت زینب نام انتخاب کرد؟
بله! خداوند.

چه کسی می‌داند زینب به چه معنا است؟^(۲)

زینب به معنای «زینت پدر» است.^(۳) برای این که بدانید چرا زین پدر بود، به شکلی که روی تخته می‌کشم، توجه کنید.^(۴)



--	--	--	--	--

--	--	--

--	--	--	--	--

۱- محلاتی، شیخ ذبیح اللہ، ریاحین الشریعہ، دارالکتب الاسلامیہ، تهران، ج ۳، ص ۳۸-۳۷.

۲- اگر بچه‌ها جواب دادند، مریب تشویق می‌کند و گرنه خودش جواب می‌دهد.

۳- ریاحین الشریعہ، ج ۳، ص ۳۹.

۴- مریب شکل بالا را روی تخته می‌کشد.

خوب بچه‌ها! حالا حروف هر دایره را، طبق شماره‌ی آن دایره، داخل جدول‌ها بنویسید تا سه کلمه در باره‌ی حضرت زینب عليها السلام به دست بیاید.^(۱)

خوب بچه‌ها! حالا نوبت یک مسابقه است. من دو دسته مقوا دارم که هر دسته، شش تکه است. دو نفر را جلو می‌آورم و دو دسته از مقوا را به آن دو نفر می‌دهم، آن‌ها باید سریع مقواها را بچینند، هر کس زودتر چید، برنده است.^(۲)

خوب بچه‌ها! حالا که صحبت از بخشش شد، گوش کنید به بخشش حضرت زینب در کودکی، که نشان می‌دهد او واقعاً زینت پدر بود.

روزی میهمانی به خانه‌ی علی عليها السلام آمد. علی عليها السلام نزد فاطمه عليها السلام رفت و پرسید: آیا غذایی برای میهمان در خانه داریم؟

فاطمه عليها السلام فرمودند: فقط یک گرده نان داریم که برای دخترم زینب کنار گذاشته‌ام. زینب عليها السلام وقتی این سخن مادر راشنید، فرمود: مادر نان مرابه میهمان بده، من صبر می‌کنم.^(۳)

۱- سه واژه‌ی (شجاعت، صبر، عبادت) به دست می‌آید، مریم از شجاعت حضرت در مقابل بزید و دفاع از برادرش، برای زنده ماندن قیام حسینی سخن می‌گوید. از صبر او در مقابل رحلت پیامبر، شهادت مادر، پدر و برادرانش (حسن و حسین) می‌گوید و در باره‌ی عبادت او این مطلب را امام سجاد عليها السلام بیان می‌کند که حضرت فرمود: عمه‌ام، زینب با زیادی رنج و سختی از کربلا تا شام نماز می‌خواند و با آن حال و پرستاری از اطفال از عبادت غافل نبود؛ به حاطر پرستاری حضرت از اطفال و امام سجاد عليها السلام روز ولادت حضرت را به روز پرستار هم نام گذاری کردند.

* - پیشین، ص ۶۲.

۲- مریم روی دو مقوا «مانند شکل» این جمله را که از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم است * می‌نویسد:

بهترین	مال آن است که در	راه خدا	بخشش شود.
--------	------------------	---------	-----------

سپس هر مقوا را شش تکه می‌کند (مانند پازل) و آن‌ها را برای مسابقه همراه خود نگاه می‌دارد. در زمانی که دو نفر در حال چیدن هستند، مریم از دانش آموزان می‌خواهد با این شعار آن‌ها را تشویق کنند: بچین، بچین، زودتر بچین.

* - صابری یزدی، علیرضا، الحکم الزاهر، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۵، ج ۱، ص ۳۲۲، به نقل از اثنی عشریه، ص ۱۵.

۳- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۴.

سرود میلاد حضرت زینب علیها السلام

مُرْدَة مُرْدَة كَ سَقِير رَاه عَشْقَ آمد
 در مدینه په چهان ماه دمشق آمد
 دخت خیرالنساء، زینت مرتضی، زینب آمد
 زینیا زینیا، زینیا زینیا، زینب آمد
 خانه‌ی قاطمه روشن شده از نورش
 قلب مولا ر عنایت گشته مسروش
 گوید او زیر لب، آمده زین اپ، زینب آمد
 زینیا زینیا، زینیا زینیا، زینب آمد
 گشته قنادقه‌ی او پر دامن احمد
 گوید این پهر حسین است رحمت سرمد
 زینیش نام نهید، احترامش کنید، عاشق آمد
 زینیا زینیا، زینیا زینیا، زینب آمد
 عاشق روی حسین است قلب این دختر
 پهر دیدار پدر میزند پرپر
 از پرای حسین، می‌کند شور و شین، عاشق آمد
 زینیا زینیا، زینیا زینیا، زینب آمد^(۱)

۱- عسگری، محمد، از عاشورا تا غدیر، خود مؤلف، قم، ج ۲، ص ۱۱۰.

نام درس

حسینعلی عرب انصاری

گل پرپر

موضوع

تاریخ اسلام

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با زندگی حضرت زهرا عليها السلام و شهادت ایشان آشنا می شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد ذیل آشنا می شوند.

- فاطمه سرور زنان - دوران کودکی و همراهی با پدر - عبادت و حجاب

تسوییحات فاطمه عليها السلام - ایثار در مال و جان

تاریخ شهادت - علت شهادت - وصیت‌ها.

هدف رفتاری

از دانش آموزان انتظار می‌رود پایان درس بتوانند عبادت و حجاب فاطمه عليها السلام را بیان کنند، به عبادت (حجاب) اهمیت دهنده و نحوه شهادت و وصیت‌های ایشان را بیان کنند.

روش‌های مناسب تدریس

- توضیحی - فعلی - (جدول - جمله سازی - مسابقه - تکرار دعا - خط فانتزی

پرسش و پاسخ)

رسانه‌های آموزشی

تحته و گچ، کارت

۱۵ پژوهش

په نام آن که پاشد مهدیان تر
پرای ما ز بابا و ز مادر
دهم پندتی پکن آویزه‌ی گوش
نکن هرگز خدای مود فراموش
در اول درس جدولی می‌کشم که اسمی دختران نمونه‌ی معصومان مادر آن نوشته شده است. از شما می‌برسم و دور کلمات اسم آن‌ها دایره می‌کشم.

ز	ی	ف
ی	ه	ر
ن	ط	*
ب	ا	ه
م	ف	ن
ع	م	ی
ص	ه	ک
و	ی	س

- ۱- عقیله‌ی پنی هاشم، پیام رسان کریلا زینب
- ۲- دختر امام حقیم که در قم دفن شده است معصومه
- ۳- دختران امام حسین علیهم السلام پویند که در کریلا همراه پدر پویند و اسید شدند سکینه، رقیه
- ۴- پا صروف پا قیمانده (یک حرف اضافه است) نام مورد نظر را به دست آورید! اسم مورد نظر

فاطمه

فاطمه دختر چه کسی است؟ دختر پیامبر اسلام علیهم السلام حالا سریع به من بگویید.

اولین

پیامبر از طرف خدا چه کسی است؟

آخرین

بله! اولین پیامبر، حضرت آدم و آخرین آن‌ها حضرت محمد علیهم السلام است.

پیامبران آمدند تا ما را به راه راست، خدا پرستی هدایت کنند، ما نیز باید از راه و روش پیامبر اسلام علیهم السلام متابعت و پیروی کنیم. رسول خدام علیهم السلام نسبت به دیگران

متواضع و خوش برخورد بود. به همه سلام می‌کرد و احترام می‌گذاشت. برای نمونه می‌توان به برخوردهای پیامبر ﷺ با دخترشان فاطمه زهرا علیهم السلام اشاره کرد. پیامبر اکرم ﷺ وقتی که از مسافرت بر می‌گشت^(۱) اول به دیدار دخترش می‌شافت و هرگاه می‌خواست جایی برود، آخرين کسی که با او خدا حافظی می‌کرد،^(۲) باز فاطمه علیها السلام بود. می‌دانید چه سوره‌ای از قرآن در مورد فاطمه علیها السلام است؟
بله! سوره‌ی کوثر.

حالا چه کسی می‌تواند این سوره را بخواند، همه به یاد داردید! پس یک بار با هم می‌خوانیم.^(۳)

حضرت فاطمه علیها السلام که خداوند او را کوثر نامید، مورد احترام و علاقه‌ی پیامبر ﷺ بود؛ چرا که می‌دانست او مادر یازده امام معصوم خواهد بود. پیامبر ﷺ در مورد فاطمه علیها السلام این گونه فرمود:^(۴)



فاطمه زهرا علیها السلام همراه پیامبر ﷺ و یاور ایشان بود. هنگامی که ابوطالب و خدیجه دو یار باوفای پیامبر ﷺ از دنیا رفتند، فاطمه با این که کودکی بیش نبود، مانند مادری مهربان از پدر نگهداری می‌کرد. وقتی بیرون از خانه، دشمنان اسلام به پیامبر آزار می‌رساندند و گاهی لباس‌های ایشان را کثیف می‌کردند، فاطمه در خانه از او پذیرایی

۱- مربی با این جملات به کلمه‌ی اولین و آخرین که در روی تخته نوشته است، اشاره می‌کند.

۲- منتهی الامال، ج ۱، ص ۲۵۲

۳- یا مربی بخواند و بقیه تکرار کنند.

۴- مربی حدیث را پراکنده بنویسد و از بچه‌ها بخواهد در یک دقیقه آن را کامل کنند. برنده نیز توسط مربی تشویق شود.

۵- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷

می‌کرد و با دستان کوچکش لباس‌های پدر را می‌شست.^(۱) فاطمه علیها السلام که سال‌هایی طولانی را در خدمت پیامبر ﷺ سپری کرد، الگوی کاملی برای ما در زندگی است.

اعبادت از جمله کارهایی که باید از ایشان یادبگیریم دوچیز است.
ح حجاب

عبدات یعنی چه؟ یعنی بندگی خدا و اطاعت دستورات او در نماز خواندن، روزه گرفتن و... فاطمه علیها السلام از عابدترین افراد بود؛ وقتی به نماز می‌ایستاد، عظمت خداوند سراسر وجودش را می‌گرفت و اشکش جاری می‌شد.^(۲) یکی از یادگارهای او که پیامبر ﷺ به ایشان آموخت و تابه حال باقی مانده است چیست؟^(۳)

۳۳	۳۳	۳۴
الله	الله	الله
سبحان	الحمد	اکبر

ما این ذکر را که به «تسبیحات حضرت فاطمه» معروف است، چه وقت می‌خوانیم؟
بعد از هر نماز، خواندن آن ثواب زیادی دارد.

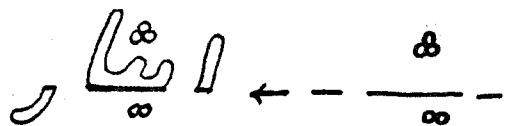
دختران و زنان هم باید حجاب فاطمه را الگو قرار دهند. او خود را از نامحرم می‌پوشانید؛
البته اگر لازم می‌دید، در بیرون از خانه از حق دفاع می‌کرد.

از جمله چیزهایی که فاطمه علیها السلام پدر آموخت از خود گذشتگی است. می‌توانید آن را
نام ببرید؟ من این کلمه را کم کم کامل می‌کنم.

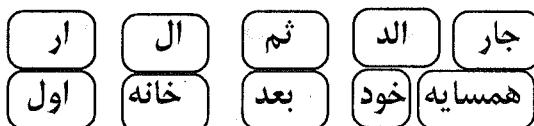
۱- فاطمه از ولادت تا شهادت، ص ۱۶۷. (باندکی تصرف و تلخیص).

۲- مستند فاطمه، عطاردی، ص ۹۲.

۳- مریمی یک بار تسبیحات را بخواند تا همه تکرار کنند و با الفاظ آشنا شوند.



پیامبر ﷺ خود با از خودگذشتگی توانست اسلام را حفظ کند، حضرت زهرا علیها السلام نیر این گونه بود. او در شبی که می‌خواست به خانه علی علیها السلام برود (شب عروسی) وقتی مستمندی را دید که تقاضای لباسی می‌کند، لباس خوب خود را به او داد.^(۱) و خود لباس کنه‌ای پوشید. همچنین وقتی سه روز روزه‌ی نذری گرفتند و هر روز وقت افطار نیازمندی در خانه‌ی آن‌ها آمد، فاطمه علیها السلام به همراه علی علیها السلام و فرزندانش غذای خود را به نیازمندان دادند. این ایشار است. امام حسن عسکری می‌گوید: مادرمان هرگاه به نماز می‌ایستاد، دعا می‌کرد. شبی دقت کردم و دیدم هر چه دعا می‌کند، برای دیگران است. وقتی از مادرم پرسیدم چرا برای خودمان دعائی نمی‌کنید، به من این جمله زیبا را فرمود.^(۲)



الجار ثم الدار اول همسایه، بعد خانه خود^(۳)

می‌دانید به کسی که در راه خدا از جان خود می‌گذرد، چه می‌گویند؟ شهید همه‌ی امامان ما در راه اسلام و برای زنده نگهداشتن دین، توسط دشمنان شهید شدند. حضرت فاطمه علیها السلام در این راه از جان خود گذشت؛ اما چگونه ایشان شهید شد؟ بعد از رحلت پیامبر ﷺ عده‌ای که دنبال فرصتی بودند تا خود را به مقامی برسانند،

۱- احراق الحق، ج ۱۰، ص ۴۰۱

۲- مربی دو گروه برای مسابقه انتخاب کند. به هر گروه ۱۰ کارت بدهد تا هر کدام سریعتر جواب دادند و کارت‌ها را منظم کردن، برنده اعلام شوند. با روی تخته بنویسد و بچه‌ها دو گروه شوند، هر کدام زودتر حدیث را کامل کرد، آن‌ها را تشویق کند. مربی حدیث و ترجمه را دو قسمت کند و بخواند تا بچه‌ها تکرار کنند.

۳- کشف الغمة، ج ۱، ص ۴۶۸

دست به کار شدند. از جمله کارهای آن‌ها فراموش کردن همه‌ی سفارشات پیامبر ﷺ بود. آن‌ها به آزار و اذیت ایشان پرداختند و آنچه را پیامبر ﷺ به دخترشان بخشیده بود، غصب کردند.^(۱) فاطمه ؑ برای گرفتن حق خود تلاش و کوشش فراوان کرد. او می‌فرمود: فدک را که پیامبر به من داد؛ به من برگردانید^(۲) اما آنچه فاطمه را بیش از این‌ها ناراحت کرد، گرفتن حق علی ؑ بود. می‌دانید چه حقی؟ بله! امامت و جانشینی پیامبر ﷺ.

رهبری بعد از پیامبر ﷺ شایسته‌ی چه کسی است؟ شایسته امام علی ؑ دشمنان رسول خدا با زور بر کرسی حکومت تکیه زدند و سفارش‌های پیامبر ﷺ (از جمله در غدیر خم که امام علی ؑ را انتخاب کرد) را فراموش کردند. حضرت زهرا ؑ در این زمینه تلاش فراوانی کرد و همراه علی ؑ بود؛ در دو کار، این دو کلمه را از شما می‌پرسم تا به دست آوریم.

اطاعت

معنای فرمانبرداری

حمایت

معنای پشتیبانی و دفاع از کسی

حضرت علی ؑ حاضر نشد با آن‌ها بیعت کند، چون خود سزاوار امامت بود؛ ولی زورگویان می‌خواستند امام علی ؑ را با خود همراه سازند؛ لذا به خانه‌ی ایشان ریختند تا به زور بیعت بگیرند. فاطمه ؑ از دستورات علی ؑ اطاعت و از مقام امامت او حمایت و پشتیبانی می‌کرد؛ لذا در را باز کرد و پرسید: شما چه می‌خواهید؟

وقتی هدف خود را توضیح دادند، فرمود: نمی‌گذارم وارد خانه من شویم. آن‌ها تهدید کردند که خانه را آتش می‌زنیم. باز فاطمه ؑ مقاومت کرد تا این که در خانه را آتش

۱- منظور غصب کردن مزرعه فدک است؛ سرزمینی حاصلخیز و نزدیک خبیر در ۱۴۰ کیلومتری مدینه. فروغ

ابدیت، ج ۲، ص ۲۷۱.

۲- کشف الخمه، ج ۲، ص ۲۷.

اعلام النساء، ج ۴، ص ۱۱۹.

زند در این زمان فاطمه پشت در ایستاده بود تا نگذارد کسی وارد شود؛ اما شخصی با لگد به در زد و فاطمه که پشت در بود، مجروح شد. با این وضع حتی وقتی می‌خواستند علی علیہ السلام را بیرون ببرند، جلو آمد و از خود جان گذشتگی نشان داد تا نگذارد این کار صورت گیرد. در اینجا هم شخصی با شلاق به بازوی فاطمه علیہ السلام کوفت و ایشان را از علی علیہ السلام جدا ساخت. بله! فاطمه علیہ السلام با این ضربه‌ها بود که در بستر بیماری افتاد^(۱) حضرت فاطمه علیہ السلام در چه تاریخی شهید شد؟ در چه سنی؟^(۲)

ماه شهادت محل دفن

۱۱

۷۵

۱۸

سن شهادت بعداز پیامبر سال شهادت جمادی الاول مدینه

حضرت فاطمه علیہ السلام بیش از ۷۵ روز بعد از پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم زنده نماند. در این مدت او را چنان اذیت کردند که سرانجام در ماه جمادی الاولی در سن ۱۸ سالگی شهید شد^(۳). در لحظه‌ی آخر عمرش وصیتی به علی علیہ السلام فرمود.

به راستی چرا دختر رسول الله صلوات الله علیه و آله و سلم این گونه سفارش کرد که در شب او را دفن کنند؛ علت چیست؟

بله! او از مردم زمان خود که جانشینی پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم را غصب کردند ناراحت بود؛ لذا فرمود: وقتی که پیمان خدا و پیامبر او را در رهبری علی علیہ السلام شکستند، حق ندارند بر من نماز بخوانند.^(۴) امام علی علیہ السلام هم به این وصیت عمل کرد. صبح که مردم مدینه متوجه شدند فاطمه از دنیا رفته است، به بی وفا بی خود پی بردند، به سوی خانه علی علیہ السلام آمدند و به

۱- کتاب سلیم بن قیس، ص ۲۰۷، رقم ۵۲ (با تلحیص و اندکی تصرف).

۲- مریبی دو نفر از بعدها را به نمایندگی از دو گروه انتخاب و از هر یک ۵ سؤال را بکند (سن شهادت، سال شهادت، و...). و هر کدام را که بیشتر امتیاز آورد، تشویق کند.

۳- بحار، ج ۴۳، ص ۲۱۵.

۴- بیت الاحزان، ص ۱۱۳.

عزادرای پرداختند. صدای شیون آن‌ها مدینه را به لرزه در آورد.^(۱) ما هم امروز در عزادای

این بانوی نمونه غمگین هستیم و او را زیارت می‌کنیم.^(۲)

السلام عليك يا بنت رسول الله

السلام عليك يا سيدة نساء العالمين من الاولين والآخرين

السلام عليك يا روجة ولي الله

السلام عليك يا أم الحسن والحسين

السلام عليك يا فاطمه بنت رسول الله ورحمة الله وبركاته.^(۳)

۱- منتهی الامال، ج ۱، ص ۶۴.

۲- مریب زیارت را بخواند تا بجهه‌ها تکرار کنند یا از دانش آموزان در خواندن کمک بگیرد.

۳- مفاتیح الجنان، ص ۳۱۷.

فعالیت‌های فوق برنامه

W. H. Gaskins

نام درس

مسلم ناصری

قصه گویی برای کودکان

موضوع

قصه گویی

هدف کلی

مربی یا قصه گو با چگونگی تهیه قصه، شیوه‌ها و مکان‌های بازگویی قصه آشنا می‌شود.

اهداف جزئی

مربی با موارد زیر آشنا می‌شود:

منابع قصه گویی چیست؟

یک قصه مُوب پچه مراحلی پاید داشته باشد؟

شیوه‌های آماده سازی قصه کدامند؟

چه مکان‌هایی برای قصه گویی (مانند کلاس، فضای پاژ) وجود دارد؟

هدف رفتاری

مربی می‌تواند به خوبی قصه‌ای را با بعضی از شیوه‌ها بیان کند.

روش‌های مناسب تدریس

توضیحی

رسانه‌های آموزشی

عروسک، تخته سیاه، تصویر و ...

قصه‌گویی برای کودکان

مقدمه

هزاران سال پیش، انسان‌ها پس از یک روز طولانی، دور آتش حلقه می‌زدند و با شنیدن قصه‌های بزرگ قبیله، خستگی خود را به فراموشی می‌سپردند. قبل از آن که صنعت چاپ رایج گردد و کتاب‌ها نوشته شوند، مادر بزرگ‌ها در جمع گرم خانواده، با گفتن قصه، از یک سو تجربیات خود را منتقل می‌کردند و از طرف دیگر ساعتی آن‌ها را سرگرم می‌کردند و با این شیوه، تاریخ، سنت، مذهب و آداب و رسوم و... را به اهل خانه منتقل می‌کردند، اما با پیدایش کتاب، رادیو و تلویزیون این روند کاهش یافت؛ ولی هنوز که هنوز است کودکان علاقه وافری به شنیدن قصه دارند. پس مردمی باید بتواند از این ابزار مهم برای انتقال مفاهیم و... به خوبی بهره ببرد.

مردمی باید با شیوه‌ها و محیط لازم قصه‌گویی آشنا باشد تا بتواند به راحتی با مخاطب کودکش ارتباط برقرار کند، البته مردمی با ابزار و چگونگی بیان قصه نیز باید آشنا باشد. اولین نیاز برای قصه‌گویی، داشتن مواد اولیه است. مردمی یا قصه‌گو باید چیزی برای گفتن داشته باشد. انتخاب قصه کار مشکلی است؛ چون هر داستانی را نمی‌شود برای کودکان گفت.

منابعی را که می‌شود برای کودکان بازگو کرد.

(۱- قصه‌ی پیامبران مائند؛ قصه مورچه و سلیمان، عصای موسی، هدهد و سلیمان و...)

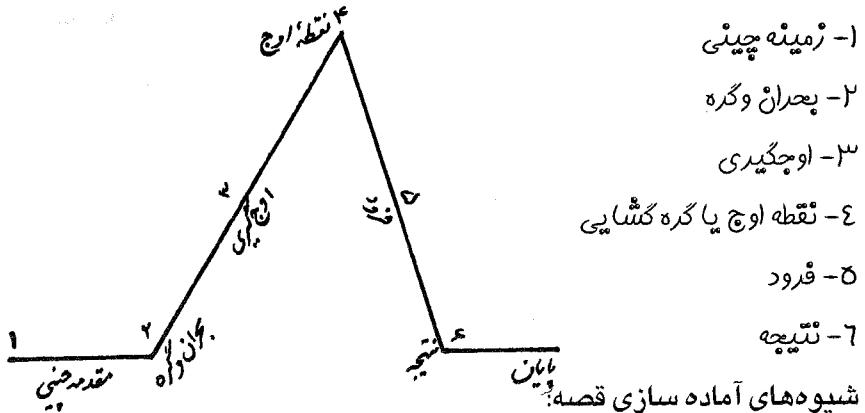
(۲- قصه‌ی زندگانی ائمه؛

(۳- افسانه که مبنیع مهمی برای قصه‌گویی است.

(۴- داستان‌هایی که به صورت کتاب پرای کودکان نوشته می‌شود.)

یک قصه خوب برای بازگویی چه مراحلی باید داشته باشد؟

قصه‌گو مانند نویسنده باید ابتدا برای داستانش زمینه چینی کند. سپس گره و مشکلی برای قهرمان داستان طرح نماید و آرام آرام آن را به سوی اوج پیش ببرد تا این که گره داستان گشوده شود و نتیجه لازم که مقصود قصه‌گو است، به دست آید.



۱- قصه‌گو باید در طول سال با مطالعه بسیار و دقیق خلاصه داستان‌هایی را که می‌تواند برای کودکان بازگو کند، در دفترچه یا فیش یادداشت کند؛ البته نباید از این دفترچه و کارت‌ها سرکلاس استفاده کند، چون موجب کم تأثیری قصه خواهد شد. مری باید قصه‌ای را انتخاب و خلاصه نویسی کند که شرایط زیر را داشته باشد.

الف - داستان خود قصه‌گو را پذیرانگیزد.

ب - مری پتواند از عهده گفتن آن پرآید.

ج - پرای گفتن مناسب باشد. (مواندن آن پرای کودکان پهتر از شنیدن آن نباشد)

د - مناسبت قصه پا گروه سنی شنوندگان لحاظ شود. (پرای کودکان طولانی نباشد)

۲- آماده کردن تصاویری از قصه و نصب مرحله به مرحله آن روی دیوار یا تخته سیاه، برای این که کودکان بهتر در فضای قصه قرار بگیرند.

۳- استفاده از عروسک شخصیت‌های قصه، که با این شیوه قصه به صورت نمایشی درخواهد آمد.

البته بهترین شیوه، بازگویی قصه بدون ابزار و وسایل نمایشی است. در این شیوه قصه گو باید با حالت‌های چشم و حرکات دست با کودکان ارتباط برقرار کند، چون چشم‌های قصه‌گو نقطه تمرکز به شمار می‌آید و از آن اطمینان، صداقت، عطوفت و... احساس می‌شود. شنوندگان به چشم‌های او چشم می‌دوزند و آن حالات را درک می‌کنند. از حرکت دستها هم پرسش، خواهش، تأکید، درک اندازه، فاصله، وزن و بافت یک شئ فهمیده می‌شود؛ لیکن باید توجه داشت که این حرکت‌ها از درون قصه بجوشند، نه این که قصه‌گو با حرکات اضافی خود شنوندگان را گیج کند و موجب دور شدن آن‌ها از قصه را فراهم کند.

یاد آوری:

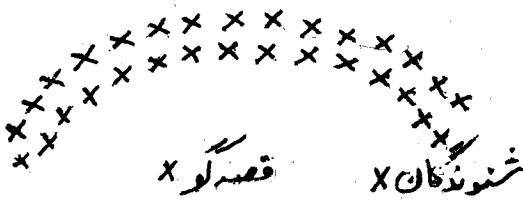
قصه‌گو باید به وسعت و گنجینه واژگان کودکان توجه داشته باشد. باید از کلماتی استفاده کند که مناسب گروه سنی آن‌ها باشد، مثلاً از کلمه هویتا یا فاش به جای آشکار استفاده نکند. اگر هم کلمه مشکلی گفت، فوری مترادف آن را بیاورد تا در روند قصه مشکلی ایجاد نشود.

قصه‌گویی در کلاس

بهتر است قصه در مکانی گفته شود که سروصدای اطراف مزاحم قصه‌گو و شنوندگان نشود. در کلاس نیز باید زمینه‌ای فراهم کرد که کودکان در آفرینش قصه سهیم شوند. برای مشارکت کودکان ابتدا باید اطلاعی درباره قصه به آن‌ها ارائه کرد یا اگر قصه را می‌دانند از آن‌ها خواست که ببینند آیا این روایت همان‌گونه است که قبل‌اشنیده‌اند، یا نه؟ به حتم تفاوت‌هایی در بین این دو روایت وجود دارد که برای کودکان لذت‌بخش خواهد بود.

قصه‌گو باید در مکانی بایستد که به خوبی همگان حرکات او را ببینند و صدایش را به راحتی بشنوند. اگر امکان دارد، مربی یا قصه‌گو می‌تواند با کمک بچه‌ها نیمکت‌ها را به

گونه‌ای بچیند که حالتی صمیمی و دوستانه به جمع شنوندگان داده شود. بهترین صورت به شکل نیم دایره است که موجب صمیمیت و راحتی شنوندگان خواهد شد.



قصه گویی در اردو و فضای باز

هنگامی که کودکان برای تفریح به اردو برده می‌شوند؛ بهترین زمان برای قصه گویی است؛ چون قصه گو تمام ابزارها و امکاناتی را که در کلاس به آن‌ها دسترسی نداشت، در طبیعت در اختیار دارد، مانند: درخت، آسمان، جوی آب، آتش و...

قصه گو می‌تواند با کمک این عوامل قصه‌اش را مؤثرتر بیان کند، مثلاً: اگر قصه‌ای در باره‌ی حضرت ابراهیم علیہ السلام می‌گوید، در شبی که بچه‌ها دور آتش حلقه زده‌اند، بازگو کردن قصه‌ی آن حضرت می‌تواند قصه‌اش را پرپار کند یا اگر در کنار استخری اردو زده‌اند، می‌تواند قصه شیرین یونس پیامبر را بازگو کند، البته چون فضای بیرون محیطی باز است، قصه گو باید مکانی را انتخاب کند از سرو صداها دور باشد و هم بتواند شنوندگان را اداره کند، برای همین باید به کودکان نزدیک‌تر شود. بر تن صدایش بیفزاید تا تأثیر و آهنگ صدایش در فضای آزاد از بین نرود.

بهترین شیوه در محیط باز همان صورت نیم دایره‌ای است.

انتظار مربی از کودکان.

برای آن که کودکان به دقت گوش فرا دهند، مربی می‌تواند از کودکان بخواهد هر کدام دفتری تهیه کنند تا هر قصه‌ای را که می‌شنوند، در خانه یا چادر خلاصه‌ای از آن را بنویسند و تصویرهای لازم را نیز بکشند. در پایان مناسب است مربی برای بهترین شنونده چایزه‌ای نیز در نظر بگیرد.

منابع:

- ۱- قصه‌گویی و نمایش خلاق، چمبرزدیویی ترجمه قزل ایاغ ثریا، مرکز نشر جهاد دانشگاهی
- ۲- دنیای قصه‌گویی، پلووسکی آن، ترجمه اقلیدی محمد ابراهیم، نشر سروش.
- ۳- تجربیات نویسنده از کلاس‌های قصه‌گویی خود.

فهرست کتاب‌های مناسب

- ۱- روزی روزگاری نویسنده: فاطمه همدانی ناشر: مدرسه، موضوع: وفاداری، گروه سنی: ب و ج
- ۲- فرانکلین فوتیال بازی می‌کند، نویسنده: پالت پورگئوس مترجم فرمهر منجزی ناشر: تهران صدرا، موضوع: خودبازی گروه سنی ب و ج
- ۳- فرانکلین رئیس می‌شود، نویسنده: پالت پورگئوس مترجم فرمهر منجزی ناشر: تهران صدرا، موضوع: خودبینی گروه سنی ب و ج
- ۴- فرانکلین در تاریکی، نویسنده: پالت پورگئوس مترجم فرمهر منجزی ناشر: تهران صدرا، موضوع: ترس، گروه سنی ب و ج
- ۵- مورچه و کبوتر، نویسنده: لئوتولستوی، مترجم: مهران محبوبی، ناشر: مریم، موضوع: حکایت، گروه سنی: ب و ج
- ۶- کلاح رنگین کمان، نویسنده: نانسی ون لان، مترجم: فریبارستم کلایی، ناشر: تهران صدرا، موضوع: ایثار، ب و ج
- ۷- ماجراهای قانون سکوت، عادل یغما، مدرسہ، ظلم، ب و ج
- ۸- غنچه‌های پاییزی، نویسنده: ناصری، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مذهبی، ب و ج
- ۹- دیوهای دماغ دراز، افسانه ژاپنی، محمدرضا شمس، افق، افسانه، ب و ج
- ۱۰- قصه‌ای که راست بود، حسین فتاحی، نهاد هنر و ادبیات، دوستی، ب و ج

نام درس

علی تقدیری

اردوی یک روزہ

موضوع

مهارت‌های پرورشی و مسابقات فکری در اردو

هدف کلی

مربیان با شیوه‌ی ارایه معارف دینی و نکات تربیتی به دانشآموزان آشنا
می‌شوند.

اهداف جزئی

مربیان با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. روش اچرای پرنسپ میک روزہ پرای دانشآموزان
۲. مبادث اخلاقی و اعتقادی در قابلیت‌های مهارتی

هدف رفتاری

از مربیان در پایان درس انتظار می‌رود که بتوانند برنامه‌ی جذاب اردویی کوتاه
مدت را به خوبی اجرا کنند

روش‌های مناسب تدریس

فعال: بازی با کارت‌ها، قصه‌گویی، جدول، شعر و سرود

رسانه‌های آموزشی

کارت، جدول

۵ روزه ای رپورت

اردو همایشی در دامن طبیعت است و در فضای باز طبیعت تفریح و تربیت، همراه و سازنده‌ی جسم و جان نونهالان است.

واژه‌ی «اردو» در برگیرنده‌ی اهداف و انگیزه‌های اردو داری است و بسیار مناسب است در آغاز این حرکت دانشآموزان را از هدف و پیام اردو آگاه سازیم:

﴿۱﴾ - اخلاق و صفت‌های نیکو مانند: ایثار، اتحاد، امتحان و انتخاب یکدیگر در سفرگروهی نمایان می‌شود.

﴿۲﴾ - راز داری، رهبری، رفاقت با دیگران که هر کس سرپرست گروهی می‌شود، این سه اصل را دارا باشد و خود را خدمتگزار بداند.

﴿۳﴾ - دوست یابی، دیدار طبیعت و دانش جویی از بهترین کارهای اردوی سازنده است.

﴿۴﴾ - وظیفه‌شناسی و وفاداری در برابر کارهایی که به عهده‌ی انسان می‌گذارند و از همکاری و رعایت نظم و قانون شانه خالی نکند.
پیام اردو در یک جمله خلاصه می‌شود:
اردو؛ محل ٹلاش، دوستی، شادابی، سازندگی است.

مربيان عزيز!

برای برپایی اردوهای «یک روزه» نیاز به برنامه ریزی و مدیریت دقیق است، از جمله با تنوع بخشیدن و ارایه‌ی برنامه‌های شاد و مفید شرکت کنندگان به ویژه دانشآموزان ابتدایی را از اردو شاد و راضی نگه داریم:
در ابتدای حرکت پس از استقرار بچه‌ها در مکان یا وسیله‌ی نقلیه،

- * با صلوات و دعای امام زمان(عج) فضارا معنوی سازیم.
- * با صدقه و جمع آوری هدیه برای نیازمندان، سلامتی گروه را بیمه کنیم و نیکوتر این است که هدیه‌ها را به صندوق صدقه بریزند.
- * با پذیرایی از قبیل: میوه، شیرینی، بستنی و کمی شوختی کام دانشآموزان را شیرین کنیم.
- * سپس با معارفه و شناسایی همراهان اردو و معرفی سرپرستان و کادر اجرایی و مربيان اردو به بچه‌ها و ظایف را مشخص کنیم.
- در این قسمت دانشآموزان جهت معرفی خودشان می‌توانند با یک شعر یا خاطره و یا لطیفه و شیرین کاری به همگان اعلام کنند.
- و حال با یک برنامه و گلچینی از نکته‌های تربیتی اردو را هدایت می‌کنیم:
- مربيان عزیز می‌توانند با استفاده از مطالب زیر اردو را پربار سازند:

«استقبال اردو»

ب	و	ب	و	ب	مُوش آمدید
چشم	و	دل	ما	شده	
با	هم	تو	اردو		
دوستی	خوب	و مهربون			
قلپای	پر	مهشون			
با	هم	تو	اردو		
وقتی	گل	خنده			
قلپ	پر	از	مهرتون		
با	هم	تو	اردو		
لپهای	شما	وا	میشه		
شادی	کنیم				
هیاهو					

در این مرحله قصه‌ای به نام «اشک شیطان» اجرا شود:

اردوی یک روزہ

این قصه، نکات اخلاقی و تربیتی فراوانی دارد.

مربیان برای جذابیت قصه‌گویی، واژه‌های کلیدی قصه را بر روی کارت‌هایی به شکل اشک یادداشت می‌کنند. و عنوان قصه را بر روی کارتی بزرگتر در مقابل بچه‌ها نمایش می‌دهند:



شرح قصه

روزی پیامبر اسلام ﷺ از کوچه‌ای عبور می‌کرد، شیطان را دید که خیلی ضعیف و نالان کنار کوچه نشسته است. پیامبر ﷺ از او پرسید: شیطان! چرا اینجا نشستی؟

شیطان گفت: ای رسول خدا! من از دست امت تو در رنج هستم.

پیامبر ﷺ پرسید: چرا؟

شیطان گفت: امت تو شش صفت خوب دارند که من آن‌ها را دوست ندارم و همیشه

مرا گریان می‌کنند، پیامبر ﷺ فرمود: آن‌ها کدامند؟

شیطان گفت:

اول هر کاری با «بسم الله» و یاد خدا آغاز می‌کنند.

دوم وقتی که به هم می‌رسند، به یکدیگر «سلام» و دعا می‌کنند.

سوم بعد از سلام، «روبوسی» و دست به هم می‌دهند.

چهارم آخر هر کاری و حرفی «ان شاء الله» می‌گویند.

پنجم هر گاه کار زشت یا گناهی انجام می‌دهند، «توبه» و پوزش از خدا می‌طلبند و تلاش مرا خراب می‌کنند.

ششم از همه عجیب‌تر این که هر وقت نام شما را می‌شنوند، برای احترام و سلامتی شما «صلوات» می‌فرستند ولی مرا نفرین می‌کنند.

من همیشه به خاطر این کارهای خوب ناراحت هستم.^(۱)

بچه‌های عزیز!

یک بار صفت‌های خوب را با هم تکرار می‌کنیم:

مربیان همراه بچه‌ها واژه‌هایی را که در قصه وجود دارد، جهت یادآوری همخوانی نمایند و در پایان با یک صلوات اجرای قصه را خاتمه دهند.

همچنین در فاصله‌های زمانی نیز چند لطیفه شعری ارایه کنند.^(۲)

«بازی»

(- دودوست با هم گفتگو می‌کردند، اولی گفت: نمی‌دونی دارم دیوونه می‌شم.

دومی: چرا؟

(ولی: پایام پرایم یک شیپور مخربه و مادرم یک توپ په من داده پعدهم گفته‌اند: پرو توی اطاق بی سروصدابازی کن.

۱- مجله معارف اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی شماره ۳۳ صفحه حکایتها و روایتها به نقل از کشکول منتظری ج ۰.۲)

۲- بسیار مناسب است اجرای لطیفه‌ها و شعرها به وسیله دانش آموزان باشد تا بچه‌ها هم در برنامه سهیم باشند.

اردوی یک روزہ ۱۸۳

«گل»

۳- مجید: په نظر تو گل پنځسه قشنګ ترہ یا گل لاله؟
احمد: په نظر من گلی که اړ راه دور توی دروازه می زند قشنګ ترہ.

«شکستنی»

۴- معلم ورزش په پدر دا نش آموزی گفت: آق پسر شما امروز در مسابقه رکورد شکسته؟!

پدر دا نش آموز چوای داد: په من چې! خودش شکسته پولشو پايد پده!

«توب بازی»

۵- پسر: مادر اړجاڑه می دهی پرم توب پاڑی؟
مادر: پا آن سلووار پا راه؟
پسر: ته پا پسر همسایه.

«بچه شیرخوار»

۶- معلم: بچهها! یک بچه توی آفریقا روزی ده کیلو شیر می خوره می دونید چیه؟
بچهها: نه آق
معلم: بچه قیله دیگه!

معما

- پسری یک لیوان آپ دارد، ولی نمی تواند پنوشدن چداره!
(بین زده است)
- کدام کلید است که قفل ندارد?
(کلید برق)

* چند سرگرمی و مسابقه‌ی برگه‌ای به شیوه زیرآماده و به تعداد بچه‌ها تکثیر کنید و بر اساس امتیاز بندی به بچه‌ها جایزه بدهید.

وصل کنید.

هر شهری یک سوغات معروف دارد، با خط به هم وصل کن.

گز	مشهد
گل	شیراز
انار	قم
کلوچه	کرمان
خرما	أَبْعَلِي
پنیر	ساوه
سوهان	به
دوغ	لاهیجان
زیره	تبریز
پرتقال	اصفهان
گلاب	کاشان
نبات	محلات

نقطه گذاری کن و بخوان.

سفارس لفمان به سیروس:

حوب فکر ک حوب سس، حوب عدا بحور و نمار بحوان نا فکرب بحنه سود.

آنچه را لیمی دانی از دانسمندان سامور و آنچه آموختی به مردم سامور.

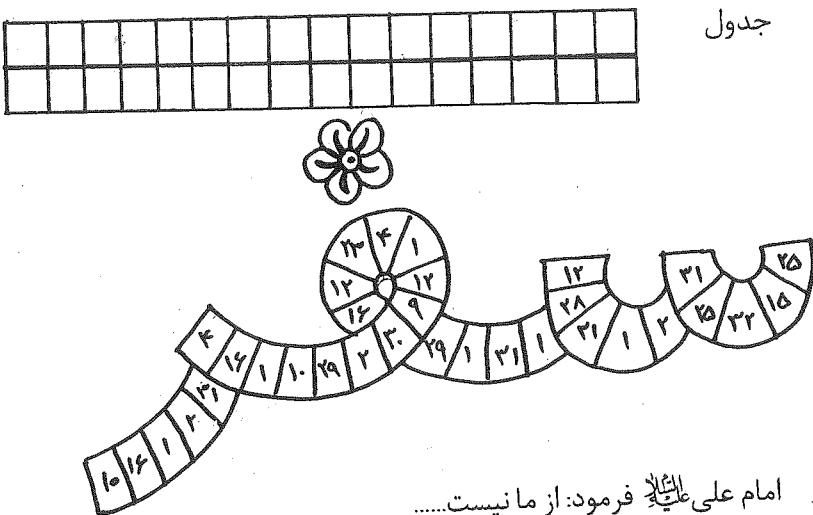
فرریدم! کم‌گوی و خدا را در همه حایه نادار.

در کار دسا آنحسان وارد سوکه به آخر سر برید و آنحسان کیارگری نکن که سر برار دیگران سوی.

وھی با دوستانہ ہنسی ریاں بسم کی واحمہ ساس۔

﴿اخلاق مسافرت﴾

بچه‌ها! اول در جدول زیر حروف الفبارا به ترتیب بنویسید و بعد خانه‌ها را از ۱ تا ۳۲ شماره گذاری کنید. سپس به مناسبت سال امام علی علیه السلام حروف خانه‌های جدول سفر را مثل نوشتن آن حدیث کامل کن.



نام درس

نقی محمد نژاد

شعار هفته

موضوع

قرآن - نماز احترام به پدر و مادر - احسان - دوستی - دروغ گویی

هدف کلی

دانشآموزان با مفاهیم آموزنده‌ی دینی از طریق قرآن و حدیث آشنا می‌شوند

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس در ارتباط با ارزش و تأثیر قرآن و نماز در زندگی و اهمیت آن از دیدگاه معصومان و نکات دیگر اخلاقی آشنا می‌شوند.

هدف رفتاری

بعد از پایان هر درس انتظار می‌رود دانشآموزان به تک تک احادیث عمل کنند مثلا

هر روز قرآن بخوانند و به پدر و مادر خود احترام بگذارند و

روش‌های مناسب

(- توصییحی ۲- فعال (نقاشی، خاطره نویسی، مقاله نویسی)

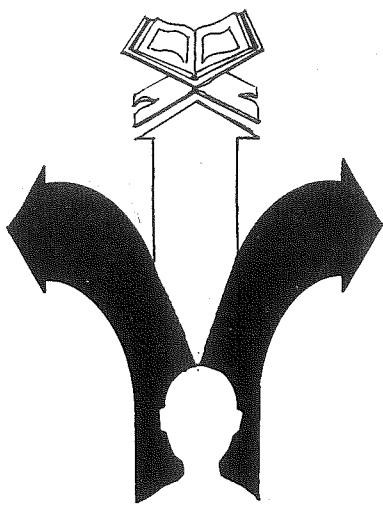
رسانه‌های آموزشی

تخته سیاه، وايت بُرد، مقواي سفید

قرآن

إِنَّهُ لِقُولُ فَضْلٍ (۱)

قرآن کلام م جدا کننده‌ی حق از باطل است.



شکل داده شده را بر روی کاغذ (از قبل) ترسیم کنید.

در این شکل، قرآن با انوار منشعب و سر انسان در مقابل آن سه جهت (مستقیم - چپ - راست) ترسیم شده است.

با توجه به شکل، آیه‌ی فوق را ترجمه و به طور خلاصه در مورد راهنمایی بودن قرآن و هدایت انسان به راه راست (مستقیم)، توضیح دهید.

شاخصه است مربی موارد زیر را در طی هفته یادآوری کند.

۱- آداب تلاوت قرآن:

طهارت، روپه قبله پودن، پا احترام در مقابل قرآن نشستن، پا صوت ریبا محواندن.

۲- زمان خواندن:

خواندن قرآن در همه‌ی روزها توصیه شده است؛ اما در ماه رمضان، موقع نماز، شب و روز جمعه ثواب پیشتری دارد.

نکته:

برای جذابیت بیشتر بچه‌ها می‌توان هر روز اشعار قرآنی را به صورت دسته جمعی خواند.

از بچه‌ها بخواهید این شعر را بنویسند و برای همخوانی در اردو، آن را حفظ کنند.

ما کو دکانیم شیدین ز پانیم

تنها و پاهم قرآن می‌خوانیم

ما در دستان شادیم و مخدان

گفتارها حوب پاشد ز قرآن

پا هر کسی هست رفتار ما حوب

پاشد ز قرآن پاشد ز قرآن

محمد عزیزی

تكلیف هفته:

۱- دانش آموزان هر روز یک سوره از سوره‌های کوچک قرآن را حفظ کنند و در آخر هفته طی مسابقه‌ای به کسی که بدون عیب و غلط، سوره‌ها را حفظ شده باشد، جایزه‌ای تعلق بگیرد.

۲- دانش آموزان پنجم ابتدایی آیه‌الکرسی را حفظ کنند.

نکته:

برای انس بیشتر با قرآن، می‌توان هر روز قبل از شروع کلاس‌ها، از دانش آموزانی که

صوت آن‌ها زیباست، دعوت کرد تا قرائت کنند.
داستان هفته.

کربلایی کاظم

محمد کاظم پیرمرد روستایی ساده‌ای بود که در روستای «ساروق» اراک مشغول کار کشاورزی بود. یک سال روحانی و مبلغی که برای تبلیغ به روستای او آمده بود، در منبر و سخنرانی از خمس و زکات، صحبت کرد و گفت: اگر کسی گندمش به حذ نصاب برسد و زکات و حق فقرا را ندهد، مالش مخلوط به حرام می‌شود و اگر با پول آن گندمهای زکات نداده، خانه‌ای بخرد یا درست کند، نمازی که در آن خانه می‌خواند، باطل است.

محمد کاظم چون می‌دانست صاحب زمینی که او در آن کار می‌کند، زکات و حق فقرا را نمی‌دهد به او یادآوری کرد؛ اما صاحب زمین قبول نکرد. محمد کاظم تصمیم گرفت از آن روستا هجرت کند و به جایی دیگر برود تا کار کند. چند سال که گذشت مردم روستا از او خواستند تا به روستا برگرد و برای خودش کشاورزی کند. محمد کاظم همان سال نصف گندم را که مردم به او داده بودند تا بکارد، به فقرا داد و نصف دیگرش را در زمین پاشید و خدا به زراعت برکت داد به حدی که بیش از معمول برداشت کرد و از همان سال بنادرگداشت که نصف محصول خود را به فقرا بدهد.

محمد کاظم برای گوسفندهایش قدری علوفه می‌چیند، آن را بر دوش می‌گذارد و روانه‌ی دهکده می‌شود. به باع امامزاده مشهور به «هفتاد و دو تن» که محل دفن چندین امامزاده است، می‌رسد برای استراحت روی سکوی امامزاده می‌نشینند. کمی بعد می‌بینند دو جوان بسیار زیبا نزد او می‌آیند زمانی که به او می‌رسند، می‌گویند: می‌آیی برویم فاتحه‌ای بخوانیم! با آن‌ها به فاتحه خوانی می‌رود آن دو نفر مشغول خواندن چیزهایی می‌شوند که محمد کاظم نمی‌فهمد اما متوجه می‌شود، که در اطراف سقف امامزاده کلمات روشنی نوشته شده است. یکی از آن دو نفر از او می‌پرسد: چرا چیزی نمی‌خوانی؟

محمد کاظم جواب می‌دهد. سواد ندارم.

او می‌گوید، باید بخوانی و آن گاه دست به سینه‌ی محمد کاظم می‌گذارد، فشار می‌دهد و می‌گوید: حال بخوان.

محمد کاظم می‌پرسد: چه بخوانم؟ آن آقا آیه‌ای را می‌خواند و می‌گوید: این طور بخوان. محمد کاظم شروع به خواندن می‌کند، وقتی آیه تمام می‌شود بر می‌گردد تا به آن آقا چیزی بگوید، اما می‌بیند هیچکس همراهش نیست و از آن لحظه محمد کاظم از بزرگترین حافظان قرآن می‌شود. با این که سواد نداشت و قبل از این معجزه‌ی بزرگ، مردی کم حافظه بود.^(۱)

۱- برگرفته از کتاب قصه‌های قرآن، تألیف، اکبری محمدرضا، ص ۵۱

نماز

قال علی عَلِيٌّ : الصلوة حصن من سطوات الشيطان^(۱)

نماز دژ محکمی است که نمازگذار را از حملات شیطان نگاه می‌دارد.
بعد از نوشتن حدیث و ترجمه‌ی آن، شعر را از حفظ برای بچه‌ها بخوانید.

پا ز مادر پر خاست

آب زرد پر سر و رو

با دلی پر زمید

کرد آهسته وضو

روی سجاده محویش

هست مشغول دعا

وه چه حالی دارد

در مناجات مُحدا

مادرم می‌گوید

پسرم^(۲) شکر مُحدا

که شدیم اهل نماز

که شدیم اهل دعا

مادرم می‌گوید

پسرم! می‌دانی

۱- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۸۰

۲- در کلاس دختران، کلمه دخترم را به کار ببرید.

با نماز است که دل
می شود نورانی
پا ز در سر دارد
مادرم شور نماز
حانه هی کوچک ماست
روشن از نور نماز

تَقْيَى مُتَقَى

بعد از خواندن شعر، به طور خلاصه، درباره‌ی اهمیت نماز، اثرات و فضیلت نماز اول وقت و نماز جماعت توضیح دهید و در ادامه، داستان هفته را برای آن‌ها بگویید.
داستان هفته (۱)

صدای اذان از رادیوی ماشین به گوش می‌رسید، جوانی که پهلوی من نشسته بود، بلند شد و به طرف راننده رفت و گفت: آقای راننده! نگهدار. می‌خواهم نماز بخوانم! راننده با بی خیالی گفت: برو بابا، حالا کی نماز می‌خواند! جوان با عصبانیت و ناراحتی گفت: بہت می‌گم نگهدار! راننده فهمید که او بسیار جدی است، پرسید و سط بیاون؟ این جا که جای نماز خواندن نیست! بگذار به یک قهوه خانه برسیم، بعد نگه می‌دارم! جوان اصرار کرد و بالاخره راننده نگه داشت. او پیاده شد و با آرامش نمازش را خواند، من هم رفتم پایین و نمازم را خواندم.

بعد از حرکت ماشین، از جوان پرسیدم چرا اینقدر سعی داشتی نماز را اول وقت بخوانی؟ گفت، من به امام زمان حضرت ولی عصر(عج) تعهد داده‌ام که نمازم را اول وقت بخوانم.

۱- این داستان واقعی است و در زمان طاغوت اتفاق افتاده است.

با خودم گفتم؛ قول به امام زمان! بهتره از او بخواهم برایم تعریف کند که قضیه چیست و این کار را کردم او گفت: من در یکی از کشورهای اروپایی درس می‌خواندم و چند سالی بود که آن جا زندگی می‌کردم محل سکونت من در یک بخش کوچک بود و تا شهری که دانشگاه در آن قرار داشت، فاصله زیادی بود. به همین خاطر با ماشین به آن جا می‌رفتم. ضمناً در این بخش یک اتوبوس بیشتر نبود که مسافران را به شهر می‌برد و بر می‌گشت. برای فارغ التحصیل شدنم باید آخرین امتحانم را می‌دادم. درس هایم را خوب خوانده بودم و برای امتحانی که خیلی سرنوشت ساز و مهم بود آماده بودم. سوار ماشین شدم، پس از چند دقیقه اتوبوس راه افتاد، هنوز نیمی از مسیر را طی نکرده بودیم که یکباره اتوبوس خاموش شد و هر چه راننده تلاش کرد، روشن نشد. مسافران پیاده شدند و کنار جاده نشستند؛ ولی من دلم برای امتحانم شور می‌زد و ناراحت بودم ماشین دیگری هم از جاده عبور نمی‌کرد که با آن بروم، نمی‌دانستم چه کار کنم. خیلی ناراحت بودم، تمام زحمات چند ساله‌ام از بین می‌رفت. یک باره جرقه‌ای در مغزم زد که ما وقتی در ایران بودیم در دعای ندبه، متولّ به امام زمان (عج) می‌شدیم و وقتی کارها به بن بست می‌رسید، از او کمک و یاری می‌خواستیم، این بود که دلم شکست و اشکم جاری شد. با خودم گفتم یا بقیة الله اگر امروز کمکم کنی و کارم را درست کنی و من به امتحانم برسم، قول می‌دهم تا آخر عمر نمازم را همیشه اول وقت بخوانم.

پس از چند دقیقه یک آفایی از راه رسید و به راننده گفت چه شده؟ راننده گفت هر کاری می‌کنم روشن نمی‌شود. مقداری ماشین را دست کاری کرد و بعد از راننده خواست استارت بزنند. بالاخره ماشین روشن شد و همه با خوشحالی سوار ماشین شدیم. همین که اتوبوس می‌خواست راه بیفت، دیدم همان آقا بالا آمد و گفت: قولی که به ما دادی، یادت نرود؛ نماز اول وقت!

او بلا فاصله پیاده شد و رفت. من دیگر او را ندیدم و فهمیدم که امام زمان (عج) بود که

به کمک آمده بود. (۱)

برای این که در طی هفته دانش آموزان به موضوع نماز بپردازند، تکالیف زیر را بر اساس تعداد جلسات به آن‌ها بدهید تا در جلسه‌ی بعد تحويل دهنند و به میزان جواب‌های صحیح، امتیاز بگیرند.

تکلیف ۱:

مسابقه برای آخر هفته:

کلیه‌ی شرکت کنندگان در کلاس می‌توانند در این مسابقه شرکت کنند. و هر کس بتواند به طور کامل به همه‌ی پرسشها جواب بدهد، امتیاز کامل می‌گیرد.

موضوع مسابقه: فقط ترجمه‌ی نماز.

امتیاز‌ها؛ اذان ۱۰ امتیاز. اقامه: ۱۰ امتیاز. حمد: ۲۰ امتیاز. سوره‌ی توحید: ۱۰ امتیاز. ذکر رکوع: ۵ امتیاز

ذکر سجده: ۵ امتیاز. قنوت: ۱۰ امتیاز. تسبیحات (اربعه: ۱۰ امتیاز).
سلام نماز: ۱۰ امتیاز
جمع امتیاز: ۱۰۰

تکلیف ۲:

تمکیل کنید.

از دانش آموزان خواسته شود با قرار دادن کلمات پایین در جای مناسب با کلمه‌ای که باقی می‌ماند، یک جمله بسازند. (جملات ترجمه‌ی احادیث هستند)

- (۱۰) جمله ناقص است که هر کدام (۸) امتیاز دارد و درمجموع ۸۰ امتیاز می‌شود.
(۲۰) امتیاز را اختصاص به جمله مسابقه می‌دهیم و مجموع امتیازها ۱۰۰ می‌شود.
(- نماز..... یا حداوند است.)

۱- داستانهای نماز، مرتضی عطایی، ص ۱۰۷

۱۹۷ شعار هفته

- ۲- نُمَارْ قِبْلَى اعْمَالِ اسْتَ.
- ۳- نُمَارْ مُوجِبٌ اِرْجَهْنَم اسْتَ.
- ۴- نُمَارْ مُوجِبٌ پِهْ بِهْشَتَ اسْتَ.
- ۵- نُمَارْ در قِيَامَتِ اسْتَ.
- ۶- نُمَارْ پِيَامِير اسْتَ.
- ۷- نُمَارْ مُوجِبٌ حَدَّا وَنْد اسْتَ.
- ۸- نُمَارْ اِرْ اسْتَ.
- ۹- نُمَارْ بِينَ اِنْسَانٍ وَآئِشَن اسْتَ.
- ۰- نُمَارْ مُوجِبٌ نِرا حَقَّي اسْتَ.

نکته:

۱- کلمات مناسب برای جایگزینی عبارتند از:

- (ولیم سؤال - پرده‌ای - سپی - رضایت - پیمان - واجبات دین - نور چشم - هدایت و ایمان - شیطان - نجات - ورود
- ۲- رمز این تکلیف کلمه‌ی «هدایت و ایمان» است که باقی می‌ماند.

جدول

افقی

- ۱- اگر نماز را نتوانیم ادا به جایاوریم، باید اینگونه خوانده شود.
- ۲- اگر رسیدن آب به بدن ضرر داشته باشد، به جای وضو این عمل را انجام می‌دهند - یکی از مستحبات نماز که قبل از خواندن نماز باید بگیریم.
- ۳- نام سوره‌ی سی ام قرآن.

عمودی

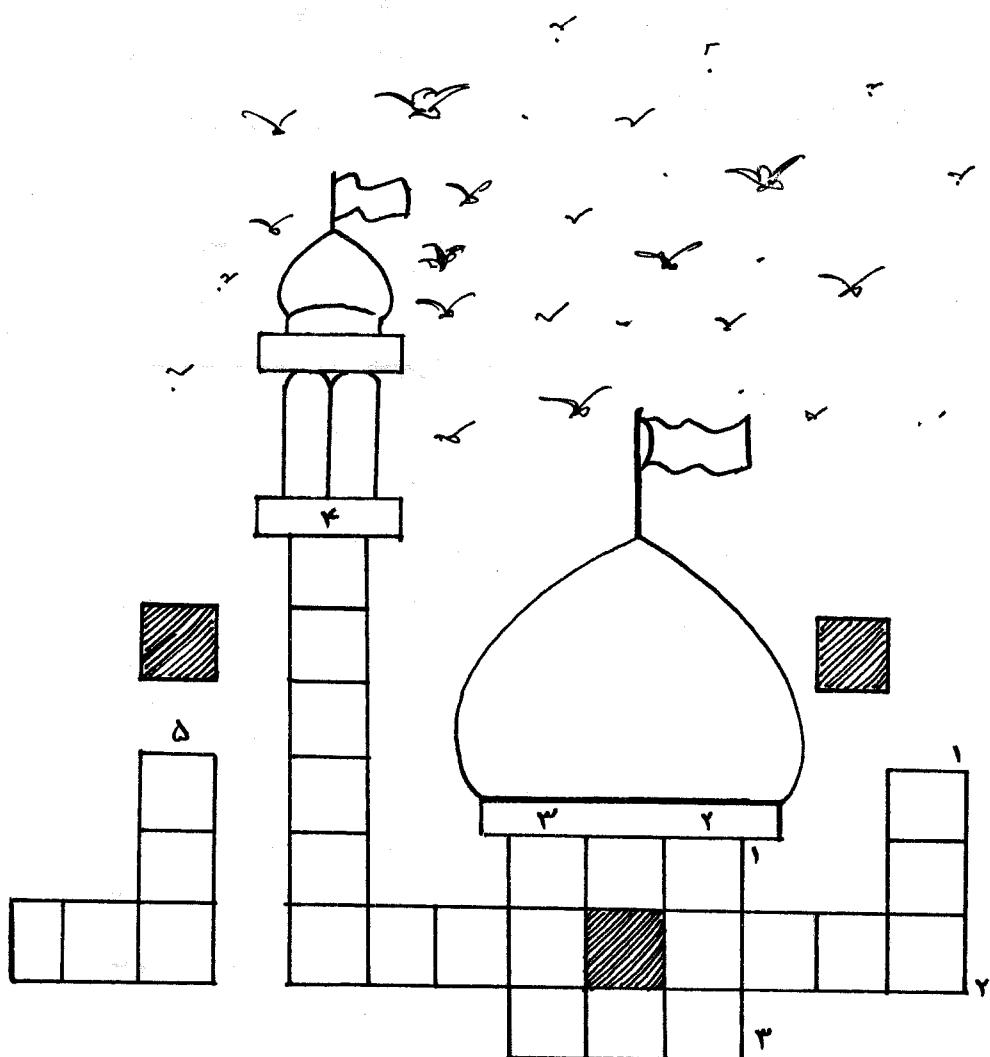
- ۱- یکی از واجبات نماز است که با قصد قربت و برای فرمان خدا انجام می‌شود.

-۲- ماه به زبان عربی.

-۳- یا بنی... الصلة و أمر بالمعروف.

-۴- پشت سر هم به جا آوردن نماز را گویند.

-۵- اگر در نماز تشهید را فراموش کنیم، این سجده را به جا می آوریم.



اڪڙام ب پڙ و مار

قال علی عليه السلام : پر الوالدین اکبر فریضۃ^(۱)

نیکی پ پدر و مادر از پدرگتیرین و اچبات است.

کلامت همچنان تقل و نیات است

تو که رویت کل پاڳ حیات است

فراند از تمام و اچبات است^(۲)

پدان نیکی پ پدر و مادر کردن

ای مهر تو نقش گوهر من

ای روی تو مهر انور من

وی حاک ره تو افسر من

ای لطف تو آپ رنگانی

وی نام تو زیب و زیور من

ای پاد تو نقش عالم جان

پودی تو یگانه پاور من

روزی که زیون و زار پودم

۱- حدیث را با خط خوش (بدون ترجمہ) بر روی تخته بنویسید.

۲- بحث را با سؤال از دانش آموزان شروع کنید.

بچه‌ها چه کسی می‌تواند واجبات دین را نام ببرد؟ نماز، روزه، حج، زکات، خمس،

امر به معروف و...

۳- بعد از دریافت جواب، ترجمه‌ی حدیث را به طور واضح بنویسید و شعر ترجمه‌ی

آن را بخوانید.

۴- شعر (مهرانور) را بخوانید و از بچه‌ها بخواهید آن را بنویسند.

۵- به طور خلاصه آیه‌ی ۱۵ از سوره‌ی احقاف را ترجمه و شرح دهید.

۱- بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۱۰

۲- احد ده بزرگی

۶- احکام رضایت والدین در اعمال مستحبی و دیگر احکام مربوط به والدین را به طور خلاصه بگویید.

۷- داستان هفته را پرداخت و نقل کنید و از بچه‌ها بخواهید در منزل خلاصه‌ی داستان و نتیجه‌ی آن را بنویسند.

۸- تکالیف را در طی هفته از بچه‌ها بخواهید.

تكلیف:

۱- لیستی از رفتار خوب و بد را تهیه کنید.

۲- لیستی از کارهایی که در آن به پدر و مادر کمک کردید، بنویسید.

۳- در مورد مقام پدر و مادر شعر یا مقاله کوتاهی بنویسید.

۴- جدول را رنگ‌آمیزی و حل کنید.

یادآوری:

خانه‌هایی که نقطه دارند را رنگ کنید و جدول را حل کنید.

در خانه‌هایی که علامت ضربدر دارند، حروف را کنار هم بگذارید و یکی از القاب حضرت زهرا علیها السلام را به دست آورید.

نکته:

لقب مورد نظر «مرضیه» است.

۵	۴	۳	۲	۱
۰	۰	۰	۰	۰
۰	۰	۰	X	۰
۰	۰	X	۰	۰
۰	۰	۰	X	۰
۰	۰	۰	۰	۰
۰	۰	۰	۰	۰

افقی

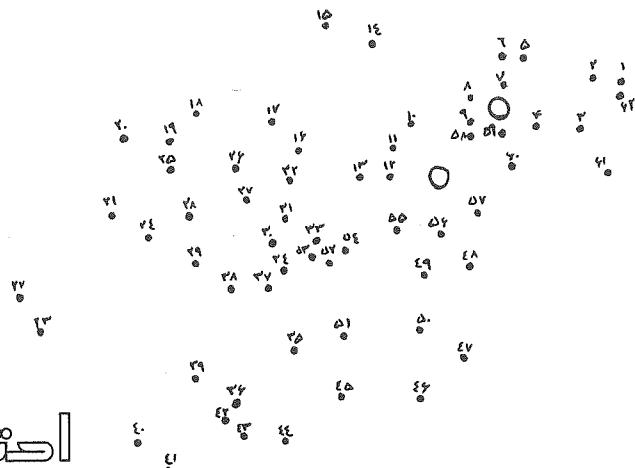
- ۱- خانه کوچک ماهی در حیاط خانه مان (حوض)
- ۲- روز مادر به خاطر تولد او است (فاتمه علیها السلام) - دشمن خوب است (بد) - جاده خون (رگ).
- ۳- مادر به زبان عربی (أم)

عمودی:

- ۱- بازیان می‌زنیم. (حرف)
- ۲- صدرا را با آن می‌گیرند. (ضبط)
- ۳- شب‌ها او را می‌بینیم. (ماه)
- ۴- اگر بچه با آن نباشد، هیچ کس او را دوست ندارد. (ادب)
- ۵- غذای کودک است. (شیر)

سرگرمی ^(۱)

از نقطه‌ی ۱ تا ۶۲ را به هم وصل و رنگ آمیزی کنید.



اصڑام پرداز

۱- پیک شکوفه‌ها. سید احمد حسینی متولی و حمید مقامی.

داستان هفته:

شوق دیدار

آفتاب تند صحراء، صورتش را اذیت می‌کرد. تا چشم کار می‌کرد، بیابان بود و گرما. کمی آب از مشکی که داشت، نوشید. نگاهی به آن دوردست‌ها انداخت؛ از دور سایه‌های را دید، نور امیدی در دلش دمید. نهیبی به شترزد. شتر تندتر گام برداشته بعد از لحظاتی به زیر سایه‌ی نخل‌ها رسید. بار را از شتر به زمین گذاشت و زیر سایه دراز کشید تا لحظاتی استراحت کند و بعد هر چه زودتر به سوی مقصد برود. چشمش را به ابرهای آسمان دوخت، تکه ابری در نظرش شبیه به چهره‌ی مادرش می‌رسید.

پسرم! تو می‌دانی که من به جز تو کسی را ندارم. من هم می‌دانم که تو مشتاق دیدن پیامبر ﷺ هستی؛ ولی راضی مشوکه مرا بیشتر از یک هفته تنها رها کنی. به من قول بده تنها یک هفته در سفر باشی.

اشک در چشمان «اویس» حلقه زد و رفتہ رفتہ خواب به چشمانش دوید.
خورشید آرام در انتهای مغرب غروب می‌کرد. اویس با عجله به سمت شترش رفت، زیرانداز را بر او نهاد، کيسه غذا و مشک آب را نیز در دست گرفت و سوار شد و به سمت مدینه راه افتاد.

هوا به شدت گرم بود دست برد تا آب بنوشد؛ اما آبش تمام شده بود. در زیر نور مهتاب چند خانه از دور پیدا بودند. سریع خودش را به آن جا رساند؛ اما دید خرابه است و هیچ کس در آن جا زندگی نمی‌کند. به راهش ادامه داد؛ اما تشنگی او را آزار می‌داد و دیگر رمقی نداشت و...

وقتی چشم باز کرد، دو نفر را بالای سرنش دید. پرسید شما کی هستید؟
دو مرد گفتند ما تو را در بیابان پیدا کردیم، خدا را شکر که زنده‌ای ما راهنمای یک کاروان هستیم که از این جا می‌گذشتمیم.

اویس از آن‌ها تشکر کرد و به طرف مدینه راه افتاد.

صبح روز پنجم بود که از دور شهر مدینه را دید. حالا به مدینه رسیده بود و با پیامبر خدا تنها چند گام فاصله داشت.

از مردمی که از کوچه‌های مدینه عبور می‌کردند، سراغ خانه‌ی پیامبر را گرفت و آن‌ها با اشاره‌ی دست او را به سمت مسجد پیامبر که درست در کنار خانه رسول الله ﷺ بود، راهنمایی کردند. آرام در زد نمی‌دانست چه کار کند؛ اگر رسول خدا ﷺ کنار در می‌آمد، چه جوری با او صحبت کند. در به آرامی باز شد و جوانی در مقابل اویس ایستاد.

-سلام بر تو ای برادر!

-علیکم السلام

-خانه‌ی پیامبر اینجا است؟

-بله! با او کاری داشتید؟

-من از قرن آمده‌ام، چهار روز در راه بودم، تا بتوانم پیامبر را ببینم.

مرد جوان گفت: اما پیامبر بعد از نماز صبح به خارج از مدینه رفتند و تا غروب نمی‌آیند.

اویس به خاطر قولی که به مادرش داده بود، فقط می‌توانست تا ظهر بماند و باید زود بر می‌گشت.

جوان او را به داخل یکی از اطاق‌ها برداشت و با شیر از او پذیرایی کرد. آن گاه او را به اصحاب معرفی کرد. هنگام نماز اویس در نماز جماعت حاضر شد و بعد از نماز از همه خداحافظی و به سوی قرن حرکت کرد و غروب روز هفتم به شهر خود رسید و توانست به قولی که به مادرش داده بود، عمل کند؛ البته در دل از این که پیامبر را ندید خیلی ناراحت بود. دو هفته بعد کاروانی که از آن جا می‌گذشت، سلام پیامبر خدا را به او رساندند و گفتند: بعد از این که اویس از مدینه برگشت، رسول خدا ﷺ به خانه خود آمدند و به زید فرمود: چه بوی خوبی می‌آید! آیا کسی اینجا بود. وقتی قصه‌ی اویس را شنید، فرمود: من بوی بهشت را از قرن استشمam می‌کنم.

اکسال

قال علی علیه السلام: من کثیر احسانه اجبه اخوانه^(۱)

کسی که کار نیکش زیاد شود، دوستان و برادرانش او را دوست می‌دارند.

مربی محترم برای جلب توجه بچه‌ها، قبل از ترجمه و شرح حدیث، از آن‌ها بخواهید «عبادت» را توضیح دهند و چند نمونه را نام ببرند. معمولاً نماز و روزه و تلاوت قرآن و... را نام می‌برند بعد از شنیدن جواب و دسته بندی جواب آن‌ها حدیث را ترجمه و به سایر عبادات‌ها اشاره کنید و توضیح دهید که به نظر اسلام، عبادت و تقرب به خدا، در نماز، روزه، حج، زیارت، تلاوت قرآن، و... خلاصه نمی‌شود؛ بلکه انجام دادن مسؤولیت‌های اجتماعی، احسان و نیکوکاری و خدمت به بندگان خدا نیز (در صورتی که به قصد قربت) انجام گیرد، از بهترین عبادات‌ها محسوب می‌شوند.

داستان هفته

احسان سرنوشت ساز

او فردی کینه توز و بد زبان بود، بارها رفتار زشت و گفتار بی ادب‌نهاش را همه دیده بودند و هیچ کس باور نمی‌کرد، روزی اصلاح شود؛ اما اخلاق نیکو و رفتار امام موسی ابن جعفر علیه السلام خیلی زود او را به راه آورد و در ردیف خوبان و علاقمندان به آن حضرت قرار گرفت.

او کسی بود که هر وقت امام موسی بن جعفر علیه السلام را می‌دید، به علی علیه السلام ناسزا می‌گفت. بعضی از دوستان امام که حوصله‌شان از این وضع سر رفته بود، عرض کردند.

اجازه بفرمایید او را بکشیم! حضرت آنان را جداً از این کار منع کرد و پرسید: محل کارش کجا است؟

عرض کردند: نزدیک مدینه، زمین کشاورزی دارد.

آن حضرت به مزرعه او رفت. آن مرد وقتی حضرت را دید که وارد مزرعه‌اش شده است و به طرف او می‌آید، با همان خشونت همیشگی فریاد زد: زراعت مرا پایمال نکن! امام وقتی به او رسید، با خنده رویی با او روبوسی کرد و فرمود: چقدر خرج زراعت کرده‌ای؟

جواب داد: صد دینار.

فرمود: چقدر امید داری بهره برداری کنی؟

پاسخ داد: دویست دینار.

حضرت کیسه‌ای که سیصد دینار در آن بود، به او داد و فرمود: زراعت نیز برای خود باشد: خداوند آنچه را امید داری به تو عنایت کند.

آن شخص از جا بلند شد و سر آن حضرت را بوسید و خواهش کرد آن بزرگوار به خاطر آزار و اهانت که به حضرت کرده بود، او را ببخشد.^(۱)

یادآوری:

بعد از اتمام داستان نتیجه آن را از دانش آموzan بپرسید.

جهت آشناسازی هر چه بیشتر دانش آموzan با مصاديق خدمت و احسان به مردم، از تمام دانش آموzan بخواهید ظرف یک هفته، نسبت به انجام یکی از فعالیت‌های زیر اقدام کنند.

- لیستی از کارهای محبوب و مخدمت په دیگران که از عهده‌ی آنها پر می‌آید پیویسند.

۲- در منزل په کارهای محبوبی را می‌توانند انجام دهند.

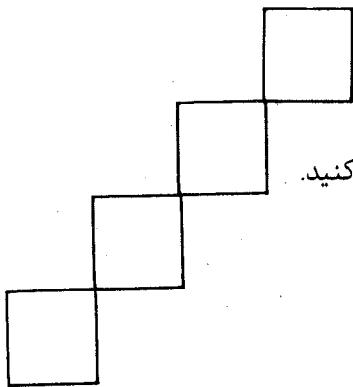
۳- گزارشی از کمک‌هایی که انجام داده‌اند، پیویسند و په این نکته‌ها اشاره کنند.

آن کار خوب چه بود؟ چرا آن را انجام دادند؟ چه احساسی داشتند؟

دوسّتی

حضرت علی علیه السلام : من احبتک نه اک (۱)

دوسّت تو کسی است که تو را از رشته ها باز دارد.



۱- حدیث را (بدون ترجمه) در بالای تخته بنویسید.

۲- چهار مستطیل مانند نمونه رسم کنید.

۳- بعد از رسم مستطیل، به شیوه‌ی معما جدول را پر کنید.

از وفا (واو) را دارم.

از سلام (سین) را دارم.

از محبت (ت) را دارم.

از دانش (DAL) را دارم.

جواب را در جدول از پایین به بالا بنویسید.

از بچه‌ها بخواهید از حروف درهم یک کلمه بسازند.

۴- ترجمه‌ی حدیث را بنویسید.

۵- حدیث دو پیام «دوست و دوستی» و «رشتی» دارد.

۶- از بچه‌ها بخواهید راجع به دوست و دوستی نظر بدهند و بعد از شنیدن نظرات

آنها به طور خلاصه، در مورد دوست و اخلاق توضیح دهید.

۷- جدولی را که در بالا رسم شده، به نردبان تشبيه و اضافه کنید که یک دوست خوب

مانند نردبان موجب ترقی انسان می‌شود.

۸- داستان هفته را نقل کنید و از دانش آموزان بخواهید خلاصه و نتیجه‌ی آن را در

شماره هفته

۲۰۷

جلسه‌ی بعد بر روی کاغذ بنویسند.

نکته:

در طی هفته به موارد زیر اشاره نمایید.

۱- نشانه‌های دوست خوب

راستگو، عاقل، امانتدار، با ایمان، مهربان و منظم، با ادب.

۲- نشانه‌های دوست بد:

دروغگو، خائن، دورو، حسود، گناهکار،

۳- وظایف دوستی

به نام‌های زشت او را صدآنزن، او را مسخره نکن، غیبت او را نکن، به او کمک کن و...

تکلیف:

۱- نشانه‌های یک دوست خوب را بنویسید.

۲- برای دوست خوبت چه کاری کرده‌اید آن را بنویسید.

۳- در مورد دوستی شعر، داستان و طنز بنویسید.

نکته:

داستان را پرداخت کنید و به شیوه‌ی قصه‌گویی، در دو قسمت بگویید.

داستان هفته:

(دوستان فاسد)

حضرت علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام به زیارت خانه خدا رفته بودند. در حال

طوف متوجه گریه‌ی شخصی شدند. حضرت علی علیهم السلام

فرمود: بیایید برویم و ببینیم چرا این چنین پریشان و گریان است. جلو رفتند و دیدند

جوانی است که رو به خانه خدا ایستاده و در حال زاری است.

امام پرسید: ای جوان چرا گریانی؟ آیا ظلمی به تو شده است؟

ره توشه راهیان نور.....

عرض کرد: خیر، به بد بختی خودم و ظلمی که به خود کرده‌ام گریه می‌کنم.

حضرت فرمود: بگو تا ما هم بدانیم.

جوان عرض کرد: دوستان فراوان و نااھلی داشتم که هر روز به دنبال کارهای خلاف می‌رفتیم. هر چه پدرم نصیحتم می‌کرد، فایده‌ای نداشت، یک روز قرار شد به خرج من برای تفریح برویم، به پدرم گفتم پول بدهد؛ ولی چون از کارهایم خبر داشت، پول نداد من که می‌دانستم پدرم پول‌هایش را کجا قرار می‌دهد، به سراغ آن‌ها رفتم؛ ولی پدرم مانع شد و من که جوان بودم وقدرتمند، پدرم را هُل دادم و به کناری انداختم. پدرم وقتی افتاد، از کار من ناراحت شد و نفرینم کرد. من بدون توجه به او پول را برداشتیم و با دوستان به تفریح رفتم. موقع برگشت، از اسب افتادم و نصف بدنم فلج شد. فهمیدم که نفرین پدرم اثر کرد. او ناراحت بود و مرا از خود می‌راند. من که پشیمان بودم، از او خواستم مرا ببخشد و به دست و پایش افتادم. بالاخره پدرم راضی شد مرا ببخشد و قرار شد به خانه‌ی خدا بیاییم و او در حقم دعا کند؛ اما قبل از این که بیاییم او فوت کرد، حالا من چطور به حال خود گریه نکنم.

حضرت علی علیللا فرمود: چون پدرت از تو راضی شد، من در حقّت دعا می‌کنم تا خدا تورا شفا دهد؛ ولی قول بده دیگر گناه نکنی. و پی دوستان نااھل نروی جوان قول داد و حضرت در حقش دعا کرد تا خدا او را شفا دهد.^(۱)

پرورش‌بی

قال علی ﷺ : لاسوءة اسوء من الكذب^(۱)

هیچ عمل رُشْتَی په رُشْتَی دروغگویی نیست.

حدیث را خوش خط بنویسید و کلمه‌ی کذب و دروغگویی را با خط ورنگ متفاوت از کلمات دیگر جدا کنید. تا جلب توجه کند.

داستان هفته:

زینب کذابه^(۲)

در عصر امامت حضرت رضاع^{علیه السلام} زنی ادعا کرد که من زینب دختر فاطمه زهرا^{علیه السلام} هستم. او در همه جامی گفت: من فرزند زهرا^{علیه السلام} و علی^{علیه السلام} هستم و به این ترتیب نزد مردم تفاخر می‌کرد و افتخار خود را به رخ اهل خراسان می‌کشید، و از مردم پول می‌گرفت.

حضرت رضاع^{علیه السلام} از این جریان آگاه شد، او را به حضور حضرت آوردند، ایشان فرمود: این زن دروغگو است.

آن زن، جسورانه گفت: تو نیز که می‌گویی من فرزند پیامبرم، دروغ می‌گویی!
حضرت به حاکم خراسان فرمود: گوشت بدن فرزندان زهرا^{علیه السلام} بر درندگان حرام است. او را به باغ وحش ببرید و جلو درندگان بگذارید اگر حرفش راست باشد، حیوانات وحشی به او آسیبی نمی‌رسانند؛ ولی اگر دروغگو بود، او را پاره پاره می‌کنند.

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۵۹.

۲- قابل توجه: با توجه به این که احتمال دارد اسم قصه موجب اسم گذاری بر زوی دیگران شود لذا می‌توان اسم قصه را نگفت یا عرض کرد.

آن زن گفت: اگر راست می‌گویی خودت به باغ برو.

حضرت امام رضا علیه السلام بلند شد و به باغ رفت. مأموران و مردم از بالا و پشت بام نگاه می‌کردند. امام وقتی وارد شد، حیوانات وحشی به احترام او برخاستند و روی دم خود نشستند. آن حضرت نیز دست بر سر و پشت آن‌ها کشید.

مردم غرق در حیرت شدند و حاکم خراسان دستور داد آن زن نیز به داخل قفس برود ولی او ترسید و قبول نکرد، سرانجام به زور او را به داخل قفس برداشت. حیوانات تا او را دیدند، به سویش دویدند و او را دریدند.^(۱)

بعد از داستان از بچه‌ها بخواهید تا نتیجه‌ی آن را بازگو کنند و بعد از بیان نتیجه، به طور خلاصه راجع به دروغگویی و گناه کبیره توضیح دهید.

تکلیف:

۱- از بچه‌ها بخواهید با مراجعه به قرآن کریم، در سوره‌های حج، تخل، زمر، مائده ترجمه‌ی آیاتی را که در باره‌ی دروغ آمده است و شماره آیه را بنویسند. برای هر آیه ۲۵ امتیاز در نظر بگیرید.^(۲)

۲- تکمیل کنید (ترجمه‌ی احادیث) یک کلمه باقی می‌ماند، با آن یک جمله بسازند.

- دروغ..... سخن‌هاست.

۳- دروغ..... اخلاق است.

۴- دروغ..... آتش است.

۵- دروغ..... سنگین می‌کند.

۱- داستان‌ها و پندها، ج ۷، ص ۳۱.

۲- با توجه به این که امکان دارد برای بچه‌ها مشکل باشد تا تمام این ۴ سوره را بگردند؛ لذا برای راهنمایی از آن‌ها بخواهید در این آیات بگردند. سوره‌ی حج آیه‌ی ۲۰ الی ۴۰، نحل، آیه‌ی ۹۰ تا ۱۲۰، زمر، اول سوره تا آیه ۲۰، مائده، ۲۵ تا ۴۵، ضمناً آیات مورد نظر ما حج، آیه‌ی ۳۰، نحل، آیه‌ی ۱۰۵، زمر، آیه‌ی ۳ و مائده آیه‌ی ۴۱ می‌باشد.

شعار هفته

۲۱۱

۵- دروغ..... پشیمانی ندارد.

۶- دروغ..... به انسان است.

۷- دروغ ریاد..... فاسدی کند.

۸- دروغ..... است.

۹- دروغ..... و گناهان است.

۱۰- دروغ..... رامی برد.

موجب بی اعتمادی دیگران - بارگناهان را - دین را - موجب روسياهی - بدترین -
زشترين - راهی به سوی - کلید تمام بدیها - آبرو - عاقبتی جز - نایبودکنندهی ايمان.
رمز مسابقه «موجب روسياهی» است. هر جملهی ناقص ۸ امتیاز و رمز مسابقه
۲۰ امتیاز دارد.

تکلیف ۳

از بچهها بخواهید اگر خاطره، طنز، داستانی، در مورد دروغ و دروغگویی دارند،
بنویسند.

حضرت امام خمینی «ره»

■ توجه کنید که کودکها را، جوانها را به تعلیمات
اسلامی و تربیتهای اسلامی، تربیت کنید تا
ان شاء الله کشور شما از آسیب مصون باشد.

حضرت امام خمینی «ره»

بچه‌های کوچک ما را اگر اسلامی بار بیاورید،
استقلال و آزادی مملکت شما بیمه خواهد شد. از
این کودکها قدردانی کنید و از این عواطف کودکانه
آنها تشکر می‌کنم.

مقام معظم رهبری «مدظله العالی»

■ وقتی با جوانان هستم... احساس من مثل
احساس کسی است که در هوای صحیحگاه تنفس
می‌کند؛ احساس تازگی و طراوت می‌کنم...

مقام معظم رهبری «مدظله العالی»

■ هر کاری هم بخواهید بکنید، در دوران جوانی
می‌شود کرد؛ یعنی در هر سه زمینه - هم در زمینه
علمی، هم در زمینه‌ی تهذیب نفس، هم در زمینه‌ی
ورزش - باید در جوانی کار کنید.

